

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

امپریالیسم برای حفظ منافع خود، به نابودی ثمرات انقلاب ایران کمر بسته است

کارگران، زحمتکشان شهر و ده و همه نیروهای انقلابی خواهان ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن هستند لیکن دولت با انواع حیلها و باتوسل به همه امکانات خود می کوشد این مبارزه را متوقف کند.

کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی با حمایت از پرسنل انقلابی ارتش و تقویت شوراها در ارتش برای نابودی وابستگی نظامی ایران به امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا تلاش می کنند، اما دولت می کوشد به بهانه عوامفریبانه حفظ سلاحهای که شاه از آمریکا و صرفا برای دفاع از منافع امپریالیسم خریداری شده است، کارشناسان آمریکائی و سایر کشورهای امپریالیستی را که مردم در میان آتش و خون و در نبرد قهرمانانه از ایران اخراج کرده اند، دوباره به ایران بازگرداند، فرماندهان سابق رادریستهای حساس ارتش بگمارد و بدینسان وابستگی نظامی ایران را به امپریالیسم حفظ کند.

نیروهای انقلابی می کوشند ماهیت ضدانقلابی و توطئه های امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا در پیشگاه خلقهای مبارز ایران افشا کنند، اما دولت از یکسو به مبارزه با نیروهای انقلابی برخاسته و از سوی دیگر تلاش می کند همه جنایت ها غارتگری ها و قتل عام هایی را که امپریالیسم در ایران مرتکب شده و بطور کلی جز سرشت امپریالیسم است، سوء تفاهم های گذشته جلوه دهد و به خلق های ایران بقبولاند که پس از قیام مردم ایران دیگر امپریالیسم، جنایتکار، آدمکش و غارتگر نیست. یاب عبارت دیگر از این پس امپریالیسم، دیگر امپریالیسم نیست.

این اعمال دولت برای همیشه در تاریخ مبارزات مردم ستمدیده ایران خواهد ماند و نسلهای آیندو نسل فعلی، دولت کنونی را بر اساس همین واقعیتها دوری خواهد کرد.

به این سخنان عوامفریبانه سخنگوی دولت که البته نظیر آن را وزیر خارجه و نخست و وزیرها و در هر فرصتی به خورد مردم داده اند دقت کنیم تا با بعدا فاجعه را بهتر درک کنیم.

دولت با تبلیغ اینگونه اظهارات عوامفریبانه می خواهد این توهم را پدید آورد که گویا امپریالیسم آمریکا فقط از کودتای جنایتکارانه ۲۸ مرداد تا کنون مسئول کشتار دهها هزار تن و مرگ تدریجی صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان ایرانی و خانه خرابی و سیه روزی میلیونها ایرانی بوده است، از کشتارها و غارتهای گذشته خود پشیمان است و حالا تصمیم گرفته است که دیگر اینگونه جنایت هارا که ضامن ادامه حیات امپریالیسم است، کنار بگذارد. گویا امپریالیسم آمریکا که تا بسج بقیه در صفحه ۲

چهارمین کنگره شورای ترکمن صحرا گنبد - به قرار اطلاع چهارمین کنگره شوراهای ترکمن صحرا جمعه ۵/۸/۴۸ در کنگره برگزار خواهد شد. طبق اطلاعیه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا این گردهمایی برای بررسی مسائل جاری شوراهای ترکمن صحرا و همچنین جهت ایجاد ارتباطی نزدیکتر و هماهنگی بیشتر بین اعضای شوراهای روستائی منطقه انجام خواهد پذیرفت.

از آنجا که آراژه مرزبندی دقیق میان مارکسیسم - لنینیسم و گرایشهای اپوزیونیستی و رویزیونیستی درون جنبش امروزه درخور اهمیت است و از آنجا که رویزیونیسم، به ویژه در شرایط حاضری، تواند ضربات جدی بر مبارزات طبقه کارگر ایران وارد سازد، بر آن شده ایم تا طی یک سلسله مقالات پیاپی، ضمن تشریح تاریخی و منشاء رویزیونیسم ( تجدید نظر طلبی ) در جنبش کمونیستی، دیدگاهها و گرایشهای رویزیونیستی را بررسی کنیم.

این سلسله مقالات تحت عنوان زیر منتشر می شوند. الف - تاریخچه و منشاء رویزیونیسم در جنبش کمونیستی ب - تئوری "سوسیال امپریالیسم" انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است.

تدسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی ادامه دارد نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز هرگز اسلحه را بر زمین نخواهند گذاشت

در شرایطی که امپریالیسم، صهیونیسم و سرمایه داری وابسته برای نابودی انقلابی که هنوز به نیمه راه خود نرسیده است تلاش می کند، در شرایطی که فرماندهان سابق ارتش دوباره پستهای حساس ارتش را اشغال کرده اند، نیروهای انقلابی و خلقهای انقلابی، هرگز اسلحه را به زمین نخواهند گذاشت.

در شرایطی که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی، ثمرات قیام کارگران و زحمتکشان ایران، ثمرات مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران را زهه سو تهدید می کنند، دولت، شورای انقلاب و مقامات مسئول هم و غم خود را صرف توطئه بر علیه نیروهای انقلابی کرده اند. گویی دولت و مقامات مسئول صریحا نیروهای انقلابی را سد راه خود می بینند و هر روز نغمه جدیدی بر علیه این نیروها سازی کنند و همه این کارها البته بیانگر ماهیت دولت و مقامات مسئول است.

آقای هادی دادستان دادگاههای انقلاب در مصاحبه روز سه شنبه ۵ تیرماه با رادیو تلویزیون اظهار داشتند که اگرچه نیروهای انقلابی در زمان طاغوت مجاز بودند، مسلح باشند، اما حالا دیگر چنین کاری درست نیست و... پاسخ مابه آقای هادی و همه مقاماتی که گفته های از این قبیل را مرتباً تکرار می کنند، چنین است: در اوضاع و احوالی که نیروهای ضدانقلابی، سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ در گوشه و کنار ایران بقیه در صفحه ۸

رفیق کبیر (حمید اشرف) یکی از سانگذاران حسین توفیق انقلابی

سه سال از شهادت درخ انگیز رفیق کبیر رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و نه فدائی دیگر، از بهترین فرزندان راستین خلق گذشت. روز هشتم تیرماه ۱۳۵۵ بزرگترین ضربه دشمن بر پیکر سازمان ما فرود آمد، در این روز رفقا حمید اشرف، محمدحسین حقنواز، یوسف قانع خشکه بیجاری محمد مهدی فوقانی، فاطمه حسینی، غلامرضا لایق مهربانی، طاهره خورم، غلامعلی خراط پور، علی اکبر وزیر و محمد رضا یثربی طی یک درگیری مسلحانه در منطقه مهرآباد جنوبی و در پایگاهی که توسط صدها مزدور مسلح محاصره گردیده بقیه در صفحه ۷

نماینده کارگران فلزکار: اختیارات کامل شوراهای کارگری باید در قانون اساسی تضمین شود

نماینده کارگران فلز کار در بخش از سخنان خود در سمینار حقوقدانان اظهار داشت: "قانون اساسی قدیم به توجه به مجموعه شرایط زمانی ظاهرا نه ارتجاعی بود نه دیکتاتور پرورنده در ظاهر هرچیزی داشت که موجب تسلط امپریالیسم جهانی بر تمام شئون ملی ما باشد. با این حال ملت ما همواره در گذشته زیر چکمه استبداد داخلی و امپریالیسم جهانی قرارداد داشت. آنچه قانون اساسی قدیم را بوج و میان تهی کرد، ابهاماتی در مهمترین اصول آن بود. که به طرفداران ارتجاع و استبداد اجازه می داد قانون

حماد آزاد شد، اما سرکوب و اختناق همچنان ادامه دارد فدائی خلق، حماد شیبانی آزاد شد. با اقداماتی که دولت تاکنون در قبال بازداشت انقلابیون مرتکب شده عملا شیبانی خود را از چنین تحکات نشان بقیه در صفحه ۲

پیش نویس قانون اساسی مناسبات سرمایه داری وابسته و سلطه انحصارات امپریالیستی را مسکوت گذاشته است

در شماره های گذشته به مضمون محتوای قانون اساسی که باید از انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران نشأت بگیرد پرداختیم. همچنین در برخورد با "حقوق ملت ایران" در متن پیشنهادی قانون اساسی "کند در اردیبهشت ماه در کیهان منتشر شد به اختصار کمبودها و نقائص این "متن" را در رابطه با حقوق مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دادیم.

در شماره های قبل مواردی در زمینه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ایران را مورد بررسی قرار دادیم که نه در متن پیشنهادی و نه در پیش نویس قانون اساسی "که اخیرا طرف دولت منتشر شده است، توجهی نشده است. در این شماره به نحوه برخورد به مالکیتها که باید در ملک عموم مردم باشد و مهمترین بقیه در صفحه ۲

رشد آگاهی و مبارزاتی کارگران با تجربه کارگران کارخانه گرجی آشنا شویم در کارخانه بیسکویت سازی گرجی که متعلق به خانواده های گرجی است در حدود ۵۰ کارگر بکار اشتغال دارند. نزدیک به ۳۵۰ نفر از آنان را کارگران زن تشکیل می دهد. میانگین حقوق روزانه یک کارگر ساده در این کارخانه ۳۰ تومان است و حال آنکه رئیس کارخانه عباس گرجی ماهیانه بیش از ۳۰۰۰ تومان تنها از بابت ریاست کارخانه به جیب می زند این کارخانه ۱۷ سال پیش تاسیس شده و در این مدت مدام سرمایه آن گسترش یافته است. شرایط کار بخصوص در بخش "فر" (پخت) بسیار طاقت فرساست و کارگران به شدیدترین وجهی مورد بقیه در صفحه ۸

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیش نویس قانون اساسی

مناسبات سرمایه داری وابسته...

امپریالیسم برای حفظ...

بقیه از صفحه ۱

هرگز جنایتهای هولناکش را در ایران، اندونزی، ویتنام، فلسطین و شیلی... فراموشی نخواهد سپرد هم اکنون نیز به حکم سرشت غارتگرانه اش در اکثر کشورهای آمریکا لاتین، آفریقا و خاورمیانه به قتل و غارت مردم مشغول است، تعهد می کند که از این پس استثنائاً در ایران امپریالیست خوبی باشد. اما کارگران و زحمتکشان آگاه ما امروزه خوبی می دانند که امپریالیسم از بدو پیدایش خود همیشه و در همه نقاط جهان خود را مدافع آزادی و مدافع عدم مداخله در امور دیگران اعلام کرده است. مردم ماهنوز سخنان سخنگویان دولت آمریکا را که دخالت این کشور را در ویتنام دفاع از آزادی می خواندند و کشتارهای ارتش شاه را در ایران گوشش در جهت ایجاد دموکراسی می نامیدند، فراموش نکرده اند و هرگز هم فراموش نخواهند کرد. ما توجه همه خلقهای ایران را به گفتار بی شرمانه ترنر رئیس کنونی سازمان سیا که همین چند روز پیش اظهار داشته است جلب می کنیم: "مداخله سیادگرد تسای ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۳۲) که دولت مصدق را سرنگون کرد و شاه را برادر دیگری به قدرت رساند برای منافع آمریکا حیاتی بود. این کودتا از نظر اقتصادی و سیاسی برای آمریکا اهمیت داشت. راستی آیا آمریکا دیگر سه منافع حیاتی خود نمی اندیشد؟ حال این به سخنان گویا و روشن سخنگوی دولت که البته وزیر خارجه و سایر مقامات دولتی نیز نظیر آن را بارها تکرار کرده اند توجه کنیم:

"... سرمایه گذاری هائی که ما در چند سال گذشته بخصوص در مورد سلاح کرده ایم (البته مقصود ایشان از ماهمان شاهنشاه آریامهر، اویسی، پالیزبان طوقانیان و سرمایه داران وابسته ایران است نه کارگران و زحمتکشان ایران که دشمن چنین سرمایه گذارهایی بوده اند و همیشه هم دشمن خواهند ماند) در حدود و چهار میلیارد دلار است و ملت ایران به هیچ وجه اجازه نخواهد داد (بخوانید سرمایه داری اجازه نخواهد داد) که این سلاحها به دور ریخته شود و ما به شرط عدم مداخله آمریکا و به شرط نشان دادن علاقه آنها به داشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی ایران که خودشان هم بارها اعلام کرده اند، از تکنسین ها و متخصصین آنها برای استفاده از چهار میلیارد دلار سرمایه گذاری ملت ایران استفاده خواهیم کرد."

کارگران و زحمتکشان آگاه مبارز ایران موضوع مثل روز روشن است. حفظ سلاحهای تهاجمی و بازگشت کارشناسان جنایت و سرکوب امپریالیسم آمریکا و ادامه وابستگی نظامی ایران به امپریالیسم تنها برای دفاع از منافع سرمایه داری وابسته و امپریالیسم است.

کارگران و زحمتکشان همه خلقهای ایران، به ویژه در سال گذشته با گوشت و پوست خود تجربه کردند که دونوع میهن و دونوع ارتش وجود دارد. یکی میهن کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی که ارتش آن به نیروی لایزال و شکست ناپذیر توده هامنی است و همانگونه که تاریخ بارها نشان داده است، هیچ قدرت نازیگر و تجاوزکاری حتی اگر به مرگبارترین و پیشرفته ترین سلاحها نیز مجهز باشد، نخواهد توانست چنین ارتشی را حتی اگر سلاحش تنها چنگ و دندان باشد، شکست دهد. دیگری میهن سرمایه داران و وابستگان امپریالیسم که ارتش آن منکی به سلاحهای مدرن امپریالیستها و کارشناسان فرماندهان وابسته به آنهاست، به گواه تاریخ چنین ارتش هائی هرگز از میهن کارگران و زحمتکشان دفاع نکرده و نخواهند کرد. بلکه تنها برای سرکوب کارگران و زحمتکشان و دفاع از میهن سرمایه داران یعنی منافع سرمایه داران و امپریالیستها به کار خواهند رفت.

تاریخ با فیر باد رسایش به ما چنین می گوید:  
"ارتش خلق یعنی ارتش کارگران و دهقانان، ارتشی که در دل توده ها جای دارد، با دست خالی نیز خواهد توانست از میهن کارگران و زحمتکشان دفاع کند و مجهزترین ارتش های اشغالگر را شکست دهد. شکست مفتضاحه ارتش تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در ویتنام، شکست ارتش استعماری امپریالیسم فرانسه در الجزایر و شکست ارتش مزدور شاه در ایران و دهها تجربه دیگر تاریخ خود بهترین گواه ما است اما ارتش های امپریالیسم و سرمایه داران، فقط برای سرکوب کارگران و زحمتکشان به کار می رود نه دفاع از میهن آنها."

در این لحظه های حساس و سرنوشت ساز میهن ما که امپریالیسم دوباره در حال بازپس گرفتن سنگرهای از دست داده خویش است، آگاهی و اتحاد کارگران دهقانان و نیروهای انقلابی و تصمیم راسخ نهاد را در ادامه انقلاب ضامن افشای شکست همه توطئه های امپریالیسم و سرمایه داری وابسته خواهد بود. بگوئیم تا اتحاد کارگران دهقانان و همه زحمتکشان میهن را هرچه فشرده تر سازیم.

حماد آزاد شد! اما...

بقیه از صفحه ۱

داده است چرا که ماهیت طبقاتی دولت و عوامل آن طوری است که آزادیهای دموکراتیک و همچنین مبارزات بی کیفر ضد امپریالیستی مردم و نیروهای مبارز و انقلابی را مغایر اهداف خود می بینند و درست به همین دلیل است که ما شاهد دستگیری پیگیرترین و سرسخت ترین نیروهای مبارز هستیم. بازداشت رهبران اعتصابات تاریخی صنایع نفت و اعضا سازمانها و گروههای مبارز و مترقی همه و همه ماهیت بازداشت کنندگان را بر مردم ایران روشن ساخته است.

مردم مبارز و زحمتکش میهن ما توطئه دستگیری هائی را که آخرین آن...

تنگرام فدراسیون کارگری  
ایتالیا به وزیر دادگستری

"فدراسیون متحده سراسری کارگران ایتالیا در رابطه با دستگیری یکی از اعضا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تلگرامی برای وزیر دادگستری ایران فرستاده است. این فدراسیون که در حدود ۱۰ میلیون کارگر عضو آن هستند از اتحادیه سراسری سوسیالیست و اتحادیه کارگری به وجود آمده است. ۱- کنگدراسیون عمومی کارگران ایتالیا (کمونیست ها و سوسیالیست ها) ۲- اتحاد کارگران ایتالیا (سوسیال دموکراتها) ۳- کنگدراسیون سندیکای ایتالیائی کارگران (دمکرات مسیحی ها)."

بقیه از صفحه ۱

داشت. بدون حرکت در جهت ایجاد صنایع مادروپایی در صورتی هم که محدودیتهائی در صنایع وابسته و مونتاژ ایجاد کنیم صنایع وابسته می توانند به شکل دیگری در جامعه احیا شوند.

بنابراین رفع نیازمندیهای جامعه و رسیدن به حد خودکفائی حکم می کند که صنایع مادر که تولید کننده ماشین آلات و وسائل تولید است ایجاد شود. مضمون این دگرگونی اقتصادی در جامعه ما که در جهت استقلال کامل اقتصادی ایران می باید در قانون اساسی جدید ایران صریحاً گنجانیده شود. در "متن پیشنهادی" قبلی اصل ۵۴ شرح زیر به این امر برخورد کرده بود:

"دولت موظف است کلیه صنایع سنگین و پایه رابه موجب قوانین ملی کند و اگر مالک خصوصی دارند... هر چند متن فوق کامل نیست و دارای نواقصی است ولی در پیش نویس اخیر قانون اساسی همین برخورد ناقص هم عمل نیامده و اشاره ای به چنین اصلی نشده است و نتیجه ای که می توان گرفت این است که تنظیم کنندگان قانون اساسی هیچ اعتقادی به توسعه و ایجاد صنایع پایه ای و مادر ندارند و پیرو واضح است که برنامه های برای آن ندارند.

۳- مسئله ملی کردن اراضی شهری و تبدیل مالکیت مستغلات که حرکتی برای تامین مسکن کارگران، زحمتکشان و شهروستان و اقشار کم درآمد است. اصل دیگری است که باید در قانون اساسی گنجانیده شود. به اعتقاد ما انجام این امر تنها راه حل انقلابی مشکل مسکن است که از تمرکز سرمایه در دست سودجویان، زمین خواران و موسسات بزرگ خانه سازی جلوگیری می کند. انعکاس این اصل در قانون اساسی می تواند بازتاب خواست اکثریت خلقهای زحمتکش میهن ما باشد، اما در "متن پیشنهادی" و پیش نویس قانون اساسی اثری از برخورد به این مسئله مهم وجود ندارد.

۴- در رابطه با اراضی کشاورزی صادره قاعده املاک و مستغلات و اراضی سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ و وابستگان به رژیم پهلوی و انحصارات امپریالیستی، کشت و صنعت ها و زمینهای مالکان بزرگ باید صورت گیرد. در این مورد باید متناسب با اصل جنبش انقلابی در مقطع کنونی، اراضی روستایی بانوجه به خصوصیات محلی و بومی در خدمت بهبود زندگی دهقانان قرار گیرد و به تسلط بقایای مناسبات ارباب-رعیتی و نفوذ سرمایه داران در روستاها خاتمه داده شود. برای رسیدن به چنین هدفی باید امر تولید، بهره برداری و توزیع محصولات با در نظر گرفتن شرایط محل و با نظارت و مشارکت شوراها و دهقانی انجام گیرد. در چنین شرایطی است که نهادهای جمعی تولید رشد یافته و قدرت اقتصاد کشاورزی ارتقا می یابد و به خود کفائی مادروپایی محصولات کشاورزی کمک موثری خواهد رساند. مردم انتظار دارند که چنین مضمونی بصورت اصلی در قانون اساسی گنجانیده شود. اما در "متن پیشنهادی" چند ماه پیش و نه در "پیش نویس" قانون اساسی اشاره ای به این امر نشده و چنین مسئله مهمی به فراموشی سپرده شده است.

مسائلی که در فوق اشاره کردیم مضمون ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته انقلاب مردمی ما را در این مرحله از تکامل اجتماعی منعکس می کند. بدون حصول به این اهداف و دگرگونی بنیادی در روابط تولیدی سرمایه داری وابسته، انقلاب در نیمه راه متوقف می شود و حتی نمی تواند دستاوردهای بدست آمده را نیز حفظ کند. لذا بنا بر اصل توقف ناپذیر حرکت تاریخی انقلاب، توده های خلق ما، کارگران، زحمتکشان شهر و روستا اقشار خرد بورژوازی محروم و روستاگران انقلابی خواهان ادامه انقلاب هستند و آن را تا پیروزی نهائی یعنی قطع کامل نفوذ امپریالیسم و محور سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد.

مسئله ایست که ماهیت سیستم حاکم را مشخص خواهد کرد، برخورد می کنیم. قبلاً بگوئیم که "پیش نویس قانون اساسی" در مقامیسه یا "متن پیشنهادی" که چند ماه قبل در کیهان منتشر شد در جهت ارضاء بورژوازی لیبرال تغییراتی کرده است و از نظر ما "پیش نویس" اخیر در مسائلی زیر بنایی و بنیادی جامعه نسبت به "متن پیشنهادی" قدمی به عقب برداشته است.

سیمای هر جامعه ای را مناسباتی که بر آن حاکم است، مشخص می کند. این مناسبات اساساً بر روابط تولیدی جامعه و شیوه تملک وسائل تولید و سازمان توزیع استوار است.

ما دانیم که نظام اقتصادی-اجتماعی ایران تا قبل از "رفرم" یا اصلاحات ارضی (به اصطلاح انقلاب سفید) نظامی فئودال-کمیونال بود. در این نظام روابط سرمایه داری وابسته در کنار روابط تولیدی ارباب-رعیتی رشد می کرد. با انجام اصلاحات ارضی که طبق برنامه انحصارات امپریالیستی در ایران انجام گرفت، با از بین رفتن مناسبات ارباب-رعیتی و حذف فئودالها از حاکمیت سیاسی، مناسبات سرمایه داری وابسته بر جامعه ما حاکم شد. جریان رشد سریع سرمایه داری وابسته از سال ۱۳۴۲ تا اوایل دهه ۵۰ موجب شده که این روابط بطور کامل در ایران مستقر شود. در این سالها رویای سیاسی که به این مناسبات خدمت می کرد، یعنی دولت، ارتش، ساواک، بوروکراسی و... همه مجموعه ای از یک دستگاه سرکوب بودند که بطرز خشن و به شیوه ای فاشیستی هر نوع اعتراض و مخالفت را به شدت سرکوب می کرد.

جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ما که موفق به سرنگونی رژیم پهلوی شد در بطن خود مضمون ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته را داشت. بنابراین این حرکت در جهت هدفهای انقلاب بردمی حکم می کند که مناسبات سرمایه داری وابسته در جامعه ما نابود شود. تلاش برای تحقق این هدف مهم انقلاب ماست که حل مسئله مالکیت های بزرگ و وابسته یعنی عمومی کردن این سرمایه ها را در ایران، به شکل انقلابی ضروری می کند. پس همانطور که در ابتدای بحث قانون اساسی نوشتیم: اساسی ترین راه ادامه انقلاب و تأمین حقوق مردمی، مبارزه بی امان برای نابودی وابستگی اقتصادی است. برای تضمین این هدف انقلاب خلق مصادره مرحله کنونی تکامل اجتماعی میهنمان است که معتقدیم مضامین زیر باید در قانون اساسی ما که محصول یک انقلاب بردمی است منعکس و تضمین شود:

۱- ملی کردن (عمومی کردن) تمام سرمایه های وابسته اعم از بانکها، شرکتها، بیمه، سرمایه و صنایع وابسته و لغو کلیه ترازادهای اقتصادی و نظامی - انحصارات امپریالیستی به عنوان اولین حرکت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته عملی شود. بدون این حرکت سایر جنبه های مبارزه ضد امپریالیستی نمی تواند از عمق و دوام چندانی برخوردار باشد. برای تحقق این امر لازم است که کلیه ثروت های متعلق به خلق از دست سرمایه داران وابسته و غارتگران داخلی و خارجی خارج شود. تجربه تاریخی نشان داده است که تصرف سرمایه های وابسته به دست خلق تنها یک جایگاهی مالکیت نیست. ملی کردن (عمومی کردن) سرمایه های وابسته به معنای واقعی آن یعنی بدون پرداخت غرامت به غارتگران داخلی و خارجی که سالها خون مردم را مکیده اند، عمده ترین و مشخص ترین مضمون انقلاب خلقهای ستمدیده ما است. از این طریق است که توده های میلیونی ما عمیقاً به روشنی می بینند که جامعه بسوی یک دگرگونی بنیادی حرکت می کند و از این رویه انقلاب ایمن می آورند. اجرای این خواسته های انقلابی مردم نشانده پیروزی انقلاب و شکست قطعی امپریالیسم و عوامل داخلی آنهاست. بنابراین گنجانیدن چنین مضمونی در قانون اساسی و تأکید روی این مسئله که پس از نابودی سیستم وابستگی

همه صنایع و شرکتها وابسته باید ملی شوند

## مبارزه کارگران کفش ملی

### برای جلوگیری از ورود «ایروانی» ومدیران مزدور به کارخانه

#### مبارزات کارگران کفش ملی

تهران - سندیکای کارگران و کارمندان کارخانه های گروه صنعتی ملی به منظور جلوگیری از بازگشت «ایروانی» مدیر سابق این کارخانجات در روز ۲۷ خرداد ماه جلسه مشترکی تشکیل داده و تصمیم گرفتند که از ورود مدیران سابق کارخانه جلوگیری کنند و با انتشار لیستی از اسامی مدیران وعده ای اعمال سرسپرده رژیم سابق از آنها خواستند که از روز ۲۸ خرداد سرکار حاضر نشوند.

گروه صنعتی ملی بابت اسامی کارخانه و کارگاه تولیدی، نزدیک به ۳۵۰ فروشنده در سطح کشور، تعدادی سردخانه و شرکت سرمایه گذاری، تعدادی خدماتی از جمله مجتمع های تولیدی است که نزدیک به ۱۱ هزار کارگر و کارمند دارد و بیشتر سهام آن متعلق به رحیم ایروانی از سرپرندگان رژیم سابق است.

مجتمع کارخانجات گروه صنعتی ملی در جاده تهران - کرج و سایر تاسیسات آن در شهرهای گنجه - رودبار - اهواز - خرم آباد - ساری - مشهد و تبریز قرار دارد. تولیدات این کارخانجات در درجه اول چرم و کفش و در درجه دوم جوراب، چسب، پارچه و تسمه پروانه می باشد.

کارگران که تا قبل از قیام بهمن در شرایط بسیار سختی کاری کردند پس از بازگشت بهسار کارخانجات گنجه نمایندگان فرمایشی تصمیم به انتخاب نمایندگان جدید گرفتند. نمایندگان کارگران پس از انتخاب شدن و تشکیل سندیکای کارگران قطعنامه ای منتشر کردند آن خواستار اجرای خواسته های صنفی خود شدند که بسیاری از آنها مبارزه پیگیر کارگران بدست آمد. در دو هفته اخیر با قوت گرفتن شایعه بازگشت ایروانی کارگران کارخانه برای استحکام هرچه بیشتر مبارزه شان خواسته های جدیدی را مطرح کردند.

خواسته های کارگران گروه صنعتی ملی به شرح زیر است:

- ۱- هیئت نظارتی که از طرف وزارت کار برای اداره امور کارخانه تعیین شده بود و اعضای آن به دلیل دخالت مدیران سابق در امور کارخانه استعفا کرده اند، به سرکار بازگردند.
- ۲- اخراج عوامل سرسپرده و مزدور که وابسته به ایروانی هستند.
- ۳- جلوگیری از بازگشت ایروانی و سرمایه هاستند.

کارگران کارخانجات کفش ملی که در شرایط بسیار سخت (مخصوصاً در قسمت چرم سازی) به کار مشغول هستند سوابق درخشانی در مبارزات کارگری دارند. در سالهای گذشته به ویژه در سالهای ۵۳ و ۵۴ کارگران اعتصابات گسترده ای داشتند که موفق به قبولاندن خواسته هایشان به کارفرما شدند. اعتصاب سال ۵۵ نزدیک به دو ماه به طول انجامید و اعتصاب سال ۵۳ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. کارگران مبارز کفش ملی که در جریان مبارزات طولانی خود آبدیده شده اند پس از قیام، نمایندگان فرمایشی را اخراج کردند و سندیکای واقعی تشکیل داده، نمایندگان خود را انتخاب کردند. یکی از اهداف سندیکا، پاکسازی کارخانجات از عوامل مزدور و ضدکارگر است که در سالهای گذشته به وسیله «ایروانی» و دستیاران او استخدام شده و در قسمتهای مختلف و به ویژه قسمتهای کارگری، نفوذ کرده بودند. تا قبل از قیام بیش از ۴۰۰ خارجی در شرکت کاری کرده اند و از آنجا که ۸۰٪ مواد اولیه و تولیدات وابسته به خارج به ویژه آمریکا، آلمان و ژاپن است، نفوذ سرمایه داران و عوامل مزدور خارجی در کارخانجات زیاد بوده است. تاچندی پیش مدیران کارخانجات زیر نظر یک امریکایی به نام «گارسون» بودند و وی قبلاً رئیس یکی از بانکهای معتبر آمریکا بوده است.

اخراج کارشناسان خارجی و قطع منافع سرمایه گذاران خارجی، یکی دیگر از اهداف کارگران است. کارگران معتقد هستند که تاکنون دسترنج آنها که در شرایط سخت استثمارگری می کنند با ایجاد سیستمهای پیچیده و حساب سازی های سوداگرانه به جیب سرمایه داران خارجی و داخلی سرازیر می شده است. کارگران می گویند ما اجازه نمی دهیم محصول کار ما که تولید ۲۵ میلیون کفش در سال است، از این پس نیز مانند گذشته منافع سرمایه داران خارجی و داخلی را تامین کند.

کارگران کارخانجات کفش ملی خواهان «ملی شدن واقعی» تاسیسات و سرمایه هاستند.

تهران - گروه زیادی از کارگران شرکت زمینه وابسته به تاسیسات آکام که از چند روز پیش در دفتر مرکزی این شرکت در خیابان فیشر آباد دست به تحصن زده اند، اعلام کرده اند در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان اقدام به مصادره اموال و «لاجرودی» مالکان تاسیسات آکام خواهند کرد. علاوه بر این کارگران، گروه دیگری از کارگران نیز در مسجد جامع سرخس متحصن هستند. سه هزار تن از کارگران این شرکت از سه پیش تاکنون به علت تعطیل شرکت بیکار شده اند و طی این مدت هر یک از کارگران تنها توانسته اند نفری ۱۷۰ تومان از صندوق وام بیکاری دریافت نمایند.

شرکت زمینه وابسته به تاسیسات آکام که خود نیز وابسته به گروه صنعتی بهشهر می باشد و کلیه سهام آن متعلق به یکی از برداران لاچوردی می باشد. این شرکت خانه سازی شرکت گاز رادشهر مرزی سرخس به عهده دارد. همچنین تاسیسات ساختمانی کوی دانشگاهیان تهران، احداث چند کارخانه شیر پاستوریزه و چندین طرح بزرگ نیز در اختیار این شرکت است.

کارگران این شرکت رادشهر استانها بیشتر بلوچها تشکیل می دهند که از آنها به ازای ۱۰ ساعت کار ۲۷ تومان در روز حقوق دریافت می کنند. این کارگران با وجود پرداخت ۷٪ حق بیمه فاقد دفترچه بیمه هستند. سه هزار کارگر شرکت زمینه همراه با صد ها کارمند و تکنسین و خانواده هایشان به دنبال شش ماه بیکاری در وضع سختی به سر می برند و مذاکرات نماینده آنها با وزارت کار تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

خواسته های کارگران متحصن به شرح زیر است:

- ۱- پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده ۶ ماه گذشته کارگران.
- ۲- شرکت هرچه زودتر شروع به کار کند.
- ۳- تشکیل یک شورای کارگری سراسری از نمایندگان کارگران برای

## کارگران متحصن آکام و زمینه : سکوت دولت در برابر خواسته های ۳۵۰۰ کارگر دفاع از منافع سرمایه داران است

رسیدگی به وضع کارگران، کارگران شرکت های آکام و زمینه دهها میلیون تومان از این شرکتها که متعلق به «احمد لاچوردی» است طلبکار هستند. پسران لاچوردی به نام های حمید و علی لاچوردی نیز از سهامداران عمده شرکتها هستند. کارگران تاکنون چندین بار در محل شرکت متحصن شده اند و هر بار لاچوردی و نمایندگان وزارت کار و کمیته ها قول داده اند که خواسته های کارگران و کارکنان این شرکتها را به مرحله اجرا در خواهند آورد. روز چهارشنبه ۳۰ خرداد گروهی از کارگران «علی لاچوردی» راه یکی از کمیته ها بردند تا وی پدرش که دارای املاک و سرمایه های هنگفتی هستند مجبور شوند حقوق کارگران را بدهند و مسئولان کمیته پس از گرفتن التزام او آزاد کردند. وی قول داده است تا روز دوشنبه چهارم تیرماه حقوق ها را پرداخت کند و کارگران می گویند او به قول خود عمل نخواهد کرد. لاچوردی مدعی است که ۶۰ میلیون تومان از دولت طلبکار است و تا این پول را دریافت نکند، نمی تواند حقوق کارگران را بدهد.

چند تن از کارگران که در تحصن های گذشته نیز شرکت داشتند گفتند دولت بطور ضمنی از لاچوردی حمایت می کند و عملاً هیچگونه اقدام قطعی که به نفع کارگران باشد انجام نمی دهد. این کارگران اظهار داشتند:

طرحهای نیمه تمام شرکت های آکام و زمینه به حال بایده پایان برسد و چنانچه دولت با فشار آوردن به کارفرما و پرداخت طلب های او به کارگران و در صورت لزوم مصادره اموال شرکت های او اقدام کند مشکل ۳۵۰۰ کارگر و کارمند که با خانواده هایشان نزدیک به ۲۰۰۰ نفر می شوند، حل خواهد شد. کارگران سکوت چند ماهه دولت و سوء استفاده کارفرما از این سکوت دولت را دلیل اصلی برای زیر پا گذاشتن حقوق کارگران می دانند و می گویند چنانچه این وضع ادامه پیدا کند مستقلاً تصمیم خواهند گرفت.

تهران - بیش از ۱۵۰۰ کارگر بلورسازی را بیکار کردند. کارخانجات کفش ملی به مدیران سابق این کارخانجات در روز ۲۷ خرداد ماه جلسه مشترکی تشکیل داده و تصمیم گرفتند که از ورود مدیران سابق کارخانه جلوگیری کنند و با انتشار لیستی از اسامی مدیران وعده ای اعمال سرسپرده رژیم سابق از آنها خواستند که از روز ۲۸ خرداد سرکار حاضر نشوند.

گروه صنعتی ملی بابت اسامی کارخانه و کارگاه تولیدی، نزدیک به ۳۵۰ فروشنده در سطح کشور، تعدادی سردخانه و شرکت سرمایه گذاری، تعدادی خدماتی از جمله مجتمع های تولیدی است که نزدیک به ۱۱ هزار کارگر و کارمند دارد و بیشتر سهام آن متعلق به رحیم ایروانی از سرپرندگان رژیم سابق است.

مجتمع کارخانجات گروه صنعتی ملی در جاده تهران - کرج و سایر تاسیسات آن در شهرهای گنجه - رودبار - اهواز - خرم آباد - ساری - مشهد و تبریز قرار دارد. تولیدات این کارخانجات در درجه اول چرم و کفش و در درجه دوم جوراب، چسب، پارچه و تسمه پروانه می باشد.

کارگران که تا قبل از قیام بهمن در شرایط بسیار سختی کاری کردند پس از بازگشت بهسار کارخانجات گنجه نمایندگان فرمایشی تصمیم به انتخاب نمایندگان جدید گرفتند. نمایندگان کارگران پس از انتخاب شدن و تشکیل سندیکای کارگران قطعنامه ای منتشر کردند آن خواستار اجرای خواسته های صنفی خود شدند که بسیاری از آنها مبارزه پیگیر کارگران بدست آمد. در دو هفته اخیر با قوت گرفتن شایعه بازگشت ایروانی کارگران کارخانه برای استحکام هرچه بیشتر مبارزه شان خواسته های جدیدی را مطرح کردند.

خواسته های کارگران گروه صنعتی ملی به شرح زیر است:

- ۱- هیئت نظارتی که از طرف وزارت کار برای اداره امور کارخانه تعیین شده بود و اعضای آن به دلیل دخالت مدیران سابق در امور کارخانه استعفا کرده اند، به سرکار بازگردند.
- ۲- اخراج عوامل سرسپرده و مزدور که وابسته به ایروانی هستند.
- ۳- جلوگیری از بازگشت ایروانی و سرمایه هاستند.

## ۱۵۰۰ کارگر بلورسازی را بیکار کردند

شهری - بیش از ۱۵۰۰ تن از کارگران بلورسازی بولوله چراغ به دنبال تعطیل ۱۴ کارخانه از جانب کارفرما بیکار شدند.

تا پیش از قیام نزدیک به ۴۲ کارخانه بلورسازی، شامل چهار کارخانه حساب سازی، ۵ کارخانه بطری سازی، ۱۴ کارخانه لوله سازی چراغ، ۷ کارخانه کارهای دستی و ۱۲ کارخانه سفید سازی با مجموع سه هزار کارگر در تهران وجود داشت.

در چند ماه گذشته این کارخانه ها به علت نبودن مواد خام و مشکلاتی که کارفرمایان به وجود می آوردند تعطیل شدند.

کارگران بیکار بلور سازی طی دو ماه گذشته نتوانستند مزایا و حقوق خود را دریافت کنند. با مراجعه به وزارت کار و کمیته منطقه خواستار بازگشایی کارگاهها شدند.

نمایندگان کارگران پس از مذاکره با کارفرمایان و در حضور مسئول کمیته شماره ۱۰ به توافق نامه ای دست یافتند که طبق آن کارفرمایان موظف شدند کارخانه ها را هرچه زودتر به راه بندازند. بیشتر کارگران از دهم اردیبهشت به سرکار بازگشتند اما شروع کار دیری نپایید و کارخانه ها دوباره تعطیل شد.

کارگران بیکار که تاکنون با مراجعه به وزارت کار، کمیته محل و کارفرمایان نتوانستند اقدامی در جهت بازگشایی کارخانه ها انجام دهند، از روز شنبه ۲۶ خرداد با حضور در دفتر شرکت تعاونی در صدد برآمدن تا با اتحادشان به مبارزه با کارفرمایان ادامه دهند.

اکثر کارگران کارگاههای بلورسازی را کارگران جوانی تشکیل می دهند که از ۷ سالگی کار کرده اند و بیش از ۲۰ سال از عمر خود را در این کارگاهها گذرانده اند. در بین کارگران زنان جوان و کودکان ۱۲-۱۳ ساله نیز دیده می شوند که به دلیل شرایط سخت کاری و بیماری هستند. کارگران جوان روزانه بیش از ۱۰ ساعت پای کوره ها ایستاده که حرارتشان گاهی به ۲۰۰ درجه می رسد که می تواند باعث حذقتن حقوقی کارگران به ازاء کار طاقت فرسای محیط دودآلود و کاملاً غیر بهداشتی دریافت می کنند با صلاح خودشان "خشکه" ماهانه ۸۰۰ تومان است. منظور از حقوق "خشکه" دریافت حقوق منهای استفاده از سود و بیمه، مرخصی سالانه و تعطیلات رسمی است.

کارگران با وجود پرداخت ۷٪ حق بیمه دفترچه بیمه خدمات درمانی ندارند. علت این امر نپرداختن حق بیمه از جانب کارفرما به وزارت بهداشتی بوده است. نماینده کارگران در مبارزه مذاکراتی با کارفرمایان توضیح داد که: "چون ما کارگران به ازای بیش از ۸ ساعت کار روزانه هیچ اضافه حقوقی دریافت نمی کردیم و به علت تولید زیاد از ما بیکار بازمی گردیدیم چهار ماه از سال بیکار باقیمانده، پس از تماس با کارفرما تصمیم گرفتیم حداقل ساعات کار را در روز به هشت ساعت برسانیم تا کارگران بتوانند هر ۱۲ ماه سال را کار کنند. اما با تعطیل کارخانه ها این برنامه فعلاً به تعویق افتاده است."

در صحبتی که با کارگران بیکار داشتیم همگی از محیط نامساعد کار گله می کردند. یکی از کارگران در این مورد می گفت:

در محل کارگاه حرارت بقدری زیاد است که بعد از مدتی بروی بینی ما اثر می گذارد. در این محیط طاقت فرسا حتی از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی خبری نیست و ما مجبوریم که در حلب های آهنی آغشته به دوده محیط کارگاه آب بنوشیم."

با همه این مشکلات کارگران به دلیل مخارج سنگین زندگی و هزینه های خانواده هایشان خواستار بازگشت به سرکار و اجرای دیگر خواسته هایشان بودند.

خواسته های کارگران بیکار بلورسازی به شرح زیر است:

- ۱- بازگشت کلیه کارگران به سرکار تا این کارخانه برای آنها.
- ۲- پرداخت سود و بیمه به کارگران.
- ۳- تهیه دفترچه بیمه برای کارگران.
- ۴- پرداخت حق مسکن و خواربار به کارگران.

## اخراج نمایندگان شورای کارگران شویاژکار دفاع از منافع سرمایه داران است

نمایندگان شورای کارخانه شویاژ کار که در پی دفاع از خواسته های کارگران باشکایات کارفرما اخراج شده اند خواهان بازگشت به کار هستند. کارگران کارخانه از بازگشت آنها پشتیبانی می کنند و این عمل را توطئه سرمایه داران می دانند.

در جلسه ای که در وزارت کار با حضور نماینده کارفرما تشکیل شد نماینده وزارت کار رای بر برائت کارگران می دهد اما همینکه نماینده کارفرما کاغذی را نشان می دهد و می گوید مدیران کارخانه نوشته اند که اگر این کارگران اخراجی سرکار بازگردند، ما استعفا می دهیم، نماینده وزارت کار به بیکاره حرف خود را عوض می کند.

پس از گفتگوهای فراوان بالاخره نماینده کارفرما پیشنهاد می کند که به هر یک از کارگران ۱۲ هزار تومان بدهند و رضایت نامه ای بنویسند که در جای دیگری بتوانند استخدام شوند. کارگران اخراجی

قائم شهر (شاهی سابق) - در تاریخ پنجشنبه ۲۴ خرداد ۵۸ کارگران کارخانه نساجی شماره ۱ بعنوان اعتراض به تبعیضات موجود در کارخانه دست از کار کشیدند و از قسمتهای مختلف بد فتر مدیر عامل رفتند. موضوع تبعیض از این قرار است که به ۷ نفر از متصدیان و روسای قسمتهای سه ماه اخیر اضافه کاری های سنگین (از چهل ساعت الی ۱۰۰) ساعت داده شده - اما از پرداخت اضافه کاری به کارگران پرهیز کرده اند.

به دنبال این موضوع روز شنبه ۲۶ خرداد ۵۸ کارگران قسمت مقدمات - رسیدگی و بافندگی دست به اعتصاب زدند و ماشین ها را تا ساعت ۱۰ صبح خواباندند. چند تن از کارگران به وضع فرمانداری رفته خواستار رسیدگی به وضع موجود شدند. بالاخره در ساعت ۱۰/۳۰ کارگران تمام قسمتهای در حال سخنرانی اجتماع کردند و در حضور معاون فرماندار رئیس کمیته و سه تن از روحانیون خواسته های خود را مطرح کردند:

- ۱- برکناری مهندس شهاب مدیر عامل - حاج ابراهیم نوائی معاون مدیر عامل - فیض الله صمیمی رئیس

## اعتصاب کارگران کارخانه نساجی (شاهی)

حسابداری - عباس اسفندیاری رئیس حفاظت سابق و رئیس دفتر فعلی وعده ای دیگر از سرپرست ها و روسای قسمتها:

- ۲- لغو سندیکای فرمایشی.
- ۳- تشکیل سندیکای واقعی و شورای کارگری.
- ۴- پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل.
- ۵- لغو اضافه حقوق کلیه روسای قسمت.
- ۶- خالی کردن خانه های سازمانی توسط کارمندان که خانه دارند.
- ۷- تامین حداقل دستمزد.
- ۸- تامین رفاه و بهداشت کارگران.
- ۹- بررسی سود سال ۵۷.
- ۱۰- رسیدگی به بوجوهی که سندیکای فرمایشی سابق بابت حقوق عضویت از کارگران در دو سال گذشته دریافت کرده است.
- ۱۱- بررسی سود شرکت تعاونی و مصرف در طی دو سال.
- ۱۲- برگشت دادن پولهایی که به شرکت مادر واریز شده است.
- ۱۳- اضافه کردن مرخصی کارگران به یک ماه در سال (مثل کارمندان).

نمایندگان شورای کارخانه شویاژ کار که در پی دفاع از خواسته های کارگران باشکایات کارفرما اخراج شده اند خواهان بازگشت به کار هستند. کارگران کارخانه از بازگشت آنها پشتیبانی می کنند و این عمل را توطئه سرمایه داران می دانند.

در جلسه ای که در وزارت کار با حضور نماینده کارفرما تشکیل شد نماینده وزارت کار رای بر برائت کارگران می دهد اما همینکه نماینده کارفرما کاغذی را نشان می دهد و می گوید مدیران کارخانه نوشته اند که اگر این کارگران اخراجی سرکار بازگردند، ما استعفا می دهیم، نماینده وزارت کار به بیکاره حرف خود را عوض می کند.

پس از گفتگوهای فراوان بالاخره نماینده کارفرما پیشنهاد می کند که به هر یک از کارگران ۱۲ هزار تومان بدهند و رضایت نامه ای بنویسند که در جای دیگری بتوانند استخدام شوند. کارگران اخراجی

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

## شعر مشروطه،

# پلی میان شعر کهن و شعر نو

مادرشماره قبل ضمن توضیح برخی از ویژگی های شعر فرخی یزدی آن را "شعر روزنامه‌ای" نامیدیم. اکنون لازم می دانیم توضیح بیشتری بدهیم تا روشن شود: "شعر روزنامه ای چیست؟ چه ارتباطی با دوران مشروطه دارد؟ تفاوت آن با شعر کهن و شعر نو، که قبل و بعد از آن بودند چیست؟ چه ضعف هائیکه دارد و علت این ضعف ها چیست؟"

دوران مشروطه در تاریخ کشور ما حالت یک مرحله گذار و دوره انتقالی را دارد، گذار از فتوالمجلس (زمینداری) به سرمایه داری وابسته، البته می دانیم که از زمانی که نخستین ضربه ها بر حاکمیت مطلق فتوالمجلس وارد آمد و بخشی از قدرت سیاسی خود را از دست داد تا زمانی که سرمایه داری در اقتصاد کشور نیز نقش مسلط و غالب را پیدا کرد، بیش از پنجاه سال طول کشید.

در ارتباط با شعر نیز، شعر دوران مشروطه در واقع پلی است میان شعر کهن و شعر نو. گذار از شعر کهن به شعر نو خیلی سریعتر انجام گرفت. با آنکه جنجال بر سر شعر نو تا مدت ها باقی بود.

هر تغییر اساسی در جامعه، بر روی فرهنگ جامعه و هنر و ادبیات تاثیر می گذارد.

ما در مقالات قبلی خود درباره رئالیسم (واقعه گرایی) نشان دادیم که با آغاز رشد سرمایه داری، توجه به واقعیت زندگی و اجتماع نیز در همه زمینه ها مانند علوم و ادبیات دیده می شود که در ادبیات آن را رئالیسم می نامند. در ادبیات دوران مشروطه نیز به همین صورت تحولاتی پیدا شد. بخصوص که مسئله تنهایی آغاز رشد سرمایه داری محدود نمی شد. عوامل خارجی نیز، مانند توسعه روابط میان ایران و کشورهای خارجی و ترجمه کتابهای خارجی به فارسی و انتشار روزنامه ها تاثیر زیادی در پیدایی افکار ایرانیان و آشنایی آنان با فرهنگ جدید داشت. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و ارتباط ایرانیان با انقلابیون قفقاز روسیه از طریق کارگران ایرانی که در آنجا کار می کردند، عامل بسیار مهمی در بالا بردن سطح آگاهی مردم بود. طبعا ادبیات و بخصوص شعر نیز نمی توانست از تاثیر مجموع این عوامل برکنار بماند.

وقتی می گوئیم که شعر مشروطه حدفاصل میان شعر کهن و شعر نو بود، معنایش این است که این شعر برخی از خصوصیات شعر کهن را هنوز در خود داشت در حالی که برخی از خصوصیات شعر نو را نیز پیدا کرده بود. ولی در همین جا باید یاد آوری کنیم که در شعر مشروطه خصوصیات شعر کهن هنوز خیلی بیشتر از خصوصیات شعر نو به چشم می خورد چرا که از نظر شکل، همان اشکال قدیم (قصیده، غزل، مثنوی و غیره) بکار گرفته می شد و از نظر محتوی نیز هر چند برخی مسائل جدید در شعر مطرح می شد اما نحوه طرح این مسائل و شکل بیان آنها عمدتاً همان شکل و شیوه گذشته بود.

این امر اگر که شعر مشروطه بیشتر به شعر کهن شباهت داشت، عمدتاً در دو خصوصیت برجسته آن می توان دید:

۱- نداشتن رابطه مستقیم با واقعیت: در شعر کهن شاعر ناگزیر پیوسته برای بیان احساسات خود از همان کلمات، عبارات و استعاراتی استفاده کند که از قرن ها پیش بطور ثابت برای بیان چنان احساساتی بکار می رفت. همین خود کافی بود که ارتباط مستقیم او با واقعیت از میان برود.

مثلاً او باید چشم معشوق خود را به رنگ تشبیه می کرد، اگر چه ممکن بود ساکن حاشیه کویر باشد و اصلاً رنگس را در عمر خود ندیده باشد و حتی نداند که چه شباهتی بین چشم و رنگس وجود ندارد. اومی توانست چشم معشوق خود را به خیلی چیزهای دیگر که برایش ملموس تر بودند و با واقعیتی که اومی شناخت رابطه داشته باشد تشبیه کند. مثلاً شاید یک شاعر مناطق کویری دلش می خواست چشم معشوق خود را به ستاره تشبیه کند. اما شعر قدیم این اجازه را به او نمی داد. چون در این سبک شعر، شاعر باید "اشک چشم" را به ستاره تشبیه می کرد، نه خود چشم را. (مثلاً: "ریزم ز مژه کوکب - بی ماه رخت شبها - تارک شیب - دارم با اینهمه کوکب ها")

به این ترتیب "رنگس" کم کم حالت یک کلمه قراردادی و کلیشه ای را پیدا می کرد. "چشم رنگس" کم کم تبدیل می شده "رنگس چشم" و بعداً اصلاً "رنگس" جای "چشم" را می گرفت و در حقیقت بجای واقعیت می نشست (مثلاً: "رنگش عریضه جوی و لبش افسوس کنان").

وقتی شاعر از واقعیت فاصله می گرفت، در واقع از زمان و مکان نیز جدا می شد. سدهی در قرن هفتم و حافظ در قرن هشتم و شاعران دیگر در قرن های بعد همه از "رنگس چشم" سخن می گفتند. یک شاعر فارسی زبان هندوستان (مثلاً امیر خسرو دهلوی) و یک شاعر روستاهای سرسبز شمال و یک شاعر ساکن بندر عباس و چاه بهار همه امکان داشت چشم معشوق خود را به همین گونه توصیف کنند بی آنکه معلوم شود در چه زمان و یا در چه مکانی زندگی می کرده اند.

معشوق یک شاعر، می توانست معشوق هر شاعر دیگری نیز باشد. چون همه به یک صورت توصیف شده بودند.

در این سبک شعر، شاعر به موارد مشخص نمی پرداخت. با توصیفی که از چهره یک زن می شد آدم نمی توانست او را بطور زنده و ملموس در برابر خود ببیند. فقط کلی گوئی می شد. و همین خصوصیت، به شعر مشروطه نیز که ما آن را "شعر روزنامه ای" نامیدیم، منتقل شد.

البته در شعر مشروطه، شاعران کوشیدند شعر را که یک حالت تفننی و تجمیلی و تزئینی و اشرافی پیدا کرده بود، از انحصار خواص و بزرگان خارج کنند و به میان توده های مردم ببرند. کوشیدند که بجای گفتن شعر به سبک خواص، از مسائل زمان خود به زبان مردم و برای مردم سخن بگویند. اما باز همین مسائل جدید را تنها بطور کلی بیان می کردند به طور مشخص. "چشم رنگس" و "موی میان" و "قد سرو" جای خود را به "آزادی و استبداد" و "فقیر و غنی" و غیره داد. باز هم تنها کلی گوئی می شد و مسائل تنها در سطح مطرح می شد. به عمق مسائل راه نمی جستند. برخورد مشخص با واقعیت و رابطه نزدیک و مستقیم با آن وجود نداشت. نداشتن نظم و هماهنگی و همنوایی.

در شعر دوران مشروطه نیز، مانند شعر کهن، شاعر پراکنده گوئی می کرد. معمولاً یک فکر مشخص در سراسر شعر دیده نمی شد که با نظم و ترتیب خاصی بیان شده باشد.

یکی از دلایل این امر، محدودیت هائی بود که وزن و قافیه ایجاد می کرد. مثلاً اگر او در شعر خود کلمه "دلنواز" را قافیه قرار داده بود، در سطرهای بعدی نیز مجبور بود کلماتی که با آن هم قافیه بودند بکاربرد. مانند "تیاژ"، "نواز" "سوز و گداز" و غیره... و مجبور بود برای هر کدام از آنها فکر و مضمونی پیدا کند و یک سطر شعر بسازد، اگر چه ارتباطی با سطرهای دیگر نداشته باشد (البته تنها قافیه نبود که ایجاد محدودیت می کرد. مثلاً "برواز" یا "دلنواز" هم قافیه بود اما بخاطر اختلاف وزن، نمی توانست بعنوان قافیه بکاربرد. و یا "پیاژ" هم با آن هم قافیه بود اما نمی توانست بکار رود. چون یک "کلمه شعری" وزن نبود و یا

## سخنی درباره شعر (۳)

های کارگر کارخانه با خون توتندی می شود  
تسمه های ماشین شریانهای تست  
بوی کارخانه عرق پیشانی تست  
نشان بردسته چکش زخم دست توست  
وای اگر نباشی! چرخها که به دست تومی چرخند  
در عزا خواهند نشست.

برداشت سطحی شاعران دوره مشروطه از "شعر نو" و ضعف های کار آنها سبب می شده که شاعران سنت گرا اشعار آنان را مورد تمسخر قرار دهند. مثلاً ایرج میرزا (که خود، در عین سنت گرائی، عیناً همان ضعف های تجدد طلبان را نیز داشت) می گوید:

انقلاب ادبی محکم شد در تجدید و تجدد و اشد  
می کنم قافیه ها را پس و پیش این جوانان که تجدد طلبند  
فارسی با عربی توام شد ادبیات شلم شورباشند  
تاشوم نابغه دوره خویش راستی دشمن علم و ادبند

اگر "دراز" را انتخاب می کرد باید فقط از آن چیزهائی سخن می گفت که "بصورت شاعرانه ای دراز بودند" مثلاً "عمر دراز"، "زلف دراز"، "معشوقه"، "شب دراز"

هجران و غیره یعنی همان عبارات و کلمات قراردادی و کلیشه ای. فقط شاعر باید میان این کلمات ارتباط تازه ای برقرار می کرد و به اصطلاح "مضمون" تازه ای در رابطه با آنها پیدا می کرد تا شعرش تکراری نباشد.

دلیل دیگر پراکنده گوئی، ضعف ارتباط با واقعیت بود. شاعر اسیر کلمات عبارات، اصطلاحات و تشبیهاتی بود که از قرن ها پیش مصلح شده بود. فکرو تخیل او اصولاً مجال آن را پیدا نمی کرد که آزادانه بحرکت درآید و با نظم و هماهنگی مشخصی در یک شعر تجلی پیدا کند. در حالی که اگر این آزادی را داشت، طبعا افکار و احساسات او که انعکاس واقعیت هابود، می توانست با هماهنگی و نظم لازم در قالب شعری بیان شود. مادرشماره گذشته این پراکنده گوئی را در شعر فرخی یزدی نشان دادیم.

### چرا این ضعف ها در شعر روزنامه ای دوران

#### مشروطه وجود داشت؟

ضعف هائی که ما برای شعر "روزنامه ای" دوران مشروطه بر شمردیم در واقع ضعف های شعر کهن بود. حال باید دید چرا شعر دوران مشروطه نتوانست برای این مایه ها غلبه کند؟ مایه های ما که دلیل عمده در اینجا ذکر کنیم که بازم هر سه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند.

۱- هر چیز و هر پدیده نو، از یک پدیده کهنه به وجود می آید. اما باید دید، آن پدیده کهنه چه جنبه های مثبت و چه جنبه های منفی دارد، تا جنبه های منفی آن را بتوانیم از میان برداریم و جنبه های مثبت را در دست و تکامل بخشیم. به این ترتیب است که سرانجام به یک پدیده نو و متمدنی دست خواهیم یافت. ولی شاعران دوران مشروطه در شرایطی به مخالفت با شعر کهن برخاستند که خود نمی دانستند معایب و نقایص آن دقیقاً در کجاست، و از آن مهم تر، چه چیزی را باید بجای آن گذاشت؟

از همین روست که می بینیم در این دوره یک "هرج و مرج ادبی" بوجود می آید.

۲- خواسته های سیاسی مبارزات آن دوره، بخصوص در ابتدا، بیشتر در حد تقاضای مجلس و قانون و غیره بود. یعنی خواسته های اصلاح طلبانه (رفرمیستی) بود نه انقلابی. کسی به یک تغییر اساسی و بنیادی و انقلابی نمی اندیشید و این طبعاً ناشی از ترکیب نیروها در آن دوره و میزان رشد و آگاهی آنها بود.

در شعر نیز عیناً همین حالت "اصلاح طلبی" و "تجدد طلبی" دیده می شد. هیچکس لزوم یک تغییر اساسی و بنیادی را احساس نمی کرد. فکری کردنند کافی است که برخی مضامین و افکار و مسائل جدید را در شعر مطرح کنند و با همین کلمات، به "شعر نو" دست خواهند یافت.

۳- شاعران این دوره رابطه میان شکل و محتوی را درک نمی کردند. تصور می کردند که بدون تغییر دادن شکل، می توان افکار تازه و محتوای جدیدی را مطرح کرد.

مثلاً فرخی در غزل بسیار زیبایی می گوید:

رسم وره آزادی پایبند نباید کرد  
یا آنکه ز جان بازی اندیشه نباید کرد  
در زبان فارسی، کلماتی که با "پیشه" و "اندیشه" هم قافیه باشند بسیار معدودند. و شاعر باید پس از انتخاب همین کلمات، به دنبال مضمون جالبی و مناسبی بگردد که در هر سطر با این کلمات بیان شود. مثلاً فرخی کلمه "تیشه" را انتخاب می کند. این کلمه در شهر کهن فارسی فوراً "فرهاد کوهکن" و "شیرین معشوقه و اراکه همسر" خسرو پرویز بود. تداعی می کند و مایه بنیم که فرخی نیز در دام همین محدودیت ها اسیر می شود (اگرچه می گوید یک فکر نو و متمدنی را بیاری این کلمات بیان کند).

باد اسرو چکش کن محو این خسروی ایوان را  
چون کوه کنی هر روز با تیشه نباید کرد.

آیا آوردن افکار نو در یک قالب و شکل قدیمی، تا کجایی تواند ادامه پیدا کند؟ آیا شکل قدیمی مانع رشد می شود؟ آیا مضمون و محتوای تازه نمی شود؟ آیا پوسته تخم مرغ که از جوجه داخل آن محافظت می کند و برای آن سودمند است، بالاخره روزی مانع رشد جوجه نمی شود و نباید شکسته شود؟

شکل کهن شعر نیز یک قالب و چهارچوب بود که سرانجام باید می شکست چون ظرفیت و گنجایش محدودی داشت. مادرشماره بعد ضمن طرح و بررسی شعر نیمایوشیج، درباره خصوصیات شعر نو سخن خواهیم گفت.

هستند، تفاوت هست. همان تفاوتی که میان شعر و نثر هست. همان تفاوتی که در شماره پیش توضیح دادیم و مقایسه کردیم.

اما مساله ای که اینک باید طرح کنیم (بخصوص که به بخشهای حد ف شده همین شعر هم مربوط می شود) راجع به جدا کردن و پیوند منطقی کلمه ها و بند های شعر است. باید روشن شود که چرا شعر را مصراع و مصراع وزیر هم می نویسیم. باید قاعده قانون آن را در پایم. نثر را دنبال هم و افقی می نویسیم ولی شعر را چرا باید بند بند و وزیر هم نوشت؟ به تکه تکه زبانه بخشی از شعر همین رفیق بوده توجه کنید: اگر نباشی باید اشک لوله های پیوند خورده به دست را دید

عبارت را همانطور نوشتیم که برای ما فرستاده شده است. پیدا است که ما به هنگام خواندن این عبارت، هیچگاه "لوله های" را جدا و با فاصله از "پیوند خورده" و "بیا" به "را جدا از" دست نمی خوانیم. و بین تلفظ هر قسمت، این طور فاصله ایجاد نمی کنیم. بلکه طبیعتاً "لوله های پیوند خورده به دست را" بصورت یک قسمت بیان می شود و چون این شعر وزن هم ندارد، که بگوئیم به دلیل وزن ناچار شده ایم عبارت را این طور تکه تکه کنیم، پس فقط در اثر بی توجهی به قاعده کلام و مصراع بندی چنین نوشته شده است.

نمایوشیج بنیان گزار شعر امروز برای شکستن مصراع ها و زیر هم نوشتن آنها قواعدی را طرح کرده است که معمولاً در سرودن شعر رعایت می شوند.

بنابراین قواعد، جای هر عبارت و بلند و کوتاهی هر مصراع، بسته اقتضای مطلب و اهمیتی که دارند و کاری که باید انجام دهند تعیین می شود. باید در بند "طبیعی" مصراعها تمام کرد. بند بند بودن شعر مثل بند بند بودن اعضای بدن است. مفصل زانو برای منظم سازی خاص بوجود آمده است. مثلاً ران راکه نوعی کار بر عهده آنست هم از ساق که کار دیگری دارد جدا می کند و هم به آن پیوند می دهد. حال اگر ران از وسط با بند با مفصل ناچگانی جدا می شد، دیگر ته تنه آن کارائی را نداشت بلکه نقیصی هم بوجود می آورد.

مساله دیگری که باید در شعر رعایت کرد، ترکیب و هماهنگی کامل میان اجزا آنست. همانا اگر در بدن آدمی اعضای مختلف بوسیله بندهای مختلف به هم پیوسته اند و بطور کامل و هماهنگ بدن را تشکیل می دهند، در شعر هم از پیوند کلمات و جمله ها و عبارات و بند ها و... باید یک کل هماهنگ و منظم و با ترکیب مشخص بوجود آید. یعنی نه چیزهائی که به این هماهنگی لطمه می زند در شعر داخل شوند، و نه آن چیزهائی که نبودنشان باعث نقص می شود فراموش شوند. هر مطلب و هر کلمه باید بجای خود و بر اثر لزوم و نیاز شعر بکار رود. همان طور که یک بدن بدون چشم یا پا ناقص است، یا اگر جای چشم و دهان هم عوض شود، باز نقیصی دیگر بوجود می آید. اگر میان مطلب موضوع یک بند با بند دیگر ارتباط و هماهنگی نباشد هر چند در حد خود و بطور مجزا خوب هم باشد، بازم مانع از کامل شدن شعر خواهد شد. همچنان که اگر دست ظریف یک کودک به بدن قوی و درشت یک مرد پیوند بخورد باز آنها هماهنگی و نقص است.

هموطنان مبارز  
پیشنهادات و نظریات  
انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال  
نمائید:  
تهران - بلوار کشاورز،  
خیابان دهکده (میکده سابق) ستاد  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.  
تلفن ۶۵۹۹۹۹  
آدرس بانکی - تهران بانک ملی  
ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب  
۳۲۰۹۸  
بنام عباس فضیلت کلام  
از کلیه هموطنان مبارز  
خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای  
مالی خود را که به بانک واریز شده  
است مستقیماً برای ستاد ارسال  
دارند.

# گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر (۳)

# در رنج آباد کوره‌ها

روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹

ساعت ۴ صبح حمله به کانون فرهنگی عرب و ستاد درندگان عرب (سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان) که دواختمان مجاور یکدیگرند شروع می شود.

در کانون فرهنگی عرب نزدیک به ۳۰ نفر در حال تحصن بودند که بدو ن مقاومت دستگیری شوند. ولی افسراد محافظ سازمان سیاسی خلق عرب که جمعا بالغ بر ۱ نفر بودند، به مقاومت مسلحانه دست می زنند. این مقاومت از یک طرف بانبروهای شهربانی (از سمت شرقی) از یک طرف با تشبازهای اتحادیه های نیروی دریایی (سمت جنوبی) و از سمت دیگر بانبروهای متشکل از پاسداران و شبه نظامی هایی که اخیرا مسلح شده اند و گماندهای اعزامی از پادگان های هوانیروز (نیروهای هواپرد) که در شهر بیه کماندها و تانکوران معروف شده اند مواجه می شود. ۸ نفر از محافظین سازمان سیاسی خلق عرب کشته شده و ۲ نفر دیگر پس از ۴-۵ ساعت مقاومت موفق به فرار می شوند. در این درگیری عده زیادی از جوانان عرب که از خانه های خود به قصد دفاع از سازمان سیاسی و پاکتوان فرهنگی عرب خارج شده به این مراکز نزدیک شده بودند هدف گلوله قرار می گیرند و از پای در می آیند.

همچنین عده ای که بقصد کمک به مدافعین بایلم و قایق از رودخانه عبور می کردند بوسیله آتشبارهای نیبروی دریایی غرق می شوند.

بدنیال شنیده شدن صدای تیراندازی و انعکاس اخبار ماجرا در شهر، جوانان عرب دسته دسته، در حالیکه با چوب و چماق و در مواردی با کوبکشتل مولوتف خود را مسلح کرده بودند دست به حملاتی انتقامی علیه برخی ساختمانهای دولتی، منجمله پست و تلگراف و مخابرات، می بینند و انبارهای آب و برق و شرکت نفت می زنند. شیشه های بسیاری ساختمانها شکسته می شود، و در چند نقطه آتش سوزیهای درمی گیرد. (اغلب ساختمانهای غیردولتی مورد هجوم متعلق به تجار و دلالان منفور محلی بوده است) تعداد کمی از افراد مسلح عرب در برخی نقاط شهر دست به مقاومت می زنند و اغلب پس از مدت کوتاهی به دلیل تمام شدن مهمات و یابیشروی پاسداران و گماندها مجبور به عقب نشینی می شوند. موج خشم، اعراب ساکن شهر را فرا می گیرد و آنها که برخلاف شایعات جز در مواردی بسیار معدود آنها را سلاح کمری، هیچ نوع سلاحی در اختیار نداشتند، بسیاری فروغشاها را به آتش می کشند و حتی در چند مورد به خانه های افراد غیرعرب که در محلات عرب نشین سکونت داشتند حمله می کنند و چند خانه را هم آتش می زنند و یکی دو نفر را نیز که قصد مقابله داشته اند به قتل می رسانند. در همین احوال دستگیری عده زیادی از افراد که قبلا شناسائی شده بودند در

برخوردهای شهر را با بی شرمی و در کمال وقاحت وارونه انتشار می دهد و در حالیکه بیمارستانها و درمانگاهها تا ساعت ۱۱ صبح همگی از زخمی و کشته پر شده اند، از تلفات اندک و ماجرائی ساختگی اطلاع می دهد. تشکل های سیاسی و فرهنگی عرب که فاقد هرگونه تشکیلات واقعی بودند بدنبال حملاتی که علیه آنها صورت گرفت عملا تحریک خود را از دست داده اند و در حالیکه ارتباط خود را با توده های شهری عرب از دست داده اند، آنها را دریافتن سؤال خود که چه باید کرد؟ و از کجا باید شروع کرد؟ تنها گذاشته اند.

در همین احوال - نیروهای پاسداران با حمایت کماندها، نواحی مرکزی شهر را قسمت به قسمت پاکسازی می کنند و مقاومت های پراکنده را خاتمه می بخشد. تنهایی شهر که ارتباط با آبادان را هم برقراری سازد، از سمت شمال در اختیار نیروهای دولتی و پاسداران و از سمت جنوب در اختیار عشایر مسلح قرار دارد. و به همین جهت نیز برخوردهای بعدی عمدتا پس از درهم شکستن مقاومت در ستاد سیاسی خلق عرب به این جنبه انتقال می یابد. و تا روز بعد یعنی زمانی که مقاومت اعراب در این قسمت پایان یافت ادامه پیدای کند.

درگیری به سرعت به نواحی حومه ای و روستاها و خلستانهای اطراف گسترش می یابد. از سمت جنوب شرق منطقه مهرزی - که عشیره فاضلی در آن نقاط ساکن هستند، از سمت کسوت، شیخ ضلع جنوبی و خسرو آباد پشت نیروهای دریایی که عشایر فیصلی و کمبلی ساکن هستند، از سمت غرب و شمال غرب معروف به حدود یعنی روستاهای شلمچه شاخیره، نهریوسف که افراد اپیل آل علی ساکن هستند و تا مرز عراق امتداد دارد.

گزارش دقیقی از چگونگی درگیری های آن نقاط در دست نیست چرا که ارتش و نیروهای انتظامی و پاسداران علاوه بر ارتباط حومه ها با شهر قطع کرده اند تا هم امکان خبرگیری وهم احتمال اعزام نیروهای کمکی عرب را به شهر از میان ببرند.

خلع سلاح پاسداران و افراد مسلح (که گاه و بیگاه برای ایجاد وحشت به محلات عرب نشین شهر که اغلب محلات فقیر نشین شهر هم هستند، می آیند) توسط جوانان عرب که با تیرود شنه مجهز هستند، پدیده ایست که بسرعت عمومیت پیدای کند و بطور جدی کشتی های کمیته و پاسداران را تهدید می کند.

از همین روی بخصوص بدنیال خلع سلاح سه دسته پاسدار که هر کدام مرکب از ۳ الی ۴ نفر مسلح بودند و به قتل رساندن چند نفر از آنها، اعزام گروه های کشتی به محلات عرب نشین با احتیاط و اکراه صورت می گیرد. بخصوص در روزهای بعد کاهش می یابد.

ادامه این مطلب در شماره آینده

"دیوکوره ها قد کشیده است هزاران کارگر از دور دستهای خراسان و آذربایجان به آنجا هجوم آورده اند و برای فروختن نیروی بازوی خود مسابقه می گذارند. هرکس برای جا انداختن خود در کار بهای کمتر می خواهد... آنها سرگذشت غمباری دارند. در چهار دیواری مرطوب و تپه گروه گروه با هم زندگی می کنند. هیچکس به آنها ذره ای محبت نمی کند، کتکشان می زنند، تحقیرشان می کنند، آنها را به سخن جبینی وامی دارند و به هم بدبینشان می سازند. از مصیبتی شدن بازیشان می دارند. از صبح زود تا غروب آفتاب، حتی در شبهای مهتابی تا آخرین توان از آنها کاری کشند.

"کوره ای" - این مهر داغ ننگینی است که آنها همواره با خود یکد می کشند مثل بارونجها، تحقیق رها و محرومیتهایشان... رفیق مرضیه احمدی اسکوشی"

کارگران کوره پر خانه ها محرومترین گروه طبقه کارگر را تشکیل می دهند آنها سخت ترین کارها را انجام می دهند و به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد استثمار سرمایه داران قرار می گیرند. شرایط کار طاقت فرسا و محیط نامناسب باعث می شود این کارگران در مدت کوتاهی توانایی کار را از دست بدهند. از کار افتادن آنها مساوی با سالیهای سیاه فقر و گرسنگی است. زیرا سرمایه داران که در سالیان متعادی شیره جان آنها را میکشیدند، در زمان از کار افتادگی به آنها هیچگونه حقوق و مزایایی نمی پردازند. اینها که خود از تولید کنندگان اصلی مصالح ساختمانی هستند در زاغه ها زندگی می کنند از کوچکترین امکانات بهداشتی برخوردار نیستند و دچار بیماری های گوناگون هستند.

سرمایه داران در مقابل چنین شرایط کاری از پراکندگی (بی سازمانی و عدم تشکل)، نا آگاهی و نبودن هرگونه قانونی که حافظ منافع کارگران باشد استفاده می کنند و در مقابل بیشترین بهره گیری، کمترین دستمزد را به آنان می پردازند. آنان برای نباشتن جیب خود از هیچ رذالت و بیشرمی روی گردان نیستند. آنچه در زبر می آید، نشان دهنده شدت و نحوه استثمار کارگران توسط کارفرمایان است.

۱- در فصل بهار و تابستان (که هوا برای کار کوره ها مساعد است) کارفرما برای استفاده از نیروی کار ارزان به روستاها می رود و روستائیان را که در اثر ندانستن زمین و سرمایه به پول محتاجند به محل کوره می آورد. او آنها را با مزدی ناچیزتر از معمول در کوره ها بکار و امید دارد. اغلب در شروع کار از این روستائیان سفته سفیدی بعنوان ضمانت می گیرند مبنی بر اینکه در مدت تعیین شده در قرارداد حقوق دریافت پول بیشتر حاضر می شوند زن و فرزندان شان هم در کوره ها کار کنند. در کوره از زنان و کودکان برای قالب کشی و خشت زنی (که با حقوقی معادل نصف حقوق مردان) استفاده می کنند. این کودکان که از سنین پائین به کار واداشته شده اند، اغلب بدلیل سنگینی کار رشدشان متوقف می شود و بعد از چند سال کار به بیماریهای مزمن (روماتیسم، کمر درد، سل و...) و پیروی زودرس دچار می شوند.

۲- کارفرما به شیوه موزیانه ای کارگران را در اردوهای یکدیگر قرار می دهند. بدین ترتیب که کارگرانی را که دارای خصلتهای کارگری نیستند انتخاب می کنند و کار را به آنها کثرت می دهند و در مقابل حداکثر تولید (که آنها را قبلا دقیقا محاسبه کرده اند) به آنها حداقل مزد کار انجام شده را می پردازند. این افراد برای بدست آوردن سهم بیشتر سعی می کنند تا آنجا که ممکن است از کارگران بیشتر کار کشند. بدینصورت "حلقه اصلی استثمارگر می جلوه می کند"

یعنی به جای اینکه کارگر خود را در مقابل سرمایه دار ببیند، روبروی کسی می بیند که در حقیقت تلاش او نهایتا به نفع سرمایه دار تمام می شود و فقط سهم بسیار ناچیزی بخودش تعلق می گیرد. ۳- شیوه "کارمزدی" (یا "کنتراستی" یا "قراری") که در بالا به یکی از خصوصیت های آن اشاره شد از نظر استثمار از استثمار نژاد و حشیانه ترین شکل استثمار کارگران است. در این رابطه مرد کارگران بر اساس "کار انجام شده" پرداخت می شود. سرمایه دار بالاترین میزان بازدهی ما هرگز نمی بیند و نیرومندترین کارگران را در هر قسمتی در نظر می گیرد و آنرا معیار قرار می دهد و بر اساس آن به کارگران به نسبت تولیدشان مزد می پردازد. شیوه کارمزدی برای کارفرما برای زبانی زبانی دارد که از آن حمله موارد زیر را می توان ذکر کرد:

اول اینکه در این شیوه چون میزان کاری که برای پرداخت مقدار معینی مزد در نظر گرفته شده، بیشتر توانایی یک کارگر متوسط است، آنها برای تأمین معیشت خود مجبورند هر چه بیشتر و سریعتر کار کنند. در نتیجه بیشتر تولید کنند، بیشتر استثمار می شوند و ارزش اضافی بیشتری نصب سرمایه دار می کنند. دوم اینکه در کارمزدی برعکس روزمزدی، کارگران در مقابل انجام کار معینی مزد می گیرند و زمان کار را همیتی ندارد. کارگر کارمزد روزانه تا ۱۵ ساعت هم کار می کند و چند برابر کارگر روزمزد بهره دهی می کند بدون اینکه از این بابت اضافه کاری دریافت کند.

سوم اینکه در کارمزدی کارگر اخبار را برای اینکه مزد بیشتری بگیرد، تا آخرین رقم کار می کند، در نتیجه کارفرما مجبور نیست برای مقابله با کم کاری بازرسی کار در رفتن کارگران، مراقب یا سرپرست بگمارد.

حال برای نشان دادن میزان استثمار و سودی که سرمایه دار از این راه به جیب می زند به یکی از کوره پر خانه های عجب شیر سری می زنیم. در این کوره پر خانه روزانه ۳۶۰۰۰۰ آجر تولید می شود. مجموع دستمزد کارگران در مراحل مختلف تولید برای هر هزار آجر حدود ۹۰ تومان است. هزینه های دیگری مانند سوخت و تعمیر سیل و قالب خراب شده و غیره (تیز کلا حدود ۴۰ تومان است. بدین ترتیب هر هزار آجر برای سرمایه دار ۱۳۰ تومان خرج بر می دارد، و قیمت فروش آن نیز بطور متوسط ۳۱۰ تومان است. سود کارفرما در هر هزار آجر ۱۸۰ تومان و سود روزانه اش از یک کوره ۶۵۰۰ تومان است که در بهار و تابستان (حدوده ۵ روز) که بعثت مساعد بودن هوا کوره ها دو طرفه کار می کنند سود سرمایه دار دو برابر می شود با توجه به اینکه در هر کوره پر خانه تعداد زیادی کوره وجود دارد. سود سرمایه دار از این کوره ها سر به فلک می زند در حالیکه مزد روزانه یک کارگر این کوره ها ۲۲ تا ۱۵ ساعت کار بطور متوسط ۳۲ تومان است.

رققای کارگر، با توجه به توضیحات فوق می بینیم که این سرمایه داران بدون انجام هیچگونه کاری سود سرسام آوری کسب می کنند. عاملی که این سود را نصیب سرمایه دار می کند، تنها استثمار وحشیانه کارگران است.

تجربه چند دهه اخیر به شما کارگران مبارز کوره پر خانه (که هم در گذشته مبارزات درخشانی داشته آید و هم دارای تشکل و سازماندهی مناسب بوده آید) نشان داده است که راه مقابله با استثمار وحدت شاست. وحدت در درون تشکیلات صنفی - سیاسی (سندیکا) و سیاسی (صف مستقل طبقه کارگر). و مسلما شما تکیه بر همان تجربیات گذشته، در جهت زنده کردن دوباره همان روحیه مبارزاتی و سپس مبارزه بیکدر جهت بهبود شرایط کار و بالاخره از بین بردن نظام سرمایه داری فعالیت خواهید کرد.

# حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی



### کنفرانس طرح خود مختاری یا توطئه ای علیه خود مختاری

خلق کرد مساله رهایی ازستم ملی در اطراف شعار "دموکراسی برای ایران، خود مختاری برای کردستان" آنچنان قاطعانه و پیگیرانه مطرح کرده است که مرتجعترین عناصر نیراحتی جرات نکرده اند بطور علنی با آن مخالفت کنند. برای این اساسا امروز تمام عناصر ضد خلقی هم که بجز منافع خود و منافع اربابان خود چیز دیگری را تعقیب نمی کنند، حرکت شوم خود را از موضع ظاهری دفاع از خود مختاری آغاز می کنند. مثلا فتوای الهی اتحادیه یا شورای اکتسابی می کنند، در قطعنامه خود خواستار خود مختاری می شوند. عناصر مرتجع و اشخاص سودجو برای مقاصد ارتجاعی و برای رسیدن به مقام بالاتر و منفعت بیشتر تلاش می کنند، ولی در ظاهر از خود مختاری دفاع می کنند... البته اگر در جنبش ملی خلق کرد، ابتکار عمل در دست خلق یعنی در دست زحمتکشان و مردم مترقی کردستان باشد، در آن صورت، بسیار هم خوب خواهد بود که فتوای الهی را مرتجعین و عناصر ضد خلقی نتوانند دم از مخالفت بزنند، ولی وقتی توده های مردم، زحمتکشان، جنبش ملی را خود رهبری نکنند، وقتی فرصت بدست مرتجعین و فرصت طلبان ضد خلقی داده شود که خود را نماینده مردم جایزنند و وقتی خط و مرز بین خود مختاری خواست زحمتکشان با خود مختاری خواست فتوای الهی و مرتجعین روشن نباشد، در آن صورت همین دشمنان مردم که با ظاهر سازی و عوام فریبی خود را حامی توده مردم و نماینده آنان قلمداد می کنند، با

### تیراندازی افراد کمیته قزوین به معلمان کوهنورد

قزوین - روز جمعه ۲۵ خرداد ما حدود ۳۷ نفر از اعضای کانون مستقل معلمان قزوین برای کوهنوردی به کوههای اطراف قزوین می روند. هنگام بازگشت یابارندگی مواجه شده و در حین پائین آمدن از کوه با کمال تعجب از طرف ما موران کمیته محاصره و تیراندازی آنها مواجه می گردند. معلمان بناچار برای حفظ خود در پشت سنگ ها سنگرمی گیرند و یکی از آنان بایرون آوردن پیراهن سفید خود علامت می دهد و فریاد می زند که ما مسلح نیستیم معذرتا تیراندازی ادامه می یابد تا اینکه معلمان بایرتاب کوله پشتی و مقمعه های خود به پاسداران نشان می دهند که مسلح نیستند. در این هنگام پاسداران آنها را واداری می کنند از رودخانه پائین بیایند و معلمان سراپا خیس را با توهین و تحقیر به کمیته آپیک می برند. در آپیک پاسداران به دروغ به مردم ده می گویند یکمده ساواکی که قصد حمله به آنها را داشته اند و به کوه رفته بودند دستگیر شده اند و مردم آپیک را برای تماشای آنان جمع می کنند. وقتی معلمان را می آورند از آنجا یک چند تن از آنها محلی بودند و بخصوص در آپیک فامیل داشتند مردم اعتراض می کنند که اینها معلم هستند نه ساواکی. بطوریکه در کمیته آپیک پس از رسیدگی به جریان از آنها عذرخواهی می شود و می گویند بعد از این اگر خواستید که بروید باید بما خبر بدهید و به این ترتیب پس از دو ساعت آنها آزاد می کنند. معلمان مزبور نیز نامه هایی به قم، نخست وزیر و دادگستری می فرستند و از کمیته شکایت می کنند.

### تجمع روستائیان برای اعتراض به بازداشت دو زحمتکش

مشکلات و گرفتاریهای روستائیان به آنها کمک کرده و در جهت آگاه نمودن آنها در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت کرده است. در اعلامیه ای که روستائیان بدین مناسبت به اهالی آمل نوشته اند آمده است: "ما روستائیان زحمتکش قریبه نظام آباد مصرا از کمیته می خواهیم که دوستانمان را هر چه زودتر آزاد کنند و همچنین از تمام مردم مبارز آمل می خواهیم که نگذارند خون شهیدانمان به هدر رود. نگذارند که عده ای فرصت طلب از زندگی و خون هزاران شهید و مجروح در جهت منافع ضد مردمی خود استفاده کنند. ما از تمامی نیروهای مترقی و مردمی می خواهیم که دست تمام سوء استفاده کنندگان را از انقلاب کوتاه سازند.

### گسترش شوراها و روستائی در کردستان

روستائیان ماکه از محرومترین مردم این مرز و بوم هستند، برخلاف تمام تبلیغات رژیم وابسته به امیرالایم شاه، بعد از اصلاحات ارضی نیز همچنان مورد ظلم و بهره کشی بیرحمانه قرار گرفتند. بخش بزرگی از روستائیان از همان آغاز صاحب زمین نشدند و بصورت خوش نشین باقی ماندند. عده ای دیگر از مقامات زمینهایشان در گرو بانکها ماند و از دستشان رفت و گروه دیگری هم بواسطه تجاوز مالک قبلی یا غاصب جدید نسق خود را از دست دادند. اکثریت عظیم روستائیان صاحب نسق و مخصوصا خوش نشین همیشه پشتشان در زیر بار رنج و بدبختی خم بود. بدتر از همه اینکه بعد از شکست رژیم ضد مردمی شاه هم نه تنها هنوز اربابان به همان شیوه سابق رفتار می کنند بلکه در مناطق مختلف زمین دهقانان را با تهدید و ارعاب زور و آزانی می گیرند.

### خلاصه ای از یک اعلامیه کبرنشینان را دریابیم

آنچه در زیر می خوانید قسمتی از اعلامیه ای است که یک گروه هوادار سازمان در بندرعباس انتشار داده و در آن خواستهای اهالی محله "لوطی ها" را ضمن گزارش بازگو کرده است: محله فقیر نشین لوطی هادر شمال غربی بندرعباس واقع است و از دو بخش که به وسیله یک جاده خاکی از هم جدا می شوند تشکیل شده است. یک بخش که ساکنینش از افراد بومی هستند و دیگرهای تولیدی اشتغال ندارند و عمدتا از طریق نواختن ابزار آلات موسیقی و شرکت در جشنها و مشاغل دیگر این زمینه ها امرار معاش می کنند. اهالی این بخش شیدنا با فقر دست به گریبان هستند و هیچگونه آگاهی سیاسی ندارند. بخش دیگر، مهاجرین هستند که عده ای از آنها بدلیل ورشکستگی و بدی اوضاع کشاورزی از روستاها به اینجا مهاجرت کرده و عده ای هم که قبلا در نقاط دیگر شهر بودند چون خانه هایشان در معبر سرازیر شده اند. ساکنین این قسمت اکثر به مشاغل نظیر دست فروشی، خرده فروشی و کارگری ساده ساختمان و عده کمی به رانندگی اشتغال دارند. خواستهای عمده آنها بدین شرح است:

- ۱- ساختن خانه های مقاوم در مقابل باران.
- ۲- کشیدن برق و آب لوله کشی به محله.
- ۳- تامین امکانات بهداشتی و درمانی مخصوصا در جهت جلوگیری از امراض ناشی از کودهای آبی لجنزار
- ۴- بیرون راندن سونجویانی نظیر "حسین آب روشن" که با ایجاد دستگاه بلوک زنی در مرحله ایجاد مزاحمت کرده است.

بودند بدست می آورد. بعد از فرار شاه، مردم روستا دیگر زیر بار پاسگاه نرفتند و پس از پیروزیهای مردم ایران در بهمن ماه گذشته اهالی در مسجد اجتماع کرده شورای انتخابی ده خود را تشکیل دادند و بعد از گفتگو با رئیس پاسگاه، پاسگاه زاندار می را برچیدند. از آن به بعد تاکنون برخلاف گذشته "حتی یک مورد دعوا و اختلاف پیش نیامده و اگر بعضی مواقع اختلافات جزئی بروز کرده که بیشتر مربوط به آبیاری مزارع بوده، شورای ده چون نماینده واقعی خودشان می باشد و از مشکلات روستا اطلاع دارد، عادلانه و بدون چشم پوشی اختلافات را حل و فصل می کند.

اما اکنون زحمتکشان بجان آمده روستا مانند کارگران و سایر رنجبران ایران، برای احقاق حقوق خویش و مقابله با تجاوز مالکین و غاصبین و برخورداری از حداقل امکانات زندگی، حرکت تشکیل شوراها کرده اند. در این حرکت تشکیل شوراها روستائی که نمایندگان آن را روستائیان از میان خودشان انتخاب می کنند ضروری است که دهقانان برای بدست آوردن خواستهای مشترکشان به آن پی برده اند. در این میان باید از روستاهای حومه سنندج نام برد و از جمله آنها می توان به دهات دولتبنندی، چناران، تاز آباد و وزیر (تابع ویراندره)، قوچ (غیاث آباد- تابع ویراندره) اشکفتان و چند آبادی دیگر اشاره کرد که از اواخر اردیبهشت گذشته بتدریج شوراها و روستائی آنها با شرکت دهقانان و خوش نشینان تشکیل شده است. تعداد نمایندگان این شوراها ۴، ۳، ۲ یا نفر است و مدت نمایندگی آنها بین ۶ ماه تا یکسال متفاوت است و در صورتی که نماینده ای تعهدات خود را انجام ندهد اهالی می توانند دیگری را به جای او انتخاب کنند.

خواستهای عمومی مردم این روستاها امکاناتی از قبیل درمانگاه، جاده، آب - لوله کشی، حمام، مسجد، وام بدون بهره و غیره است که پیگیری آن بعهده شوراها گذاشته شده است. همچنین نمایندگان شوراها دولتبنندی، تاز آباد و قوچ از جانب اهالی موظفند برای پیگیری گرفتن زمینهای خود از مالکین متجاوز و غاصبین تلاش کنند.

### مشکلات معلمان را خودمان بهتر حل میکنیم

سنندج - ندای حق طلبان اهالی روستای گیلانه (از حومه شهرستان سنندج) "عنوان نامه ای است با انشور انگشت و امضای نزدیک به صد نفر از مردم این روستا که طی آن از پاسگاه زاندار می و ظلم و ستم دو ساله آن سخن گفته اند. این پاسگاه که از حدود دو سال پیش تاسیس شده بود با استفاده از حربه نفاق افکنی، در آمد شراری از راه شوه گیری از مردم بی چیز محل که به سبب سیاست تخریب کشاورزی رژیم فاسد گذشته خانه خراب و حتی آواره شده

### ماهیت دو تن از دشمنان خلق کرد که در کنفرانس خیانت در سنندج شرکت کردند

۱- رئیس کنفرانس طرح خود مختاری شخص مغفوری بنام بقا سیدالشهدائی است. این شخص قبل از سال ۴۹ در بیمارستانهای سنندج و پاره با حقوق ماهیانه ۱۲ هزار تومان مشغول طبابت بود و در سال ۴۹ بعثت کمی حقوق استعفا کرده و برای چاپیدن بیشتر مردم یک بیمارستان خصوصی در سنندج دایر می کند. گرفتن حق ویزیت سنگین از دهقانان و زحمتکشان و معاینه دسته جمعی بیماران و دادن نسخه های دسته جمعی برای آنان زندانی کردن بیماران بی بضاعت تا برداختن تمامی پول، گوشه های از سابقه برداشتن مبارزاتی او است. در مبارزات اخیر مردم میهنمان او، تنها تیر خوردگان و زخمی شدگان را بستری می کرد که پول داشتند.

قبل از قیام این آقای دکتر بخاطر ترس از خشم و نفرت مردم که ممکن بود گریبانگیر او بشود بیمارستان را تعطیل کرده همچون دیگر فراریان ضد خلقی همراه خانواده اش به اروپا فرار کرد، ولی بعد از آرام شدن اوضاع به ایران مراجعت کرد و مجددا به چپاول مردم مشغول شد.

### استقبال قیادهای ها از مفتی زاده

سنندج - ۵۸/۳/۱۴ گروهی که از احمد مفتی زاده هنگام مراجعت از تهران استقبال می کردند، شعاری درود بر قیاده، درود بر کاک احمد می دادند. در ضمن در این مراسم ۱۵۰۰ نفر نیز حضور داشتند که ۳۰ تن از آنها قیادهای بودند. قیاده ای ها بعد از اتمام راهپیمایی به داخل پادگان رفته و بعد از مدتی از آنجا عازم محل آنجناب اسلامی جوانان شدند که افراد مسلح دیگری در آنجا بودند. همان گونه که بارها گفته ایم، رهبری قیاده موقت را کسانی به عهده دارند که

### تبعید افسر ارتش بخاطر داشتن عقاید سیاسی

۵۸/۳/۱۶ - افسری بنام سروان حاج رسولی بعثت داشتن عقاید سیاسی، بادیسیه چینی کمیته پادگان پیرانشهر از کادر پرسنلی این پادگان اخراج و تبعید می کند و به هیئت کمیته تعیین تکلیف برای ملت کرد راندارد.

### اعلامیه مردم سردشت به منظور اعتراض به نماینده قلابی سردشت در کنفرانس سنندج

روز سه شنبه ۵۸/۳/۲۲ اعلامیه ای به امضای حدود ۶۰ نفر از مردم سردشت پخش شده که نشان می دهد که کسانی به نام نمایندگان مردم کردستان در کنفرانس سنندج جمع شده اند. در این اعلامیه آمده است که آقای رحمت علیپور تنها نماینده مردم سردشت نبوده و

نه... از آن کس که روی آن کار میکند

# یاد رفیق افتخار آفرینان حمید اشرف گرامی باد

بقیه از صفحه ۱

بود به شهادت رسیدند.

سلسله ضرباتی که در سال ۵۵، منجر به شهادت کادرهای رهبری و با تجربه ترین اعضای سازمان گردید، سازمان را بطور جدی با کمبود کادرهای مجرب مواجه ساخت. شهادت این رفقا اگرچه ضایع بزرگی برای جنبش انقلابی میهنان بود، ولی جنبش انقلابی از حرکت پیروزمندان اش باز نایستاد و سازمان با درس آموزی از تجارب گذشته راه پرافتخار رفقای را که تا واپسین دم در راه آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان مبارزه کردند، ادامه داد و توانست دوشادوش خفتهای قهرمان ایران در نابودی رژیم جنایتکار شاه، شرکت کند. امروز نیز که رژیم منفور پهلوی بگور سپرده شده است، فدائیان خلق در مبارزه قاطعانه با امپریالیزم، بر مواضع انقلابی سازمانی که حمید اشرف پرچمدارش بود تکیه دارند و آماده اند تا همانند گذشته در صف اول، در راه آرمانهای طبقه کارگر علیه امپریالیزم و وابستگی داخلی مبارزه کنند.



«یاد رهبر شهیدی را گرامی میداریم که در زندگی انقلابی، نمونه بارزی از یک انسان طراز نوین بود. او رهبر برجسته‌ای بود که در سخت‌ترین شرایط مبارزاتی، با قاطعیت انقلابی و شکیبایی کمونیتی سازمان را رهبری میکرد و همواره شخصیتش الگوی هم‌زمان و تمامی انقلابیون راستین است.»

رفیق حمید اشرف در روز دهم دیماه سال ۱۳۲۵ در تهران دنیا آمد. در آزمون پدرش کارمند راه آهن بود. ۷ سال داشت که پدرش به تبریز منتقل شد و او ۶ سال مدرسه را در تبریز گذراند. در این سالها او دوستی نزدیک با فرزندان کارگران و کارمندان جزء داشت و بیشتر از همه با پرسوزنبان ایستگاه و بچه‌های بیم‌زن کارگری که همسایه‌شان بود می‌جوشید. و در همین رابطه‌ها پیوندی عاطفی با کارگران و زحمتکشان پیدا کرد، که با گذشت زمان عمقی بیشتری یافت. در سال ۱۳۳۸ دوباره پدرش به تهران منتقل شد و حمید تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند. منتها سال دوم بعثت «توهین به شخص اول مملکت!!» و شرکت در تظاهرات دانشگاه تهران او را از دبیرستان اخراج کردند. او سالهای آخر دبیرستان را به‌داز الفنون رفت و در سال ۱۳۴۲، هنگامی که گروه رفیق جزئی تشکیل شد، به عضویت گروه درآمد.

در سال ۱۳۴۴ در رشته ریاضی دیپلم گرفت و یکسال به تدریس در کلاس‌های پیکار با یسواد پرداخت، تا ضمن کسب تجربیات اجتماعی، زندگی‌اش را مستقل کند. از سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه شد و در رشته مهندسی مکانیک دانشکده فنی به تحصیل پرداخت. او ضمن حفظ ارتباط مخفی خویش با گروه رفیق جزئی در فعالیت‌های سیاسی-صنعی و برنامه‌های ورزشی دانشگاه (بخصوص کوهنوردی) فعالانه شرکت می‌کرد و از رهبران فعالیت‌های انقلابی دانشگاه بود. از سال ۱۳۴۵ به عضویت تیم کوه تحت مسئولیت رفیق شهید سعید کلاتری درآمد و پس از ضربات سال ۴۷-۴۶ که رهبری و اکثر اعضای گروه دستگیر شدند، از آبان ۴۷ در مرکزیت گروه قرار گرفت و نقش عمده را در بازسازی گروه بردوش کشید. از این تاریخ به بعد تا لحظه شهادت رفیق حمید همواره مسئولیت سنگین عضویت در مرکزیت و سپس پس از ضربات سال ۵۰ مسئولیت رهبری سازمان را بردوش کشیده است.

در زمستان سال ۱۳۴۹، دشمن موفق میشود، تنی چند از هم‌زمان فدائی را به اسارت خویش درآورد، در این رابطه طبق تصمیم مرکزیت و برای حفظ کادرها، به حمید توصیه می‌شود که زندگی مخفی خویش را آغاز کند.

پس از بازگشت رفقا صغاری و صفائی فرانسوی از فلسطین تیم کوه که کادرهای آن به‌همت تلاش پیگیر و شبانه روزی رفقا احیا شده بود، تحت فرماندهی علی‌اکبر صفائی فرانسوی، تشکیل می‌شود و در مناطق جنگلی شمال به شناسایی و آموزش می‌پردازد. در این دوران تا آغاز جنبش مسلحانه در سیهاکل رفیق حمید مسئولیت برقراری ارتباط بین تیم‌های شهر و کوه را برعهده داشته است.

رفیق حمید طی ۱۳ سال زندگی مبارزاتی و انقلابی به یک سازمانگر و رزیده بدل شد و عالی‌ترین خصائل و قابلیت‌های انقلابی را در خود پرورش داد. قابلیت‌هایی که در شرایط فشار و سرکوب سیستماتیک امپریالیسم و دیکتاتوری، به‌شرط ضروری هر مبارزه انقلابی بدل می‌گردد. در برخوردها و درگیری‌های متعددی که با مزدوران داشت، چنان تیزی و بی‌پیشی تاکتیکی از خود بروز می‌داد که دشمنان هم به قدرت تصمیم‌گیری و قاطعیت انقلابی او



سیستم تشکیلاتی مستحکم، بسیاری اصول «مورد قبول» قابل اجرا نیستند» رفیق اضافه می‌کند: «ما برای سازماندهی می‌بایست وقت بسیار صرف میکردیم و بهترین رفقا را به‌صفت اول احضار کرده و بقیه را در پشت جبهه سازمان می‌دادیم و حداقل یک‌ماه را بدین کار اختصاص می‌دادیم، ما این کار را علیرغم آنکه مطرح شد اجرا نکردیم و این بزرگترین اشتباه ما بود.» یا «تا وقتی که مسایل سازماندهی و استقرار یک واحد حل نشده، نباید اقدام به استقرار واحد دیگر کرد، این کار انرژی‌ها را تقسیم کرده و ما را در مقابل دشمن آسیب پذیر می‌سازد. اسلوب حل یک‌به‌یک مسایل چیزی است که باید آموخت و بکار بست.»

رفیق همواره بر اساس واقعیت‌ها و با درکی عینی کار انقلابی را سازمان می‌داد و پیش می‌برد. او در این باره می‌نویسد:

«طرح یک ایده و یک آرزو هر قدر هم که درست باشد، هر قدر هم که ضروری تشخیص داده شود، بدون ارتباط با امکانات عملی سازمان چیزی حاصلی است. پس از طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب مناسب و عملی برای اجرای آن را ارائه کرد و گرنه طرح اینها بدون ارائه اسلوب عملی، کار بی‌فایده‌ای است.» او با این که فداکاری و جانبازی را لازمی کار انقلابی می‌داند، در عین حال تأکید دارد که این به‌تنهایی کافی نیست. او داشتن شناخت، دورنگری و هویشیاری انقلابی را برای پیشرفت کار ضروری می‌داند.

رفیق در جمع بندی‌هایش ضمن انتقاد شدید از شتابزدگی هایمان و بی‌مبالایی‌ها و اشتباهاتی که مرتکب شده بودیم به این حقیقت توجه دارد که: «هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات، نمی‌توانستیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان می‌دهد که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته‌اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده‌اند و آسیب‌های بزرگ دیده‌اند، ولی پس از بروز شکست‌ها «با بهره‌گیری از تجارب و نقد آن» مجدداً بر سر پا برخاسته‌اند.» نقش رفیق حمید در حفظ نیروها در سخت‌ترین و شدیدترین پیگردهای پلیسی و فشارهای فاشیستی در ذهن رفقای فدائی بعد از شهادتش بارزتر و آشکارتر می‌گردد، مسائل و مشکلاتی که چه از نظر تدارکاتی و چه از نظر امنیتی و امور مربوط به سازماندهی نیروها، بازماندگان ضربات سال ۵۵ با آن درگیر بودند، جای خالی رفیق را در تمام لحظات در ذهن ما، زنده می‌داشت.

رفیق به آن‌ها که از اطاق‌های گرم و نرم یا از آن‌سوی مرزها، برای انقلاب ایران «برنامه عمل» دیکته می‌کردند، نشان می‌دهد که بدون داشتن فعالیت انقلابی و شرکت در مبارزه، بحث و اظهار نظر پیرامون آن بی‌اعتبار و فاقد ارزش انقلابی است. او در تمام مراحل زندگی انقلابی‌اش با ما می‌آموزد که: «کار انقلابی را با شکیبایی انقلابی و سرسختی کمونیتی به پیش باید برد.»

او تا آخرین لحظه‌های حیات با ایمان به کمونیزم، با ایمان به آرمان پرولتاریا در برابر دشمن جنگید و در این راه قهرمانانه جان باخت.

با تجلیل از مبارزات ارزنده رفیق کیرمان و همه رفقای که در راه آرمان‌های انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باختند، سوگند یاد می‌کنیم که در حفظ مواضع انقلابی سازمانی که با خون سرخ همه رفیقان اعتبار یافت، سازش ناپذیر و قاطع باشیم.

سوگند یاد می‌کنیم رفیقان، به‌همانگونه که شما لحظه‌ای ایمان خویش را به پیروزی خلق از دست ندادید، مؤمن و وفادار به آرمان‌های کارگران و زحمتکشان خواهیم ماند. سوگند یاد می‌کنیم رفیقان، همانطور که شما پیمانتان را در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان خلق نشکستید، پیمان ناشکن و سرسخت باقی بمانیم.

## یادبود رفقای شهید ★★

- از آغاز جنبش مسلحانه در سیهاکل و در طول سه سال مبارزه بی‌امان و سخت و پیکار، زیر سلطه سهاترین دیکتاتوری‌های تاریخ بسیاری از رفقای فدائی در زیر شکنجه، میدانهای تیوردرگیری‌های مسلحانه با پلیس و مأموران استیجی رژیم شاه به شهادت رسیدند و قربانیان خود حماسه‌ها آفریدند. با شرکت در مراسم یادبود رفقا: (احمد خرم آبادی - ۲ - کاظم سلاخی
- تاریخ شهادت ۱۲ تیرماه ۵۵
- ۳- گلرخ مهدی - ۴- فلاحتی پورنغمه - ۵- مارتیک قارار - ۶- نوبت السادات رومی - ۷- عبدالله رازح کار - ۸- محمود مظفری بلوربان - ۹- علی رحیمی ملی آبادی
- تاریخ شهادت ۲۱ خرداد ۵۵
- ۱۰- حسین بوسوی دوست بوجالی
- ۱۱- نسترن آل‌آقا
- ۱۲- مریم شاهی
- ۱۳- ظاهر خرم - ۱۴- یوسف فاتح عسکری بجماری
- ۱۵- محمد مهدی یوسفانی - ۱۶- حمید اشرف - ۱۷- فلاحتی سلاخی
- ۱۸- ناطقه حسینی - ۱۹- علی اکبر زهری
- ۲۰- فلاحتی خراط پور - ۲۱- محمد حسن حق نواز
- ۲۲- محمد رضا خزری
- ۲۳- بهزاد امیری دوان
- ۲۴- نادره احمدشاهی
- ۲۵- حمید آرمین (آرمان)
- ۲۶- افسر السادات حسینی
- ۲۷- سیمین توکلی
- ۲۸- عبدالله سعیدی بهدختی
- تاریخ شهادت ۱۰ تیرماه ۵۵
- تاریخ شهادت ۲۰ تیرماه ۵۲

عاطره هسگی این رفقا را که در تیرماه به شهادت رسیدند گرامی بداریم و از آنان درس فداکاری و پاک‌بختی و ایمان به نیروی خلق و وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر را بیاموزیم.

اذعان داشتند و آشکارا آترا می‌ستودند. رفیق حمید در طول ۶ سال زندگی مخفی ۱۴ بار خط محاصره‌ی مزدوران را می‌شکند و توطئه‌ی آنان را ناکام می‌گذارد.

در کار سازماندهی آنچه که بیش از همه مورد توجه رفیق بود، مقابله با شتابزدگی خرده بورژوازی و پیش برد امر سازماندهی کادرها بر مبنای واقعیت‌ها و محدودیت‌های عینی و مادی بود. این خصیلت رفیق حمید و پافشاری او در این زمینه در نزد همه رفقای فدائی شناخته شده و مشهور است.

او در جمع بندی سه‌ساله بر اساس چنین اعتقادی می‌نویسد: «اشتباه ما، شتابزدگی ما بود، ما می‌خواستیم کارهای زیادی را در مدت کوتاهی انجام دهیم... مهمترین ضعف ما بی‌تجربگی‌مان بود. بقیه ضعف‌ها از این ناشی می‌شد. ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آرزوهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزهایی که سال‌ها در خفا آرزویش را می‌کشیدیم در عرض چند هفته و یا چند ماه بدست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت.»

رفیق بر سر «آغاز مجدد فعالیت در نواحی روستائی شمال کشور» که توسط برخی از رفقا مطرح شده بود، مبارزه‌ای جدی کرد و بر اساس تجاربش، ارزیابی رفقا را از توان سازمان و مسائل مبارزه در روستا ذهنی و غیر منطبق برواقیت می‌دانست.

در این باره می‌گفت: «من قویاً با آغاز فعالیت مجدد در روستا در آن شرایط مخالفت می‌کردم، بحث‌های زیادی بر سر این مساله صورت گرفت. رفیق مسعود معتقد بود که ما برای اتمام این برنامه امکانات و رفقای کافی داریم. فقط کفایت که حرکات خود را در این جهت سمت دهیم. من این نظریه را رد می‌کردم. معتقد بودم که ما نه تنها امکانات سازمانی‌مان برای این عملیات کافی نیست، بلکه افراد آماده برای شرکت در چنین برنامه‌ای نیز بطوریکه بتوانیم در عرض چند ماه یک واحد و رزیده‌ای ایجاد نمائیم، وجود ندارد... طرحی که بود و نبود سازمان چریکی را مشخص کند و نوعی طرح سرزشت محسوب شود، مردود است» رفیق در تأیید نظریاتش به تجربه‌ی سازماندهی دسته‌ی جنگل تکیه می‌کرد که ایجاد چنین دسته‌ای، نیرو و امکانات زیادی می‌خواهد که نداریم، مضافاً اینکه جو پلیسی و هشیارچی دشمن شدیدتر شده است.

او این طرح را باعث مختل شدن کل برنامه و به‌هدر دادن انرژی می‌دانست و آنرا یک «ریسک بزرگ» می‌نامید و بگفته‌ی خودش و همانطور که دیدیم: «اجرای این طرح سازمان را بکلی متلاشی کرد و نه تنها این طرح به نتیجه نرسید بلکه اقدام روی آن غیر مستقیم سبب شد که واحدهای شهری هنگام بروز آسیب نتوانند از حمایت کافی برخوردار باشند و در نتیجه وسعت آسیب‌ها به نهایت شدت خود رسید.»

پس از ضربات تیر و مرداد ۱۳۵۰، تنها ۶ رفیق از سازمان باقی مانده بود که با کوشش مجدد و خستگی‌ناپذیر و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته در امر سازماندهی به‌احیاء تشکیلات و نوسازی آن کمر بستند، نقش رفیق حمید در این دوران نیز همچنان برجسته و نمایان است. در باره‌ی این دوره که ویژگی آن در هم ریختگی تشکیلات بود رفیق می‌نویسد: «در مرحله بهم ریختگی کارهای سازمان بعثت کمبود یک

# گرامی باد خاطره همه شهدای خلق

### خاطره شهدای کارگران کارخانه نساجی

#### قائم شهر (شاهی سابق) را گرامی میداریم

کارخانجات نساجی شاهی سابق از جمله اولین واحدهای تولیدی ایران است که بیش از چهل سال از گشایش آن می گذرد. سابقه کارگران این کارخانجات مملو از اعتصاب و مبارزه است. سال ۲۵، سال ۲۹ و ۵۴ و بالاخره تیرماه ۵۴ و هر بار ارتش و نیروهای سرکوبگر و ضد خلقی شاه وارد میدان می شدند و بی رحمانه کارگران را سرکوب می کردند، به گلوله می بستند، عده‌ای را به شهادت می رساندند و صد هانفراد دستگیر کرده می کردند.

اعتصابات سال ۵۴ این کارخانجات در دورانی صورت گرفت که رژیم پهلوی و نوکرانش اختناق و سرکوب را به اوج خود رسانیده بودند و تصور کرده بودند

که دیگر هیچ کس را برای مقابله با آنها نیست. کارگران مبارز و قهرمان این کارخانجات در پی انجام نشستن خواسته های رفاهی و نیز برکنار کردن رئیس کارخانه دست به اعتصاب زدند. چند هزار کارگر به اعتصاب پیوستند و کلیه واحدهای تولیدی از کار افتاد. کارگران مبارز و قهرمان معادن زیراب نیز به اعتصاب پیوستند و روشن گران و زحمتکشان شهری پشتیبانی خود را از خواستهای برحق کارگران اعلام کردند. رژیم از او جگیری مبارزات به هراس افتاد. پلیس و ارتش ضد خلقی اشرار برای سرکوب کارگران و پشتیبانان آنها فرستاد. سرکوب بیرحمانه و وحشیانه بود. زن و مرد، پیرو جوان، کودک و نوجوان مورد ضرب و شتم و سپس رگبار گلوله قرار گرفتند. ماهیت ضد خلقی دولت شاه کاملاً آشکار شد.

#### رشد آگاهی و مبارزاتی کارگران:

### با تجربه کارگران کارخانه...

استثمار قرار می گیرند. علاوه بر اینکه اکثریت کارگران رازان تشکیل می دهند. تعداد کودکان ۱۲ تا ۱۰ ساله نیز که در این کارخانه مشغول بکارند کم نیستند. کارخانه‌ای که در ابتدا بسیار کوچک بود و تولید زیادی نداشت اکنون تبدیل به کارخانه‌ای بزرگ شده است و این بی جهت نیست. دستمزدها در این کارخانه بسیار پایین است و حقوق از ۵۰۰ تومان (دختر بچه ها) الی ۲۰۰۰ تومان (کارگران فنی) متفاوت است و همه کارگران به پائین بودن حقوق خود اعتراض دارند.

چگونگی رشد آگاهی و مبارزه کارگران در این کارخانه در سه ساله آموزش دیده‌ای دارد که تجربه ای است برای همه کارگران، در مبارزه بر علیه استثمار و ستم سرمایه داری.

در ابتدای تاسیس این کارخانه اغلب کارگران راکسانی تشکیل می دادند که به تازگی روستاها را ترک کرده بودند تا در شهرهای کاری جستجو کنند. استثمار کارگران از همان آغاز بسیار شدید بود. اما کارگرانی که تازه از روستا آمده بودند، هنوز خصوصیات کارگری کسب نکرده بودند، یعنی آگاهی آنها در سطح پائینی بود و بی به منافع مشترک نبرده بودند، آنها خصصیات های دهقانی داشتند و کارفرما را از باب جدیدی می پنداشتند که لازم بود از او فرمانبرداری کنند. کارگران فکری می کردند که گرجی درازای کار آنها میزدند و با این مسئله نبرده بودند که او نیز مانند همه سرمایه داران دیگر پول بخشی از کار روزانه آنها را نمی پردازد و از این راه سودهای کلانی به جیب می زند. به علاوه کارگران فکری کردند که سرپرستان دشمن آنها هستند و نه کارفرما. بنابراین بیشتر به جدال با سرپرستان می پرداختند. کارفرما ابتدائی ترین حقوق کارگران را رعایت نمی کرد. حتی اگر کارگری در حین کار یا کار کرد بگری صحبت می کرد، بر سرش داد می زدند و او را به باد کتک می گرفتند. اما خصوصیات کارگری کسب می کردند و در اثر مبارزات خودشان، تحت تاثیر مبارزات کارگران دیگر سطح آگاهی آنها بالا می رفت.

موج مخالفت بر علیه کارفرما نیز افزایش می یافت. البته درگیریهایی کارگران با کارفرما در ابتدا بیشتر فردی بود تا جمعی. مثلاً یکبار یکی از کارگران که از زورگویی و فشار کارفرما جانش به لب رسیده بود، او را کتک زد و دیگری کارفرما را به داخل ظرف شیر انداخت. کارگران زن مخصوص دست به مبارزه منفی می زدند مثلاً در داخل جعبه‌های بیسکویت به جایی بیسکویت لباس کهنه می گذاشتند. این شیوه‌های مبارزه نشان دهنده عدم رشد آگاهی کارگران بود. هنوز نمی دانستند که مبارزه فردی کارگر با کارفرما نتیجه ندارد و کارگران باید متحد و متشکل و بطور جمعی مبارزه کنند تا نتیجه مثبت بگیرند اما با وجود تمام جاسوسانی که کارفرما در میان کارگران گمارده بود تا هرگونه مخالفت و ناراضی را به او گزارش دهند و فشارهای دیگری وجود داشت سرانجام کارگران راه درست مبارزه با کارفرما را آموختند و مبارزه جمعی و متحد خود را بر علیه او آغاز کردند.

با گسترش او جگیری مبارزات توده‌های مردم در سال گذشته کارگران این کارخانه نیز به مبارزه پیوستند و سطح آگاهی آنها در بطن این مبارزه افزایش یافت. اینک کارگران، صاحب کارخانه یعنی گرجی را یک فرد زورگو، بهره کش و مفت خور می دانستند که مثل هر سرمایه داری دیگری با استثمار کارگران در ناز و نعمت بسر می برد و مدام ثروت مند تر می شود. اولین اعتصاب این کارخانه در مهرماه ۵۷ شکل گرفت و کارگران خواستهای خود را که از جمله ۳۰٪ اضافه حقوق، حق مسکن، حق اولاد، اخراج کارمندان و سرپرستان جدید و برکناری مهدی گرجی از مدیریت تولید بود، مطرح کردند. اعتصاب دوازده روز طول کشید. در این مدت کارفرما و عوامل او کوشیدند تا در صفوف متحد کارگران تفرقه بیندازند و اعتصاب را با شکست روبرو بیاورند. اما این حيله هاموثر واقع نشد. این اعتصاب برای نخستین بار قدرت واقعی کارگران و نیروی راکه در اتحاد آنها نهفته بوده خودشان نشان می داد. کارگران اینک از سرمایه دار

مبارزه کارگران به نتیجه نرسیدند و سرکوب بیرحمانه حتی پس از پایان اعتصاب ادامه یافت و حدود بیست از کارگران کارخانجات اخراج شدند و عده ای از دانش آموزان، معلمان و دانشجویان در این رابطه دستگیر شدند و پس از آزار و محکوم شدنند. اما مبارزه تاثیر خود را بر توده ها و بالاخص کارگران گذاشت و این برگ سرخ دیگری در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران است.

ماضی بزرگداشت این مبارزات قهرمانانه همگام با سایر کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی پادشاهی تیرماه ۵۴ کارخانجات قائم شهر را گرامی می داریم.

مثلاً شما بچه استدلالی دستگیری سرتیپ فلاحی را معوق نگاه داشته اید و حتی برای رهائی این ارتشی مزدور که نقشش در کشتار مردم مبارز شیرواز برهنگان روشن است و نامین نمونه‌ای از کشتار او را در نشریه کار شماره ۱۵ چاپ نمودیم، وساطت کردید؟

آقای دادستان. سکوت شما در مورد دستوراتی که فرمانده ارتش برای محو فجایع رژیم جنایتکار سابق به شما صادر کرده بود چه معنایی دارد و برای آن چه توضیحی دارید؟ آیا نظر شما همسوم پوستری که خاطره شهدای ۱۷ شهریور رازنده می گردمضه و مفسده به حساب می آید و باید جمع آوری و معدوم گردد؟

مردم ایران مجموعه این مسائل را اتفاقی تلقی نکرده، یعنی این بخشنامه ها و دستوراتی را که عملاً برای جلوگیری از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران صادر می شود به خوبی می شناسد و البته دیگر زیر بار سانسور و تفتیش عقاید و اختناق نخواهند رفت. و در برابر همه اقداماتی که سدها مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران باشد یکپارچه ایستادگی خواهند کرد.

مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.

دادستان کل فقط مطالب آن روزنامه را شنیده اند اما توجه نکرده اند در مقاله‌ای که همراه با این افتخاری نوشته شده بود، چیزی در مورد سانسور نامه ها ذکر نشده است. بلکه در حقیقت خود دستور العمل دادستانی بود که سانسور را در پیست و تلگراف منعکس می کرد و احتیاجی هم به توضیح بیشتر نداشت. از طرفی برخلاف گفته آقای هادوی اولاد در این دستور به هیچ وجه چنین تفکیکی که ایشان در رادیو اظهار داشته اند صورت نگرفته بود و کلیه نامه ها و محمولات پستی را چه داخلی و خارجی شامل می شد و همچنین در مورد کلمات مضره و مفسد اخلاق که در این دستور العمل آمده است، به هیچ وجه منظور و مقصود آقای دادستان آنگونه که در رادیو اظهار شده است مشخص نمی باشد و هیچ تأکیدی روی نشریات سکسی و "خلاف عفت عمومی" که به چشم نمی خورد. و این همان مسئله ای است که مورد سؤال ما هم قرار گرفته است. مادر این مورد گفتیم و تأکید کردیم که رژیم سابق هم در توجیه سانسور و تفتیش عقاید، همیشه از راههای قانونی وارد می شد و با صدور دستورات به ظاهر موجه و قابل تفسیر از رشد افکار عمومی جلوگیری می کرد و به سرکوب توده ها به اشکال مختلف از جمله سرکوب فکری می پرداخت. علاوه بر اینها آقای دادستان این دستور غیر قانونی تنها یک مورد از خلافکاریهایی شما نیست. بلکه دولت وقت همواره ضمن سکوت در مقابل دستگیری و بازداشت غیر قانونی نیروهای مترقی و مبارز اعمالی مرتکب شده است که در اغلب آنها خود شما نیز سهمی داشته اید.

مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.

#### تاریخچه های امپریالیسم و ...

تورریست تربیت می کنند، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا مرتباً کارگران و زحمتکشان را به دخالت در ایران تهدید می کند و نیروی ۱۱۰ هزار نفری ویژه برای خلیج فارس آماده می کند، در شرایطی که صهیونیسم جهانی و سرمایه داری وابسته به امپریالیسم آمریکا همه تلاششان را برای نابودی انقلابی که هنوز به نیمه راه خود نیز نرسیده است صرف می کنند و خلاصه در شرایطی که فرماندهان ارتش سابق دوباره پستهای حساس ارتش را اشغال کرده اند، نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز ماهر گراسلحه را بر زمین نخواهند گذاشت و خود را برای مقابله با دخالتهای امپریالیسم آمریکا صهیونیسم و ارتجاع داخلی آماده نگه خواهند داشت.

کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی پس از سالها مبارزه اینک به خوبی دریافته اند که تا پیروزی کامل انقلاب و تاروژی که کوچکترین اثری از سرمایه داری وابسته و امپریالیسم در ایران وجود دارد، باید تا مدتی رژیم خود را حفظ کنند، چه رسد به امروز که ریشه های امپریالیسم، صهیونیسم و سرمایه داری وابسته هنوز دست نخورده باقی مانده اند.

مهرگونه گوش در جهت خلیج سلاح انقلابیون و مردم مبارز ایران را خدمت به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم جهانی می دانیم و اعتقاد داریم، تنها زمانی که مردم زحمتکش میهن میان نیروهای انقلابی خلق مسلح باشند، قادر خواهیم بود هرگونه توطئه ضد امپریالیستی و ارتجاع را درهم بشکنیم. خلق مسلح زیر بار هیچ نوع ستمی نخواهد رفت و در برابر ستم با تمام توان انقلابی خود ایستادگی خواهد کرد و مسلمانان که به منافع کارگران و زحمتکشان ایران و به استقلال واقعی ایران و اندیشند هرگز از آمادگی انقلابیون ایران و مردم مبارز هرگز نمی دارند بلکه به تمام قدرت از آمادگی نیروهای انقلابی دفاع خواهند کرد.

دولت نمی تواند بایبانه قراردادان خلق سلاح نیروهای مترقی و ضد انقلابی و مخدوش نمودن خط و مرزها، مردم مبارز و نیروهای انقلابی را نیز خلع سلاح نموده و آنها را در مقابل دشمنان خارجی و عوامل داخلی شان بی دفاع بگذارد. مردم ایران خواهان خلق سلاح و مجازات نیروهای مترقی، آوباشان و عوامل امپریالیسم و رژیم گذشته هستند. نیروهای انقلابی ایران و توده های مبارز مردم ماضی آن که خواستار آزادی هر چه سریعتر رفقای مبارزان که اخیراً بازداشت شده اند هستیم، بصرانکه می خواهیم که فوراً پولیایی را که مردم ایران برای تقویت و حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برداشت کرده اند و نیز همه سلاحهای متعلق به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فوراً به ما بازگردانده شود. ماهرگونه کوشش در جهت بازداشت رفقایمان و ضبط سلاحها و پولهای سازمان را دشمنی با انقلاب خلقهای ایران می دانیم.

مردم مابه فدائیان امپریالیسم دارند و همانگونه که در گذشته بخصوص در قیام بهمن تجربه کرده اند آمادگی

#### توضیح دادستان کل انقلاب در مورد دستورالعمل برای سانسور در پست و تلگراف

دادستان کل انقلاب در مورد دستورالعمل برای وزارت پست و تلگراف مبنی بر سانسور کلیه محموله ها و نامه های پستی صادر کرده بود و معینا در کار شماره ۱۶ به چاپ رسید، به خبرنگار رادیو ایران اظهار داشت:

من مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.

دادستان کل فقط مطالب آن روزنامه را شنیده اند اما توجه نکرده اند در مقاله‌ای که همراه با این افتخاری نوشته شده بود، چیزی در مورد سانسور نامه ها ذکر نشده است. بلکه در حقیقت خود دستور العمل دادستانی بود که سانسور را در پیست و تلگراف منعکس می کرد و احتیاجی هم به توضیح بیشتر نداشت. از طرفی برخلاف گفته آقای هادوی اولاد در این دستور به هیچ وجه چنین تفکیکی که ایشان در رادیو اظهار داشته اند صورت نگرفته بود و کلیه نامه ها و محمولات پستی را چه داخلی و خارجی شامل می شد و همچنین در مورد کلمات مضره و مفسد اخلاق که در این دستور العمل آمده است، به هیچ وجه منظور و مقصود آقای دادستان آنگونه که در رادیو اظهار شده است مشخص نمی باشد و هیچ تأکیدی روی نشریات سکسی و "خلاف عفت عمومی" که به چشم نمی خورد. و این همان مسئله ای است که مورد سؤال ما هم قرار گرفته است. مادر این مورد گفتیم و تأکید کردیم که رژیم سابق هم در توجیه سانسور و تفتیش عقاید، همیشه از راههای قانونی وارد می شد و با صدور دستورات به ظاهر موجه و قابل تفسیر از رشد افکار عمومی جلوگیری می کرد و به سرکوب توده ها به اشکال مختلف از جمله سرکوب فکری می پرداخت. علاوه بر اینها آقای دادستان این دستور غیر قانونی تنها یک مورد از خلافکاریهایی شما نیست. بلکه دولت وقت همواره ضمن سکوت در مقابل دستگیری و بازداشت غیر قانونی نیروهای مترقی و مبارز اعمالی مرتکب شده است که در اغلب آنها خود شما نیز سهمی داشته اید.

مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.

دادستان کل فقط مطالب آن روزنامه را شنیده اند اما توجه نکرده اند در مقاله‌ای که همراه با این افتخاری نوشته شده بود، چیزی در مورد سانسور نامه ها ذکر نشده است. بلکه در حقیقت خود دستور العمل دادستانی بود که سانسور را در پیست و تلگراف منعکس می کرد و احتیاجی هم به توضیح بیشتر نداشت. از طرفی برخلاف گفته آقای هادوی اولاد در این دستور به هیچ وجه چنین تفکیکی که ایشان در رادیو اظهار داشته اند صورت نگرفته بود و کلیه نامه ها و محمولات پستی را چه داخلی و خارجی شامل می شد و همچنین در مورد کلمات مضره و مفسد اخلاق که در این دستور العمل آمده است، به هیچ وجه منظور و مقصود آقای دادستان آنگونه که در رادیو اظهار شده است مشخص نمی باشد و هیچ تأکیدی روی نشریات سکسی و "خلاف عفت عمومی" که به چشم نمی خورد. و این همان مسئله ای است که مورد سؤال ما هم قرار گرفته است. مادر این مورد گفتیم و تأکید کردیم که رژیم سابق هم در توجیه سانسور و تفتیش عقاید، همیشه از راههای قانونی وارد می شد و با صدور دستورات به ظاهر موجه و قابل تفسیر از رشد افکار عمومی جلوگیری می کرد و به سرکوب توده ها به اشکال مختلف از جمله سرکوب فکری می پرداخت. علاوه بر اینها آقای دادستان این دستور غیر قانونی تنها یک مورد از خلافکاریهایی شما نیست. بلکه دولت وقت همواره ضمن سکوت در مقابل دستگیری و بازداشت غیر قانونی نیروهای مترقی و مبارز اعمالی مرتکب شده است که در اغلب آنها خود شما نیز سهمی داشته اید.

مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.

مطلب آن روزنامه را شنیدم اگر در مورد آن روزنامه ما شنیدم پسستی چیزی ذکر کرده است دروغ است. من چنین اتهامی را نمی پذیرم. اما این موضوع را می پذیرم. این موضوع فقط مربوط به نامه ها، محمولات و نشریاتی است که یا عامل فساد اخلاقی بوده و مخالف عفت عمومی است و یا امراضی مربوط به شاه سابق و خانواده اش می باشد که می باید مورد بررسی قرار گیرد و تکلیفش روشن شود.



### ناسزا، شکنجه و زندان

## برای کارگرانی که ضمن قیام مسلحانه دولت را بقدرت رسانیدند

دربار نامه یکی از کارگران نقاش رامی خوانید که یکسال است بی کار شده، کارگری که پس از تحمل کردن سالها رنج و مشقت مثل دیگر نیروهای مبارز برای سرنگونی رژیمی که آنرا عامل همه رنجها و بدبختیهای خود می داند قیام کرد. جزء اولین کسانی بود که در نبرد نیروی هوایی شرکت جست، از آنجا سلاح بیرون آورد و در تمام روزهای قیام پایه پای دیکر هم زمانش ۳ روز جنگید.

این کارگر نقاش که در طول مبارزات یکسال اخیر بیکار شده بود نمی توانست اجازه اطاق کوچکش را ببرد، با امید فراوان همراه مردمی مثل خودش، راه افتاد بطرف خانه های خالی دولت آباد و صلاح دید تا موقعی که کار پیدا نکرده است در یکی از اطاقهای خالی آنجا زندگی کند. اما هنوز چند روز نگذشته بود که "ندانست" چرا ما موران آمدند به سراغش و با کتک و شکنجه او را بازداشت کردند. بعد به او اتهام خرابکاری و دزدی زدند و تهدیدش کردند که اگر خانه را تخلیه نکند خانواده اش را به آتش خواهند کشید.

این کارگر ناچار خانه را تخلیه می کند اما از گفته های او پیداست که سرانجام به این واقعیت پی می برد که فقط دولت کارگران است که می تواند نه تنها پاسخوی مسائل و دشواری های کارگران باشد بلکه ضامن رهایی همه زحمتکشان نیز خواهد بود.

تسوییل پاسگاه دولت آباد دادند. سه روز در پاسگاه مربوطه بودیم و برای ما پرونده خیلی محکمی درست کردند که عاری از حقیقت بود و به دادگاه ری بردند و مجرم شناخته شدیم و تحویل زندان شهر باستانی دادند. پنج روز هم آنجا بودیم که کسی رانداشتم از من دفاع کند. یازده نفر دیگر را هم با من هم جرم کرده بودند. پاسداران ادعا کردند که چهار هزار تومان پول داشتیم که کم شده است. اگر ما حاضر به پرداخت آن باشیم برای آزادی ما رضایت می دهند. من که همه این بلاها از پی پولی به سرم آمده بود، دیگر چیزی نداشتم که به آنها بدهم و ولی یازده نفر دیگری که با من بودند گفتند اگر ما چهار هزار تومان راندهیم ما را در



زندگی مشقت بار کارگران و زحمتکشان و سرکوبی غیر انسانی آنها درس بزرگی است که بما می آموزد. " دولت سرمایه داران نمی تواند دشواریهای کارگران و زحمتکشان را حل کند."

من زیدالله م. کارگر نقاش ساختمانی هستم. بازن و دو بچه ام زندگی مشقت باری دارم. زندگی مشقت بار که عرض می کنم، خوب است که برای خوانندگان یک کمی شرح بدهم. مثلاً اطاقی اجاره ای که من وزم و دو فرزندمان در آن زندگی می کردیم هم اطاق خواب من و زنم، هم اطاق خواب دو بچه ام و هم اطاق نشیمن و هم آشپزخانه ما چهار نفر بود.

می بخشید که می خواهم وقت کار بهای شما خوانندگان را بگیرم. بنابراین خلاصه می کنم. کار من نقاشی ساختمان است. خوب میدانید که کار ما کارگران نقاش بیشتر در خانه های مردم شروند و در اصطلاح شرافتمند می باشد. البته من از سال ۵۴ به سهم خود مثل همه مبارزان در مبارزه سهمی داشتم و در مبارزه با رژیم همانطور که رفقا و برادران شاهد بودند از جمله اولین کسانی بودم که بعد از ۲۴ ساعت مبارزه و بی خوابی اولین اسلحه را از نیروی هوایی به دست آوردم و ۴۸ ساعت با کار در مبارزه کرده ام و بعد از پیروزی انقلاب هم اسلحه رایه کمیته تحویل داده ام. حال که یک سال است از کار خیری نیست مجبور هستم که یک جور زندگی زن و دو بچه خود را تامین کنم. ولی نمی دانم چطور؟

حلالی بخشید سرستان را دردی آورم. چون قادر به پرداختن اجاره خانه نبودم، دیدم که در دولت آباد هزاران خانه خالی است و مردمی هم که مثل من نمی توانند اجاره خانه بدهند آنجا ساکن شده اند. صلاح را در این دیدم که بروم در یکی از اطاقهای خالی این خانه ها سکونت کنم. تا این که کاری برای تامین زندگی خود و دو

اجاره پیدا کرده و اطاقی اجاره کنم. با این امیدات خود راه یکی از خانه های خالی بردم که هزاران نفر از مردم بیکار در آنجا نشسته اند ولی نمی دانم چرا وقتی من اطاق بردم، ما موران کمیته آمدند و بدون اینکه حرفی با من بزنند مرا با مشت و لگد به کمیته ای دولت آباد بردند. با این که من بشدت زخمی بودم، باز هم مرا کتک زدند. من بی هوش شدم و ما موران رفتند و یازده نفر دیگر را آوردند فراموش نشود جمعمان می شود دوازده نفر. و دو نفرشان هم زن بودند که نمی دانم چرا آنها را گرفته بودند. اسم مرا خرابکار گذاشتند و بعد ما را

زندان نگه می دارند. چون آنها با خطر پول مارا به زندان آورده اند. دیگر نمی دانم چطور شد. بالاخره ما را از زندان بیرون فرستاده و تهدید کردند که اگر خانه را خالی نکنیم، خانه را بازن و بچه ام آتش می زنند و من بخاطر ترس از این حرکت ضد انسانی خانه را خالی کردم و فعلاً آواره شده ام. ولی بالاخره فهمیدم که جامعه بی طبقه و عدالت ادعایش چیست. بوی این حقیقت بی بردم که دولت سرمایه داران نمی تواند دشواریهای کارگران و زحمتکشان را حل کند.

ریال و حد اکثره چندین نفر مبلغی در حدود ۱۵۰۰ ریال از طرف سکانس پرداخت می شود و همچنین به هزارم از درآمد مبلغی بین ۴۵۰ تا حداکثر ۸۰۰ ریال از طرف سکانس پرداخت می شود که می توانیم با تفاوت مبالغ ذکر شده را ببینید که چقدر زیاد است و در این میان شرکت سکانس هیچگونه کاری انجام نمی دهد و تمام کارهای موتور خانه توسط کارگران انجام می شود و در این بین شرکت سکانس یک واسطه مفت خوری پیش نموده که مبالغ هنگفتی بابت کارگران از شرکت نفت دریافت نموده و مبلغ ناچیزی را به کارگران می پردازد و پول ملت این چنین توسط یک شرکت پیمانکاری به همدردی رود گذشته از حیف و میل فوق تمام سوابق کار کارگران نیز با عوض شدن هر پیمانکار از بین می رود. مثلاً کارگرانی هستند که در حدود شاید پانزده سال سابقه کار در موتورخانه اداره مرکزی دارند ولی سوابق کار آنها توسط شرکت پیمانکار به وسیله مبلغ ناچیزی خریداری شده و عمر سابقه کار آنها برابر با عمر پیمانکار جدید است. با توجه به مطالب فوق ما کارگران

تهدیه شرکت نفت هر چه زودتر از مقامات مسئول می خواهیم دست پیمانکار فوق را کوتاه کرده و تمام امور موتورخانه ها را به خود ما کارگران واگذار نموده و مستقیماً ما را به استخدام شرکت نفت در آورده و همچنین خواهان تصفیه هر چه زودتر میهنسین و ایست به رژیم سابق که هم اکنون در پشت خودشان باقی مانده اند می باشیم. مایلاً هم از طریق کمیته اسلامی مستقر در اداره مرکزی شرکت نفت در این مورد شکایتی تسلیم کرده ایم ولی هیچگونه جوابی دریافت نشده است. یک کارگر تهدیه شرکت نفت

## پیمانکاران خارجی و داخلی همچنان حاکم بر سرنوشت کارگران هستند

همانطور که در شماره های قبل اشاره کردیم هنوز نوعی پیمانکاری در اکثر کارخانه ها، شرکتها و مراکز تولیدی حکمفرماست. که یکی از ظالمانه ترین راههای استثمار کارگران به حساب می آید. در این نوع پیمانکاری انگلی، کارگران توسط عده ای واسطه اجیر شده و در خدمت کارفرما درمی آیند و بابت سهم عمده ای از دستمزد کارگران در اختیار این واسطه ها قرار می گیرد. چندی پیش خبری داشتیم از اعتراض و تحصن گروه کثیری از کارگران صنعت نفت به این نوع پیمانکاری انگلی، که ضمن آن کارگران خواستار برچیدن و انحلال این شرکتها بودند. و حالا نامه ای داریم از یک کارگر صنعت نفت که از دزدی ها و چپاولگری های یکی از این پیمانکاران خارجی پرده برداشته است.

این شرکت موسسه تاسیساتی سکانس می باشد که در حال حاضر نگهداری ۸ موتورخانه شرکت نفت را در تهران به عهده دارد.

اینجانب به عنوان یکی از کارگران تهدیه یکی از ادارات شرکت نفت می خواستم در باره وضع این شرکت پیمانکاری و حیف و میلی که از بیت المال و همچنین اجحافی که به کارگران می شود به گوش مقامات مسئول برسانم. در تعامل شرکت سکانس با استفاده از نفوذ و زد و بند با مهندسی مسئول شرکت نفت که همگی از کارگران رژیم پیشین می باشند. این قرارداد را بسته است. در موتورخانه تمام ادارات مجموعاً در حدود ۵۲ نفر کارگر می باشند که بعنوان استادکار و افزاینده تقسیم می شوند یعنی در هر یک از ادارات ها یک استادکار و چندین

### نامه یکی از کارگران نساجی قائم شهر (شاهی)

## ما کارگران چگونه استثمار میشویم؟

بازدهی فقط هفت ساعت کار هریک از ما بیست هزار تومان است

این دستگاه را بلد نیستید و این بهانه ای برای نپرداختن حداقل مزد آن کارگر بود. در مدتی که هر کارگری بعنوان کارگر موقت مشغول کاری شود از حق خواب و ۳۵ درصد اضافه کاری و حق اولاد محروم است. وقتی که استخدام بشود، مزایای خیلی کمی به او تعلق می گیرد. اما اگر یک مهندس، یا در سطح بالاتر بخواهد استخدام بشود، اولین حقوقی که می گیرد چهار هزار تومان یا حتی بیشتر است و در مدت خیلی کمی (۵ یا ۶ ماه) حقوقش سه برابر می شود. ما می خواهیم بدانیم این حق چیست که به این نوع اشخاص می دهند؟ مگر کار را کارگر نمی کند؟ پس چرا باید مزد بیشتر را آنها بگیرند؟

ما کارگران بخوبی آگاه هستیم که این آقای مهندس یا رئیس هیچ کاری انجام نمی دهند و از دسترنج ما کارگران تغذیه می کنند و اینها مثل سگ ها جلوی مبارزه ما کارگران را می گیرند. اما آنها با یک بداندی که ما آگاه هستیم، ما کارگران فقط از یک چیز می ترسیم که آن هم خیلی روشن است که اگر ما آن دیو صفات مبارزه کنیم ما را از کارخانه اخراج می کنند و ما به دنبال کار دیگری نداریم مجبور هستیم در کارخانه کار کنیم. اما اگر بدانیم کارگران دیگر پشت سر ما هستند و ما را در این راه کمک می کنند مبارزه خود ادامه می دهیم. چون در سال ۱۵۴ اعتصاب کردیم و عده ای از کارگران را اخراج می کردند و ما که به خانه ای داشتیم و به پشتیبانی که به فکر زن و بچه ما باشد واداره پذیرفتن تعهد آنها شدیم.

من یک کارگر هستم. مدت ده سال است که در کارخانه نساجی شماره ۲ شاهی بافنده هستم و کارم بسیار طاقت فرساست. ما اگر تقریباً در عرض ۸ ساعت با چهار دستگاه ماشین بافنده کار کنیم. ده هزار تومان محصول بیرون می دهیم و ۱۰۰۰۰ ریال در دستمزد ما روزانه حداکثر ۲۷۰۰۰ ریال ۳۰ تومان است و صبحانه را در دستگاه می خوریم و اگر دو نفر با هم غذا بخوریم سرپرست یا متصدی از این کارمان جلوگیری می کند و نمی گذارد که با هم باشیم چرا که اگر با هم باشیم ممکن است ماشین ها کمی توقف کنند و از این نظر به ما توهین می کند اگر کارگری مریض بشود یا ناراحتی خانوادگی داشته باشد و آن روز کم کار کند و سواست ما را تهدید می کنند. دلیلش این است که آنها منافع خود را می خواهند و اگر کارگری در آخر ماه احتیاج به پول داشته باشد و تقاضای دریافت علی الحساب بکند به او پول نمی دهند. اما اگر رئیس قسمت یا سرپرست تقاضای وام سی هزار تومانی یا پنجاه هزار تومانی بکند، تقاضای او را می پذیرند. مگر ما کارگران نیستیم که در این کارخانه زحمت می کشیم و عرق می ریزیم و انرژی خودمان را در این کارخانه هدر می دهیم؟ چرا باید از حق خودمان محروم باشیم؟

ولی آنها باید بدانند ما کارگران به این زودی از مبارزه ای که در پیش داریم دست بردار نیستیم. ما کارگران سختی های زیادی را تحمل کرده ایم. بعنوان مثال اگر کارگری توی این کارخانه می آمد، یک سال ونیم او را بعنوان کارگر موقت می شناختند و می گفتند شما کار کردن با

## نامه سرگشاده کارگران گرما به به وزارت کار و امور اجتماعی

ما مضاعف کنندگان این نامه دوترا

از کارگران گرما به های تهران هستیم. زمانی که به تهران آمدیم یعنی حدود سی چهل سال پیش کارمان همین بوده است. ابتدا چون هردمان تقریباً هماهنگی با هزینه آن روز زندگی مان داشت کارمان را ادامه دادیم. ولی بعداً برای اجحافی که در حقمان گرفتند و هزینه زندگی مان اضافه گشت این رابطه درآمد و هزینه به هم خورد و بطوریکه هزینه زندگی خیلی بیشتر از درآمدمان شد. از طرفی کار دیگری هم بلد نبودیم و مجبور به ادامه این کار شدیم و بازور گوئیها و دشواریهایی که کارفرما در حقمان می کرد هر روز با فقر و فلاکت بیشتر به زندگی ادامه دادیم. چون مانند انسانان آور خانواده هایمان بودیم و ما کارگران متشکل نبودیم. اعتراض کردن همان و کورس نه دادن هفت هشت نفر زن و بچه هایمان همان. تا اینکه متوجه شدیم که هر روز پیرتر و کارآفرینانه تری شویم و تا میانی نیز برای آینده نداریم و فهمیدیم ترسی که کارفرما به شیوه های گوناگون بین ما ایجاد کرده بود، یکی از عوامل فلاکت امروزی ماست. به این خاطر این نامه را نوشتیم کارفرمای ما صاحب شش حمام و ساختمان و املاک فراوان است که در سه تالی این حمامها با شخصی که وضعی نظیر ما را دارد

شریک است. آنها که تا این زمان با انواع دوز و کلک های خاص خودشان خون ما را مکیده اند و روز بروز از این طریق به سرمایه های خود اضافه کرده اند، مدت ۱۲ ماه است که حق بیمه ما را در حالی که از حقوق ما کم می کنند به بیمه های اجتماعی نمی پردازند. لذا دفترچه های درمانی ما بی اعتبار شده است. چند بار به کارفرما رجوع کرده ایم و از او توضیح خواسته ایم که به چه دلیل لیست را درنگ کرده اید. جواب سر بالا بما داده است. ولی نتیجه ای عایدمان نشده است. آیا این است حکومت و دولت زحمتکشان؟ از نظر شما آقای وزیر کار زحمتکشان ما هستیم یا کارفرماها یا همان زبیران این دوران حکومت دولت انقلابی هنوز آنها به مکیدن خونهای ما ادامه می دهند و بی اعتنائی شما به این مسئله در حقیقت پشتیبانی کردن از آنهاست. آخر ما از کجا باوریم تا خود را معالجه کنیم؟ ما که بر اثر استثمار کارفرما به بیماریهایی پا در دوستان خود در دو بدافقت دچار گشته ایم.

## کارفرمای شرکت فریجان حکم وزارت کار را کاغذ باطله میدانند

نپرداخته است. کارگران تا به حال دوباره وزارت کار مراجعه کرده اند و هر دو بار با حضور نماینده کارفرما محکمی مبنی بر پرداختن بدهی های شرکت به کارگران صادر شده است. اما محمد تقصیری در خانه اش مخفی شده و طی نامه ای به رای وزارت کار اعتراض کرده است. اما با اینکه اعتراض او پذیرفته نشده اقدامی هم در جهت اجرای این حکم بعمل نیامده است.

کارگران فریجان ساختمانی "فریجان برای تعیین تکلیف با کارفرما در مورد بازگشت به کار و دریافت حقوق عقب افتاده در محل شرکت متحصن شدند. کارگران این شرکت بیش از چهار ماه است دستمزد دریافت نکرده اند. محمد تقصیری صاحب شرکت که از بهمن ماه کار شرکت را متوقف کرده حاضر به شروع کار نیست. وی هنوز دستمزد وعیدی عقب افتاده سال ۵۷ را به کارگران

# پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

### تاریخچه جنبش کارگری جهان

## تشکیل اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس)

### قسمت اول : اعتلای جنبش انقلابی در فرانسه

#### مقدمه

در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ میلادی ( ۲۷ اسفند ۱۲۵۰ هجری شمسی ) پرولتاریا و مردم زحمتکش پاریس قهرمانانه قیام کردند و در میان آتش و خون اولین حکومت کارگری جهان ( کمون پاریس ) را بوجود آوردند . این نخستین کوششی بود که برای سرنگونی بورژوازی و استقرار حکومت پرولتاریا صورت گرفت . قیام پاریس سرفصل تمام آن انقلابات عظیم اجتماعی است که با هدف رهایی بشریت از بند جامعه طبقاتی صورت گرفته است . در حالی که در پاریس جنگ بیدامی کرد مارکس آموزگار پرولتاریا جهان نوشت :  
" حتی اگر کمون پاریس سرکوب شود مبارزه تنها قدری به تاخیر خواهد افتاد ... سرنوشت کمون پاریس هر چه باشد ، این قیام در جهان تاثیر شگرفی برجای خواهد گذاشت ."

گذشت زمان صحت این پیش بینی دایمانه را به ثبوت رساند .

### جنگ فرانسه - آلمان

از زمان حکومت لوئی بناپارت ( ناپلئون سوم که در ۱۸۵۱ با کودتای خود را امپراتور فرانسه خواند ، سرمایه داری در فرانسه بطور قابل ملاحظه ای توسعه یافت . این امر فقر روز افزون پرولتاریا و توده های وسیع مردم فرانسه را موجب شد . ناپلئون سوم بمنظور حفظ منافع اشرافیت مالی و بورژوازی ( سرمایه داری ) بزرگ ، دستگاه ارتش ، پلیس ، بوروکراسی ( دستگاه اداری ) را در ابعادی وسیع گسترش داد . از این نیروها در داخل کشور برای سرکوب و استثمار مردم و در خارج برای دست زدن به جنگهای توسعه طلبانه و غارت خلق های کشورهای کوچکتر استفاده می شد . این جنگهای توسعه طلبانه لطمات جانی و مالی سنگینی در برداشت که البته قربانیان این جنگها ( خواه از نظر جانی و خواه از نظر فشار اقتصادی ) زحمتکشان بودند .

بعدها بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷ - ( ۱۲۳۶ هجری شمسی ) اروپا شاهد اوج گیری تدریجی مبارزات و مقاومت مردم این قاره و در راس آن طبقه کارگر فرانسه بود . یک سری اعتصابات کارگری در سال ۱۸۶۹ قدرت ارتجاعی طبقات حاکم در فرانسه را پیش از پیش متزلزل کرده بود . ناپلئون سوم بمنظور منحرف کردن ذهنان عمومی و جلوگیری از انقلاب ، در صدد

سرافروختن آتش جنگ در خارج از مرزها بود . اما جنگ بر علیه چه دولتی؟ ناپلئون سوم دولت پروس را انتخاب کرد . این جنگ می توانست جاه طلبی های جنون آمیز و دیرینه هیئت حاکمه فرانسه را ارضاء کند . فرانسه از یکسو چشم طمع به منطقه " رنانه " داشت و از سوی دیگر در نظر داشت بمنظور حفظ تسلطش بر اروپا از وحدت آلمان جلوگیری کند .

اماد رآلمان ، ضرورت زمان چپیز دیگری بود . این کشور به علت غلبه نظام ملوک الطوائفی به " دول " متعدد و مستقل تقسیم شده بود . این وضعیت بشدت به رشد سرمایه داری در این کشور لطمه می زد . بورژوازی بزرگ آلمان بی صبرانه مشتاق تحقق یافتن وحدت آلمان بود . در سال

۱۸۶۱ بیسمارک صدراعظم پروس شد و سیاست خون و آهن " را که مبتنی بر قتل عام مردم در داخل و جنگ افروزی در خارج بود ، با شدت هر چه بیشتر دنبال کرد . به این ترتیب بود که بورژوازی بزرگ و مالکان بزرگ آلمان بمنظور تضعیف فرانسه و اشغال الزاس و لورن در پی جنگ با این کشور بودند . در چنین اوضاع و احوالی بود که در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ میلادی ( ۱۲۴۹ هجری شمسی ) دولت های فرانسه و آلمان درگیر جنگ شدند . در این جنگ ارتش فرانسه دچار شکستهای پی در پی شد و ارتش آلمان توانست وارد خاک فرانسه شود . سرانجام ناپلئون سوم در دوم سپتامبر در نبرد " سدان " کاملاً شکست خورد و تسلیم شد .

هنگامیکه خبر تسلیم ارتش فرانسه در نبرد " سدان " به پاریس رسید خشم شدیدی مردم را فرا گرفت . روز ۴ سپتامبر قیام در پاریس آغاز شد . کارگران و زحمتکشان و سربازان در شهر سنگرهای خیابانی برپا کردند و خواستار سرنگونی امپراطوری و شروع جنگ مقاومت شدند . توده های انقلابی قصر سلطنتی را محاصره کردند و بعد از حمله به مجلس نمایندگان و اشغال شهرداری ، سقوط امپراطوری و استقرار جمهوری پاریس کار آمدن دولت موقت را اعلام کردند . امپراطوری فرانسه همچون یک قصر مقاوم فرو ریخت و جمهوری سوم متولد شد . اما کارگران بعزت عدم آگاهی در آن زمان نتوانستند ماهیت حزب بورژوازی جمهوریخواه را که حکومت را بدست گرفته بود ، دریابند . به این ترتیب بورژوازی موقت شد قدرت را بدست گیرد . " تروشو " ژنرال مرتجع ارتش ناپلئون سوم در راس دولت موقت قرار

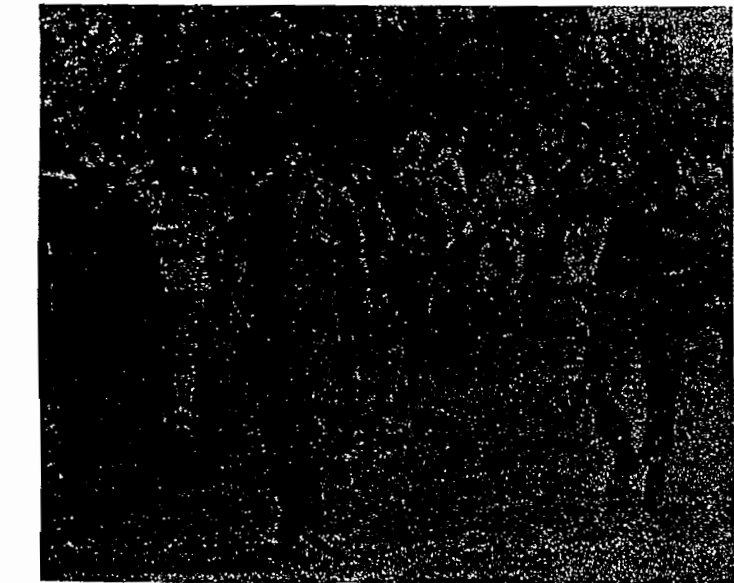


اعلام تشکیل اولین حکومت کارگری (کمون پاریس) در میدان جلوی هتل "دوویل" ۲۸ مارس ۱۸۷۱

### تشکیل دولت موقت

## دمکراتیک انقلابی نیکاراگوئه

جنبش انقلابی خلق نیکاراگوئه به رهبری جبهه آزادی بخش ساندنیستا در نقطه اوج نبرد انقلابی است . همچنان که در اواخر شنیده ایم بخشهای وسیعی از کشور نیکاراگوئه آزاد شده و نبرد در بخشهای زیر سلطه سوموزای دیکتاتور و عامل امپریالیسم به شدت ادامه دارد . از طرف انقلابیون حکومت موقتی



پس از تسخیر لئون به وسیله چریک های ساندنیست تعدادی از افسران و سربازان گارد سوموزا دستگیر شده اند .

گزارش شاهدان عینی جنگ شدیدی در چی چو کالیا و چپانندکاجریان دارد . و چریکها اکثر مناطق این دو شهر را تحت کنترل دارند و پادگانهای محلی را در محلی در محاصره چریکهاست .

چریکها دوشهر مهم شمالی رانیس تحت کنترل خود در آورده اند . سخنگوی گارد ملی سوموزا نیز تأیید کرد که چریکها دهکده های پناس بلاناکاس واقع در مرز کوستاریکا و ساپوا را در تصرف خود دارند . بر طبق گزارش خبرنگار راپر

قسمتهای شرقی ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه در اختیار چریکهاست و آنها سر فرماندهی موقت خود را در آنجا دایر کرده اند .

چریکها نسبت به اوضاع بسیار خوشبین هستند و یکی از آنها گفت که دوران سوموزا دیگر سر آمده است و تکلیف رژیم او در ظرف چندین روز و نه چندین هفته تعیین خواهد شد . " جولیولویز " یکی از رهبران جنبش متحد خلق به یکی از خبرنگاران که به ستاد سر فرماندهی موقت چریکها واقع در شرق ماناگوا رفته بود گفت : " شادمانانه با شما در میان هستیم ، این منطقه آزاد شده است و چریکهای ساندنیست تمامی منطقه را از نظر سیاسی و نظامی کنترل می کنند . " او همچنین گفت : " روحیه گارد ملی درهم شکسته است " .

در خیابانهای مجاور ستاد سر فرماندهی زنها و بچه ها به صدا پیوسته بودند تا مواد غذایی را که توسط چریکها توزیع می شد دریافت کنند .

به گفته یک سخنگوی صلیب سرخ وضعیت درمانگواران بیمارستان رژیم سوموزا خیلی وخیمتر از وضعی است که بعد از زلزله سال ۱۹۷۰ به وجود آمده بود . ( این زلزله اکثر نقاط ماناگوا را به ویرانه های تبدیل کرده بود ) .

یکی دیگر از افرادی که در ستاد سر فرماندهی چریکها در شرق ماناگوا با خبرنگاران مصاحبه کرد " کارلوس نونز " بود . او که ۲۷ سال دارد و یک چریک باتجربه است گفت :

" راه دیگری جز ادامه مبارزه کنونی تا کسب پیروزی نهایی وجود ندارد . " او همچنین گفت : " سوموزا در بیمارستان و کشتار مردم هیچ تردیدی به خود راه نداده و ما فکرنمی کنیم که بقیه در صفحه ۱۱

تحت عنوان دولت دمکراتیک انقلابی تشکیل شده و از دولتهای جهان تقاضای شناسایی کرده است . چند صباحی پیش از عمر رژیم سوموزا باقی نمانده است . خلقهای جهان هر آن انتظار بقوط این رژیم و پیروزی قطعی خلق نیکاراگوئه به رهبری جبهه آزادی بخش ساندنیستا را دارند .

این پیروزی خلقهای جهان را سخت شادولی امپریالیستها و بخصوص



امپریالیسم امریکا را سخت خشمگین کرده است . امپریالیسم امریکا که اینک مرگ حکومت دست نشانده خود یعنی سوموزا را نزدیک می بیند می خواهد با روی کار آوردن یک حکومت سازشکار با چهره لیبرال منافع خویش را حفظ کند .

در همین رابطه است که سعی دارد با اعزام " سپاه صلح " به نیکاراگوئه مانع پیروزی خلق به رهبری جبهه ساندنیست شود . در زیر گزارشی از نبردهای چند روز اخیر در جبهه جنگ نیکاراگوئه رامی آوریم

### مخالفت با رژیم جزیره دومینیکا اوج میگردد

اعتصابی که از ۹ خرداد به دعوت رهبران اتحادیه های کارگری آغاز شده است تقریباً تمام فعالیتهای اقتصادی این جزیره کوچک واقع در دریای کارائیب را متوقف کرده است . اعتصابیون خواستار استعفا یا تریک جان " نخست وزیر " این جزیره شده اند . برای اطلاع بیشتر به " کار " شماره ۱۵ مراجعه کنید .

### توضیح دو اشتباه :

در کار شماره ۱۵ نام این جزیره " دومینیکا " ذکر شده و نام صحیح آن " دومینیکا " است ( با جمهوری دومینیکا اشتباه نشود ) . پایتخت این کشور " روسا " است که اشتباهاً " دوسیا " نوشته شده است .



# تاریخچه و منشاء رویزیونیسم در جنبش کمونیستی (۱)

بیش از نیم قرن پیش، یکی از کسانی که سالها بود زیر پوشش طرفداری از مارکسیسم، اصول مسلم مارکسیسم را کهنه می خواندومی کوشید تا جنبش کارگری را به انحراف کشاند، دولت کارگری شوروی را سرمایه داری دولتی نامید. این شخص همان کارل-کائوتسکی بود که نین برای افشای خیانتش ای او و یارانیش که خود را ادامه دهندگان راه مارکس وانگلس قلمداد می کردند، اما عملا همه اصول انقلابی مارکسیسم را تحریف کرده و یا مورد تجدید نظر قرار داده بودند، سالها مبارزه کرد و در آثار خود به ویژه "دولت و انقلاب" و "انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد" چهره واقعی آنان و پایگاه طبقاتی آنان را نشان داد و بی پایگی عقاید و نظرات آنها را به اثبات رساند.

کائوتسکی و بسیاری از رهبران حزب سوسیال-دموکرات آلمان و دیگر کشورهای اروپایی، امکان انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگران را در روسیه غیرممکن می دانستند و می گفتند از آنجا که سرمایه داری در روسیه رشد کافی نکرده و سطح تکامل نیروهای مولد به درجه ای که برای انقلاب سوسیالیستی لازم است نرسیده، بنابراین امکان موفقیت انقلاب سوسیالیستی در روسیه وجود ندارد. البته آنها دلایل دیگری نیز می آوردند که مافعلاً از ذکر آنها صرف نظر می کنیم.

پس از پیروزی انقلاب کبیراکتبر و استقرار حکومت شوراهای سوسیال-دموکراتها این حکومت را در مقایسه با دموکراسی بورژوازی گامی به عقب خواندند. یکسال و نیم پس از انقلاب اکتبر، کائوتسکی اتحاد جماهیر شوروی را "سرمایه داری دولتی" نامید و گفت که اینک "طبقه جدیدی از بورژوازیها بر شوروی حکومت می کند.

آثارشستهای روسیه نیز پس از به قدرت رسیدن طبقه کارگر در شوروی اعلام داشتند که در این کشور "دیکتاتوری حزب" حاکم شده است. آنها بر این گفته با کونین که دولت را سرچشمه همه ستمهای اجتماعی می دانست تاکید کرده و با دولت کارگران به دشمنی برخاستند. پس از آنکه دولت اتحاد شوروی سیاست اقتصادی جدید "خود را اعلام کرد (۱۹۲۱) گرایشهای چپ روانه انترناسیونال سوم (بین الملل سوم) نیز این سیاست را گامی در جهت تقویت

## تشکیل دولت موقت ...

سوموزا به میل خودش قدرت را رها کند. او فقط به وسیله زور تسلیم خواهد شد و در نتیجه ما مجبوریم از طریق یک مبارزه مسلحانه انقلابی به پیروزی برسیم؛ او همچنین امکان مداخله قدرتهای خارجی را رد کرد و گفت: اگر نیروی خارجی مداخله کند مبارزه همچنان ادامه خواهد یافت. در جنوب نیز یک ستون ۷۰۰ نفری از چریکها برای تصرف "ریواس" مبارزه می کنند. آنها در حال حاضر قسمتهایی از حومه شهر را در کنترل خود دارند.

هفته گذشته جنبه آزادی بخش ملی-سندینیستاینج نغز را به عنوان اعضا تشکیل دهنده دولت موقت "شورای انقلابی" معرفی کرد. هدف این شورای انقلابی موقت، سرنگونی سوموزا، انجام انتخابات آزاد و برقراری یک دولت "اتحاد ملی" است. یکی از اعضا گروه پنج نفری به نام مویس (موسی) حسن که پروفسور دانشگاه است و ۳۷ سال دارد، گفت: "دولت موقت واقعا است که وزارت کشوری نابود شده و مقروض خواهد بود و

# تئوری «سوسیال امپریالیزم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۱)

نخستین پرچمدار رویزیونیسم با تجدیدنظر طلبی در اصول اساسی و جهانشمول مارکسیسم، برنشتین (۱۸۵۰-۱۹۳۲) از اعضا حزب سوسیال دموکرات آلمان بود. برنشتین زیر پوشش تکامل مارکسیسم به مبارزه با مارکسیسم برخاست و با اعلام این مطلب که آموزشهای مارکس نیاز به اصلاح و تجدیدنظر دارد، پرچم رویزیونیسم را برافراشت. لنین برنشتین را کاملترین نمونه تجدیدنظر طلبی (رویزیونیسم) معرفی کرده است به همین دلیل است که رویزیونیسم را "قانون برنشتین" نیز می خوانند.

پس از مرگ انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) برنشتین و کائوتسکی رهبری انترناسیونال را بدست گرفتند و با تمام قدرت خود به اصول اساسی و عام مارکسیسم حمله کردند. این دوتن و هواداران آنها با قلب و تحریف مارکسیسم چنین وانمود می کردند که اصول مارکسیسم کهنه شده است.

در انترناسیونال دوم (بین الملل-دوم) کائوتسکی و برنشتین همه اصول اساسی مارکسیسم را مورد تجدیدنظر قرار دادند. این دودر حوزه سیاسی، اصول مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا را که از مهمترین اصول مارکسیسم است، کهنه شده اعلام کردند و کوشیدند "سازش طبقاتی" و "گذار مسالمت آمیز" را جانشین دیکتاتوری پرولتاریا و تسخیر قهر آمیز قدرت سیاسی کنند. در حوزه فلسفی نیز، رویزیونیست های بین الملل دوم، فلسفه های ارتجاعی را در برابر ماتریالیسم دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی قرار دادند و حتی در حوزه اقتصاد سیاسی نیز نظریه "ارزش اضافی" را مورد تجدید نظر قرار دادند. لنین پیشوای بزرگ پرولتاریا تلاشهای خستگی ناپذیر بارویزیونیسم به بیکار برخاست. هر روز شکستی تازه بر آن وارد ساخت و سرانجام در جریان این مبارزات، مارکسیسم به مارکسیسم-لنینیسم تکامل یافت.

هگل گرایان چپ معروف بودند، تصفیه حساب کردند و در اواخر دهه ۴۰ در زمینه اقتصاد سیاسی با افکار انحرافی پرودون اقتصاددان فرانسوی که در جنبش کارگری فرانسه از نفوذ زیادی برخوردار و رهبری سوسیالیستهای فرانسوی را به عهده داشت، به مبارزه برخاستند. در دهه ۱۸۶۰ مارکس وانگلس با آثارشستها (هرج و مرج طلبان) که جنبش کارگری را به انحراف می کشاندند مبارزه کردند. آثارشستها سرانجام از انترناسیونال اول (بین-الملل اول) اخراج شدند. در دهه ۱۸۷۰ یک معلم آلمانی به نام "دورینگ" به جنگ مارکسیسم می آید اما او نیز نتواند در برابر منطق نیرومند مارکسیسم تاب بیاورد و نفوذ خود را که از آغاز هم اندک بود، از دست می دهد. در اواخر دهه ۷۰، دیگر مارکسیسم بر اکثر ایدئولوژی های بورژوازی که در جنبش کارگری خود نمایی می کردند غلبه کرده بود و اعتبار آن در جنبش کارگری به سرعت روبه فزونی بود.

از این پس برای بورژوازی بهترین راه مبارزه با مارکسیسم، پذیرش مارکسیسم و نفوذ در جنبش کمونیستی بود. بورژوازی از این مرحله به بعد می کوشد قیام مارکسیسم به تن کند و به بهانه تطبیق خلاق اصول مارکسیسم با شرایط جدید در احکام و قوانین عام آن تجدید نظر کند و بدینسان رویزیونیسم یا "تجدیدنظر طلبی" در جنبش کمونیستی پایه عرصه وجود می گذارد. لنین در "مقدمات تاریخی آموزش کارل مارکس" چنین می نویسد: "دیالکتیک تاریخ به گونه ای است که پیروزی مارکسیسم در زمینه تئوری دشمنان آن را و می دارد قیام مارکسیسم به تن کند. لبرالیسم که از درون پوسیده است می کوشد در قالب سوسیالیسم، سوسیالیستی جانی تازه بگیرد. مادر بخت های آینده در باره چگونگی نفوذ ایدئولوژی های بورژوازی در جنبش کمونیستی و بطور کلی سرچشمه رویزیونیسم توضیحات بیشتری خواهیم داد.

از نیمه نخست قرن نوزدهم، تضادهای جوامع سرمایه داری روز به روز شدت بیشتری می باید و طبقه کارگر که رسالت به گور سپردن سرمایه داری و رهایی انسان را از قید استثمار به عهده دارد، مبارزات خود را پیوسته شدت می بخشد. همراه با اوج گیری مبارزات طبقه کارگر در اروپا، پندارهای خیال-پردازانه کسانی که سازش طبقاتی و اصلاح پذیر بودن سرمایه داران و سرمایه داری را وعظ می کردند، به تدریج اعتبار خود را از دست می دهد و مارکسیسم یا ایدئولوژی طبقه کارگر که برواقعیتهای انکارناپذیر جامعه و بر آخرین دستاوردهای علم و فلسفه آن زمان استوار است، از دل جنبش کارگری پایه میدان می گذارد. از آغاز پیدایش مارکسیسم، سرمایه داری در هر فرصتی و با هر وسیله ای که در اختیار داشت، برای جلوگیری از ترویج و تکامل مارکسیسم و بی اعتبار ساختن آن تلاش کرد.

پروفسورهای خود فروخته و عالم نمایان دست آموز و جیره خوار سرمایه داری تقریباً از آغاز تولد مارکسیسم تا به امروز، برای مبارزه با مارکسیسم دهها و بلکه صدها کتاب من در آوردی و مبتذل اختراع کردند. در طول این مدت، حتی اگر بی ذوق ترین و بی استعدادترین آدمها نیز لباس بی قواره مبارزه با مارکسیسم به تن کردند و شمیر زنگ زده دفاع از سرمایه داری را برداشتند، مورد پشتیبانی خدایان سرمایه داری قرار گرفتند و هنوز هم چنین است. لیکن مارکسیسم با دانش طبقه کارگر و این یگانه دشمن واقعی استثمار یک تنه با همه نظریه ها و فرضیه های ارتجاعی جنگید و در هر نبردی که با مدافعان سرمایه داری به انجام رساند تکامل یافته تر و آبدیده تر از پیش آمد. کارزارهای بعدی و نبردهایی شد. در نیمه نخست دهه ۱۸۴۰، مارکس وانگلس که به زودی به عنوان پیشوای پرولتاریای جهان و بنیانگذاران اصول مارکسیسم شناخته شدند، با ایده آلیست های پیرو هگل که به

## دستگیری رهبران اتحادیه های کارگری استرالیا ادامه دارد

داد. دولت استرالیا چند سال قبل به کمک پلیس کشور و حمایت سرمایه داران بزرگ انگلیس و آمریکا از طریق یک "شبه کودتا" به روی کار آمد. ۵۰٪ سرمایه گذارهای صنایع سنگین استرالیا به آمریکا اختصاص دارد. کارگران استرالیا که اگر دادگاه کارگران دستگیر شده را مجرم بشناسد حکم دادگاه را به رسمیت نخواهند شناخت.

تعداد رهبران اتحادیه های کارگری که ظرف دو هفته اخیر توسط پلیس استرالیا دستگیر شده اند به ۱۰ نفر می رسد. کارگران قرار است بعنوان اعتراض به دستگیری رهبرانشان دست به اعتصاب بزنند. نخست وزیر استرالیا با خودداری از تقاضای کارگران مبنی بر رسیدگی به وضعیت کارگران دستگیر شده ماهیت ضد کارگری خود را نشان

معدنچیان اسکاتلند تقاضای ۶٪ اضافه دستمزد کردند. اسکاتلند معدنچیان اسکاتلند تقاضای ۶٪ اضافه دستمزد کرده اند. و اخبار کرده اند که در صورت پذیرفته نشدن درخواستشان دست به اعتصاب خواهند زد. اگر تقاضای این کارگران پذیرفته شود، حقوق آنها به ۱۴۰ پوند در هفته (معادل ۲۱۰۰ تومان) خواهد رسید. معدنچیان اسکاتلندی از مبارزترین کارگران بریتانیا هستند.

اعتصاب و تظاهرات صدها هزار کارگر در هلند روز سه شنبه ۲۹ خرداد صدها هزار کارگر به خاطر اعتراض به تقلیل بودجه خدمات عمومی دست به اعتصاب بکروزه زدند. در همین روز حدود پنجاه هزار کارگر دست به راهپیمایی باشکوهی زدند. این تظاهرات و اعتصابات به دعوت اتحادیه های کارگری انجام شد. در نتیجه این اعتصاب سرویسهای اتوبوس و سایر خدمات عمومی دچار اختلال شدند. این تظاهرات دومین تظاهرات در نوع خود در طول سال جاری بوده است.

## حداقل یکماه ...

بقیه از صفحه ۱۲

مصوب ۵۳/۲۷. "هر کارگر به ازای یک سال کار در ششماه اول کار برای هر ماه کار بکروز و در ششماه دوم کار برای هر دو ماه بکروز که مجموعاً از نه روز تجاوز نخواهد کرد حق استفاده از مرخصی با دریافت مزد و یا حقوق خواهد داشت."

کارگران ماهیکپر که در کشتی های ماهیکبری بکار اشتغال دارند به ازای هر سی روز کار حق استفاده از دوازده روز مرخصی با دریافت مزد را خواهند داشت. وجود چنین بهره کشی های شدید و تلاش زیاد برای محدود کردن ایام مرخصی کارگران و در حقیقت سعی در کاهش عمر کارگران از خصوصیات سرمایه داری وابسته در کشورهای تحت سلطه از جمله ایران است. و همین شرایط مناسب است که سرمایه داران خارجی را چنان مشتاق سرمایه گذاری در ایران کرده است. اما کارگران مبارز مأموریت است که با چنین بهره کشی شدیدی مبارزه می کنند. بخصوص اکنون که با قیام قهرمانانه خود رژیم دیکتاتوری پهلوی را سرنگون کرده اند و آگاهی و تشنگی آنها از جمله در شوراها به میزان زیادی افزایش یافته است، با تمام قوا می خواهند که اولاً حقوق ابتدائی آنان به رسمیت شناخته شود و ثانیاً این تبعیض ها از میان برداشته شود و همه کارگران و کارمندان از مدت یکسان مرخصی سالانه (حداقل یکماه در سال) استفاده کنند.

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

# محکومیت غیابی شاه مخلوع را پذیرفت

دولت موقت انقلاب اسلامی ایران  
وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات  
شماره ۶/۸۹۰-۶/۲۴  
تاریخ ۵۸/۳/۲۷  
پیوست

بسمه تعالی

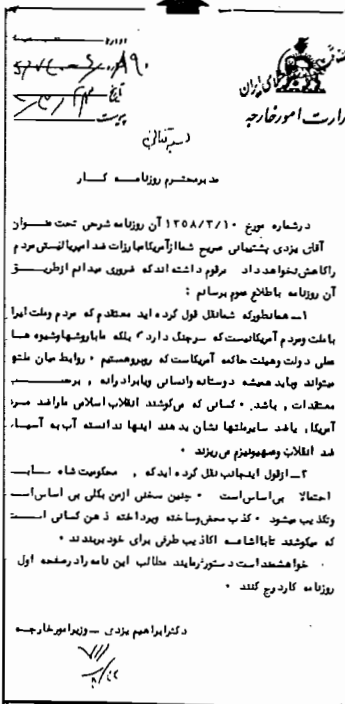
در شماره مورخ ۱۵/۳/۵۸ آن روزنامه شرحی تحت عنوان "آقای یزدی: پشتیبانی صریح شما از آمریکا مبارزات ضد امپریالیستی مردم راکاهش نخواهد داد" مرقوم داشته‌اند که ضروری می دانم از طریق آن روزنامه به اطلاع عموم برسانم.

۱- همانطوریکه شما نقل کرده‌اید معتقدم که مردم و ملت ایران با ملت و مردم آمریکا نیست که سرچنگ دارد، بلکه ما با روشها و شویبه‌های عملی دولت و هیئت حاکمه آمریکا است که روبرو هستیم. روابط میان ملت‌های توانمند و پدیده‌های دوستانه و انسانی و یابرادارانه، بر حسب معتقدات، باشد. کسانی که می‌کوشند انقلاب اسلامی ما را ضد مردم آمریکا، یا ضد سایر ملت‌ها نشان بدهند اینها ندانسته‌اند که با آسیاب ضد انقلاب و صهیونیسم می‌ریزند.

۲- از قول اینجانب نقل کرده‌اید که محکومیت شاه سابق احتمالی اساس است. چنین سخنی از من بکلی بی اساس است و تکذیب می‌شود. کذب محض و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که می‌کوشند تابا اشاعه آکاذیب طرفی برای خود برینند.

خواهشمند است دستور فرمایند مطالب این نامه را در صفحه اول روزنامه کار درج کنند.

دکتر ابراهیم یزدی - وزیر امور خارجه



درباره روابط میان ملت‌ها البته همانگونه که آقای یزدی گفته‌اند روابط میان ملت‌ها می‌تواند و باید دوستانه باشد. در این شکی نیست ولی همه می‌دانند که اسناد فعالیت‌های جنایتکارانه سازمان جاسوسی "سیا" در مبین ما حتی در منطقه و نیز بیرونه مزدوران داخلی وابسته به سازمان سیا و سازمان جاسوسی اسرائیل همانطور که آقای یزدی خود گفته‌اند زیر نظر ایشان و همکاران ایشان است، و باید که هر دو زحمتکش ایران جنگلی خواستار افشای این پرونده‌ها هستند، آقای یزدی و زحمتکش ایران جنگلی خواستار افشای دیگر دست اندرکاران دولت از انتشار این اسناد جلوگیری کرده‌اند. حالاً معلوم نیست ایشان این کارها را برای رضای خاطر مردم آمریکا می‌کنند یا امپریالیزم آمریکا.

عناصر ساواکی و کسانی که به سازمان‌های جاسوسی "سیا" و "موساد" وابسته بوده و سال‌ها به این مملکت خیانت کرده‌اند، هنوز در میان مردم هستند و اکثریت آنها هنوز برای مردم ناشناخته باقی مانده و اگر شناخته نشوند امپریالیسم دوباره می‌تواند از همین عناصر برای توطئه‌های خود استفاده کند و باز میدانیم که پرونده همه اینها در نخست وزیری وزیر نظر آقای یزدی نگهداری می‌شود. چرا از انتشار نام این عناصر جلوگیری می‌شود؟ برای حفظ پیوند "ملت آمریکا" با "ملت ایران"؟

قراردادهای محرمانه امپریالیسم آمریکا و دولت شاه و روابط شاه با صهیونیسم جهانی تاکنون برای مردمی که رژیم شاه را سرنگون کرده‌اند و حق دارند از ماهیت این قراردادهای غارتگرانه باخبر شوند، فاش نشده است و تازه هر وقت هم صحبت از لغو این قراردادهای خودویر خارجه فوراً یکی دو قرارداد را که به ادعای ایشان لغو شده‌اند سود مردم ایران نیست "عنوان می‌کنند و به این ترتیب می‌کوشد در ذهن مردم این توهم را ایجاد کند که لغو شده‌ها قرارداد اسارت بار، غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیسم به سود مردم ایران نیست و لابد همه این کارها برای حفظ پیوند "ملت ایران و آمریکا" است.

آقای وزیر خارجه! مشکل شما این است که مردم ما پس از این همه مبارزه دیگر یاد گرفته‌اند که افراد رانه بر حسب آقای وزیر - مشکل شما این است که مردم ما پس از این همه مبارزه دیگر یاد گرفته‌اند که افراد رانه بر حسب ادعاها و گفته‌هایشان بلکه بر پایه اعمالشان قضاوت کنند بنابراین هر چه شما دوستی دولت ایران و آمریکا دم بزنید، باز هم مردم مقصود اصلی شما را می‌فهمند. وزیر خارجه و همکارانشان بارها

# وسيله‌ای جدید برای سرکوب کارگران

دخالت کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای کارکنان در مدیریت موسسات و انتصابات می‌شود، فوراً درمی یابیم که وزارت کار تلاش می‌کند که به هر قیمت شده دستاوردهای انقلابی کارگران و دیگر زحمتکشان را نابود کند.

مسئول می‌کنیم مگر همین کمیته‌های اعتصاب و شوراهای نبودند که به هنگام اوج گیری مبارزه خلق ما بر علیه رژیم مزدور شاه، مبارزه را در سطح کارخانه‌ها و موسسات دیگر رهبری می‌کردند؟ درست در لحظاتی که محافظه کاران در خانه نشسته بودند و یابرای سازش با رژیم شاه چانه می‌زدند، همین کمیته‌ها و شوراهای سرخستانه در برابر رژیم ایستادگی کردند. پس اکنون که رژیم سرنگون شده کارگران حق دارند خود حاکم بر سر نوشت خویش باشند، شورا داشته باشند و انتصابات دولت را نپذیرند. در بند ۴ ماده ۲ نوشته شده است که:



این گروه ویژه چگونه چیزی است؟ تکند قصد دارند یک اداره حفاظت جدید و یبیا شاخه‌های از یک ساواک جدید در ادار کارخانه‌ها ایجاد کنند؟ از محتوای این تصویب نامه چنین بر می‌آید که این نیروی ویژه وظیفه دارد که نقش ساواک و پلیس را در کارخانه‌ها بازی کند و چماقی است بالای سر کارگران. زیرا که در ماده دو این تصویب نامه نوشته شده است:

۱- وظایف نیروی ویژه عبارتست از: ۱- مراقبت و تنظیم و انتظام کارگاهها و کارخانه‌ها.

۲- ممانعت از دخالت افسراد سازمانهای غیر مسئول در امور کارگاهها.

۳- اجرای دستورهای مقامات صلاحیتدار از وزارت امور اجتماعی در تأمین مقاصد مذکور در ماده یک.

۴- جلوگیری از تحریک عوامل ضد انقلاب و تعطیل کارگاهها.

۵- جلوگیری از دخالت‌های کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای کارکنان و نظائر آن در مدیریت موسسات و انتصابات از آنجایی که تا بحال پیش نیامده که وزارت کار دستور صادر کند که بنبغ کارگران باشد پس وقتی که نوشته می‌شود اجرای دستورهای مقامات وزارت کار منظور اجرای همان دستوراتی است که به نفع سرمایه داران و به زیان کارگران است. و یا وقتی که صحبت از جلوگیری از

به نظرمی رسد که در یکماه گذشته دولت و تمام وزارتخانه‌های که بنحوی با کارگران ارتباط دارند، همه فعالیت‌های خود را کنار گذاشته‌اند تا حساب خود را با طبقه کارگر تصفیه کنند. بنابراین بی‌دری بخش‌نامه‌هایی که محتوای ضد کارگری آنها بر همه کس روشن است صادر می‌شود. یک روز دولت، روز دیگر وزارت کار، بعد از ادسرای انقلاب اسلامی (و معلوم نیست، شاید فردا هم ارتش و پلیس و ...). به‌رحال علت صدور این بخش‌نامه‌ها کاملاً روشن است، دولت باید از سرمایه‌داران دفاع کند و یاز کارگران و چون دولت از سرمایه‌داران دفاع می‌کند بنابراین در جهت تأمین منافع آنها می‌کوشد که ابتدا انقلابی ترین طبقه یعنی طبقه کارگر را سرکوب کند و سرچایش بنشانند و سپس با خیال راحت بدون در دسترس و صد وظیفه خدمتگزاری به سرمایه داران رانجام دهد. و غالب است که در همه این بخش‌نامه‌ها نیز صحبت از حفظ "نظم و انتظام" در محیط کارخانه می‌شود، کاملاً روشن است که منظور دولت از حفظ نظم و انتظام این است که کارگران مانند برده تن به استعمار دهند و سرمایه داران مانند گذشته همه کاره باشد و آنها را استثمار کند. طبیعی است که کارگران یک چنین نظام و انتظامی را نخواهند پذیرفت. به‌رحال باز هم چند روز پیش هیئت دولت بنابه توصیه وزارت کار (یا در واقع وزارت کار فرمایان) تصویب کرده است که یک نیروی ویژه تنظیم روابط کار در وزارت کار ایجاد شود تا گویا ضمن مراقبت در نظم کارگاهها و کارخانه‌ها از دخالت افراد و سازمانهای به اصطلاح غیر مسئول در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور جلوگیری شود. در ماده اول این تصویب نامه هدف از ایجاد این نیروی ویژه را نگهبانی روابط کار بر اساس قوانین و مقررات مربوطه ذکر کرده‌اند.

اولاً این سؤال پیش می‌آید که منظور کدام قوانین و مقررات است که وزارت کار اصرار دارد آنها را بر روابط کارگر و کارفرما حاکم کند؟ نظرمی رسد که قوانین مورد نظر همان قوانین و مقررات ضد کارگری گذشته است یعنی همان قوانین و مقرراتی که تماماً منافع کارفرمایان را تأمین می‌کند و نه کارگران را. البته این قوانین و مقررات نه تنها مورد تأیید کارگران نیست بلکه یکی از خواستهای کارگران نابودی همین قوانین و مقررات بوده است. تا نیا این سؤال پیش می‌آید که

همانسانت بین ایران و آمریکا دم می‌زنند، در صورتی که آقای وزیر، مسئله بر سر رابطه است نه عاطفه. رابطه استعمازی رابطه و دشواری‌های سال زیر تسلط کامل نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیزم قرار داده است و این رابطه استعمازی را به بهانه دوستی ملتها منطقی جلوه داد.

و اما در مورد اعدام شاه سابق، نسا آنجاکه در روزنامه‌ها منعکس شده است و پس از آنکه سناي ترمیکا و مقامات دولتی آن کشور به اعدامهای انقلابی و نیز حکم اعدام شاه سابق و فرح اعتراض کرده‌اند، شمام در یک کنفرانس مطبوعاتی که در تاریخ اول خرداد ماه از ایستگاه تلویزیون نیز پخش شد، حکم اعدام غیابی شاه را تلویحاً تکذیب نموده و منکر صلاحیت صادرکنندگان این احکام شدید. مانیز گفته شمارامینی بر "احتمالیی اساس بودن محکومیت شاه مخلوع" از مطبوعات نقل کرده‌ایم و با توجه به صحبت‌های شما وارد ایستگاه تلویزیون یقین می‌دانیم مردم ایران تناقضی گفتار شما با اعلامیه صادره از طرف مسئولین دادگاهها فراموش نکرده‌اند.

حال چنانچه پس از این مدت محکومیت غیابی شاه سابق مورد تأیید شما قرار گرفته است، این مسئله دیگری است و ربطی به گفته‌های قبلی شما ندارد. آقای وزیر، همیشه از علاقمندی مسئولان دولتی

در این باره روشن نشده که منظور دولت از عوامل ضد انقلاب چه کسانی است؟

خلق ما سرمایه داران یعنی همان کسانی را ضد انقلابی می‌دانند که در رژیم گذشته به شدت ترین وجهی کارگران را استثمار می‌کردند و امروز نیز به استثمار خود ادامه می‌دهند. همان کسانی را که با امپریالیست‌ها زد و بند داشته‌اند و به خلق خیانت کرده‌اند.

خلق ما از مبارزه بر علیه این ضد انقلابیون استقبال می‌کند و مگر سر خواستار شده است که کارخانه‌های آنها نیز ملی شود. اما متأسفانه موضع دولت چنین نیست و حتی عکس این است اقدامات دولت در چند ماه گذشته نشان می‌دهد که نه تنها این سرمایه داران خیانتکار را ضد انقلابی قلمداد نمی‌کند بلکه با جنگ و دندان از آنها حمایت می‌کند. به نفع آنها به زبان کارگران بخشنامه صادر می‌کند و بجای افزایش دستمزد کارگران، میلیاردها تومان به سرمایه داران کمک می‌کند. پس روشن می‌شود که در اینجا نیز دولت کارگران را مورد حمله قرار داده است.

این تصویب نامه ضد کارگری باز هم افشاکنده ماهیت ضد کارگری دولت کنونی و نشان دهنده برخورد خصمانه دولت با کارگران است.

# حداقل یکماه مرخصی در سال حق ابتدائی کارگران است

مرخصی سالانه برای ترمیم قوای از دست رفته کارگران باید استفاده کنند و این امر در قانون کار سرمایه داران نوشته شد. در قانون کار ایران هم در تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون کار مصوب اسفند ۳۷ به این صورت آمده است:

"استفاده کارگزاران تمام ایام مرخصی استحقاقی در هر سال الزامی است. اما اکثر سرمایه داران ایرانی که می‌خواهند سریعاً بارشان را ببندند و مبلغ سرمایه گذاری شده را زنده کنند، مرخصی را به معنی سروربان خود می‌دانند و پرداخت آن را زور می‌پندارند. آنها می‌گویند چطور می‌شود که کارگر کار نکند و حقوق یادست‌زد بگیرد؟ با این همه کارگران ما مبارزات خود توانسته‌اند آنها را عقب بنشانند و حقوق ابتدائی خود را بدست آورند و با اضافه کردن حق مرخصی به قانون کار آنرا تثبیت کنند.

کارفرمایان هم که قوه قانونگذاری را در دست داشتند قانون را مطابق نظر خود نوشتند و کافی است که ماتن‌بانه این جنبه‌های آن توجه کنیم:

- ۱- محدود کردن مدت مرخصی. ماده ۱۵ "هر کارگر به ازای ۱۲ ماه کار حق استفاده از ۱۲ روز مرخصی با دریافت مزد خواهد داشت".
- ۲- قائل شدن تبعیض برای کارگران رشته‌های مختلف تولیدی.
- ماده ۱- قانون کار کشاورزی بقیه در صفحه ۱۱

کار سخت و یکناخت، نه تنها جسم را خسته می‌کند بلکه در مدتی طولانی باعث خستگی، بی‌حوصلگی و دل‌مردگی می‌شود. کارگران خسته و دل‌مرد، که از حاصل کار خود نیز بکلی جدا هستند و تنها بخش ناچیزی از ثمره کارشان نصیب خودشان می‌شود در حقیقت زندگی نمی‌کنند بلکه بصورت ماشین‌های متحرکی در می‌آیند که در خدمت برگردن حبیب‌های گشاد سرمایه داران قرار گرفته‌اند. (مارکس) این وضع را "زخود بیگانگی" می‌نامد و می‌گوید "تا زمانی که نظام سرمایه داری وجود دارد این حالت از بین نخواهد رفت و فقط وقتی از بین می‌رود که محصول کار کارگر را خود او صاحب شود".

باید پیش نظام سرمایه داری کارگران برای گرفتن مرخصی به مبارزه برخاستند تا لااقل مدتی محدود از سال را بخود و زندگی خود و خانواده خود اختصاص دهند و زندگی‌شان از یکناختی درآید و در این مدت بقول معروف روح خود را نیز تازه کنند. در ابتدا سرمایه داران به مقابله پرداختند و تن به این کار ندادند. اما به مرور به اصطلاح "علم مدیریت" سرمایه داری به کمکشان آمد و به آنها فهماند که خستگی و بی‌حوصلگی و زدگی کارگر از کار باعث پایین آمدن تولید و بخصوص افزایش ضایعات می‌شود و همین دلیل کارفرمایان که زیر فشار مبارزات کارگران بودند، پذیرفتند از

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# دهها هزار نفر خاطره شهیدای فدائی خلق را گرامی داشتند



گوشه‌ای از اجتماع پرشکوه گرامی داشت شهدای فدائی خلق، در روز جمعه هشتم تیرماه در دانشگاه تهران کسسه مبارزات بی‌امان و خونین رزمندگان راستین خلق را راج نهاد.

بودند. تاکید نمودند. سازمان چریکهای فدائی خلق طی پیامی خطاب به "خلق قهرمان ایران" شهادت و تلاش انقلابی رفقای هم‌رزم خویش را گرامی داشت و آن را مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهنان دانست. در این پیام آمده است: ... ما امروز یادرفقای را گرامی می‌داریم که فدائی بودند و فدائی وارد راه آرمان طبقه کارگر جان باختند. سازمان ادامه دهندگان راه شهیدای هشت تیر، ضمن اعلام پاره‌ای از مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش در جهت تحقق اهداف کنونی جنبش و مارکسیست-لنینیست‌ها به تلاش بیشتر در راه ایجاد وحدت درونی و پیوند سیاسی-تشکیلاتی، با طبقه کارگر

یکبار دیگر آنه‌ها که به آرمانهای انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان وفادارند، یاد پرچمداران جنبش نوین انقلابی را که در راه آرمان‌های طبقه کارگر به شهادت رسیده‌اند، گرامی داشتند. جمعه هشتم تیرماه روز تجدید پیمان آنهاست بود که می‌خواهند پرچم پرافتخار و خونین رزمندگان فدائی، با محو کامل سلطه امپریالیسم و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان برافراشته بماند. در این مراسم باشکوه پیامهای بسیاری از طرف خلقها، سازمانها، گروهها، اقلیت‌ها، کانوینها و موسسات مختلف خوانده شد و همگی با تجلیل از رزمندگان شهیدی که سازش ناپذیر و قاطع در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع به شهادت رسیده‌اند، به ضرورت ادامه انقلاب و راهی که این پیشگامان غازیگرش

# قدرت شوراهای دهقانی فقط در اتحاد زحمتکشان روستاست

هر چه بیشتر بر هشیاری مبارزاتی خود افزودند و چه سازنده خواهد بود اگر تمامی تجربیات و آگاهیهایی گذشته و حال خود را با درک بیشتر سیاسی همراه سازند تا از این طریق بتوانند هر چه بیشتر بر نفوذ عوامل و نوکران زمینداران و سرمایه‌داران غلبه کنند. شوراهای دهقانی که بعنوان یک تشکیلات حافظ منافع زحمتکش ترین افراد روستا به حساب می‌آید، می‌بایست از افراد آگاه و باتجربه و دلسوز و همچنین مورد اعتماد و اطمینان اکثریت اهالی روستا تشکیل شود و انتخاب شدگان در شورا می‌بایست از زحمتکش ترین و محرومترین افراد که در عین حال دارای آگاهی و تجربه نیز هستند باشند. اعضای شورا باید از کسانی باشند که همیشه به دفاع از ستمدیدگان و محرومین برخاسته‌اند. دفتر یاد در انتخاب این قبیل افراد بسیار مهم است. باید با هوشیاری زیاد از نفوذ عوامل و نوکران زمینداران و عناصر ضد مردمی و پاره‌ای ارحق بگیران حرما به - داران که تا تغییر چهره خود را در صفوف زحمتکشان جامی زنند، جلوگیری کرد. مسئولیت شوراهای دهقانی بسیار حساس و سنگین است. از عمده ترین فعالیت‌های اولیه شوراهای دهقانی، صادره تمامی رهنمایان زمینداران بزرگ و متجاوزین بنامی است که در سایه رژیم سابق اهریج تجاوری در حق دهقانان بی‌چیر کوتاهی نکرده‌اند.

کشاورزان محروم و زحمتکش میهنمان در طول زندگی سراسرنج خود همیشه تحت شدیدترین استثمار و وحشیانه مناسبات ارباب رعیتی قرار داشته‌اند. فئودالها و زمینداران بزرگ و روستایی عشایر با پشتیبانی همه جانبه دولتهای مرکزی هیچگاه از هیچ تجاوری در حق دهقانان بی‌چیز فروگذار نکردند. و به این ترتیب کشاورزان محروم قدرتی را بر ترویاتر از قدرت اربابان و زمینداران نمی‌شناختند و هرگاه جانشان به لب می‌رسید و در مقابل قدرت آنان قرار می‌گرفتند، توسط عوامل و نوکران ارباب و با توسط ابزار سرکوب رژیم (ارتش، ژاندارمری و ساواک) به شدیدترین وجهی سرکوب می‌شدند. بارها و بارها روستائیان شاهد بوده‌اند که زمینداران با عوامل و نوکران آنان دستور حبس و شکنجه دهقانان را داده‌اند و یا مخفیانه کمره قتل زحمتکشان بسته‌اند. البته در این رابطه تحقیق و توهین نسبت به روستائیان عملی عادی و طبیعی شده بود. اما روابط ارباب و رعیتی یعنی مناسبات فئودالی سدی در راه توسعه و نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته داخلی شان به شمار می‌رفت. از همین رو برای ایجاد نیروی کار بیشتر در جهت رشد صنایع وابسته امپریالیستی و گسترش بیش از پیش بازار مصرف در سطح روستاها و وضعتا جوی از بروز وسیع جنبشهای زحمتکشان در روستاها به توصیه و با نقشه امپریالیسم آمریکا طرح اصلاحات ارضی فرمایشی در سطح روستاها به اجرا درآمد. البته می‌دانیم حاصل آن چیزی جز عارت همه جانبه تر روستائیان زحمتکش و بی‌خانمانی و سرگردانی آسود در ابتدا کشاورزان ناآگاه امید یادی به این دسیسه امپریالیستی بسته بود و دلی با گذشت چند سال نقشه‌های عارتگرانه امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران و زمینداران وابسته به آن برای روستائیان زحمتکش روشن شد. غمب زمینهای روستائیان و تجاور به جان و مال آنان از راههای گوناگون باعث شد که پس از قیام خونین خلق، کشاورزان محروم میهن به مبارزه بر علیه زورگویان و زمینداران بزرگ که طی چندین سال با رعب و تهدید زمینهای آنان را از چنگشان در آورده بودند و آنان را مورد بهره‌کشی‌های بیرحمانه قرار داده بودند بپردازند. آنان دریافتند که دیگر می‌بایست بر سر نوشت خویش حاکم باشند و حقوق پایمال شده شان را با چنگ و دندان ارجعین بارتانند.

امروز اگر در یک روستا شاهد اشخاصی هستیم که صاحب هزاران هکتار زمین هستند، باید بیاد حقوق پایمال شده زمینهای غمب شده کشاورزان بی‌چیز بفتیم که با انواع حیل و با ابزار کتاب قتل و خونریزیهای متعددی از چنگ دهقانان بدر آورده‌اند و با بهره‌کشی‌های بی‌حساب و طاقت فرسائی که کشاورزان زحمتکش زیر بار آن کمرشان خم شده است روز بروز ثروت بیشتری به جیب زده‌اند. پس صادره زمین این قبیل افراد حق مسلم و قانونی کشاورزان است که بیشتر از همه مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته‌اند. البته قانونی که دیگر نه بدست اربابان بلکه به وسیله زحمتکشان و وسایلی خود آنان تهیه و تنظیم شده باشد و از منافع محرومین دفاع کند.

از جمله وظایف مهم دیگری که شورا با قدرت و نفوذ خود می‌تواند بر عهده گیرد رفع اختلاف روستائیان است که ریشه از گذشته‌های دور داشته و با مسیاشی‌های همیشگی زمینداران و اربابان به آن دامن زده شده است. در حل مشکلات ارضی تقسیم منطقی آن بین محرومترین افراد روستا و با بهره برداری جمعی از آن به وسیله کشاورزان بی‌چیز از نکات حساس و در عین حال ضروری است که کم توجهی به آن می‌تواند در پیشبرد هدفهای شورا اشکالات زیادی را باعث شود. گگاه اختلاف میان روستائیان بر سر مسائل است نظیر استفاده از وسایل کشاورزی صادره شده از زمینداران و با بهره برداری از آب در روستا، که اگر به شکل درستی این مسائل حل نشود در درهای زیادی برای شورا و اهالی روستا ایجاد خواهد کرد از آنجاییکه قدرت شورا ناشی از استحکام صفوف یکپارچه اهالی روستاست، بدیهی است چنانچه خللی بدو حدت زحمتکشان و کشاورزان روستا وارد شود، تفرقه و بقیه در صفحه ۵

بدریج کشاورزان بی‌خبر و ستمدیده دریافتند که موفقیت کامل در این راه تنها با وحدت کلیه زحمتکشان و در راس آن کارگران بدست خواهد آمد. اما ابتدا لازم بود به تحکیم و تقویت صفوف یکپارچه خود بکوشند تا در پیروزی قطعی با تشکیلات اساسی تری به کسب حقوق خود موفق شوند. برای رسیدن به تشکیلات یکپارچه خود پس از قیام دهقانان و سایر زحمتکشان روستا لازم بود ایجاد شوراهای روستایی را دریافتند و بطور مشترک به انتخاب نمایندگان واقعی خود پرداختند.

مبارزات اخیر، به کلیه زحمتکشان شهرها و روستاها تجربیات ارزنده‌ای آموخت و کشاورزان محروم را بر آن داشت که دیگر زیر بار زور و ترس و گول نیرنگها و عوام فریبیهای اربابان و زمینداران سابق رانخورند. آنان

### ما حمله عناصر مرتجع را به گردهمایی

### جبهه دمکراتیک ملی محکوم می‌کنیم

روز جمعه اول تیرماه، جبهه دموکراتیک ملی ایران به منظور اعلام نظر درباره قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان، در زمین چمن دانشگاه تهران گردهمایی برپا کرده بود. این گردهمایی، با حمله عناصر ارتجاعی و ناآگاه به شرکت کنندگان به هم خورد.

ماهیت همه کسانی که تحت پوشش مذهب و شعارهای مذهبی دست به چنین حملات بی‌شرمانه‌ای می‌زنند، بر همگان آشکار است. مسئله دیگری است که مقامات مسئول دولتی کمیته‌ها، پاسداران، شهرتانی با علم و اطلاع از عمل این عناصر کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از حرکات اینان انجام ندادند. در حقیقت این عناصر را کاملاً باز گذاشته‌اند. ظرف ماههای اخیر مردم میهن ما بارها تنگنار خود را از این اعمال ضد دموکراتیک گروههای فشار که مورد حمایت مقامات مسئول هستند، ابراز داشته‌اند و مجازات مسببین این واقعه را خواستار شده‌اند. ما این حملات و اقدامات را که هر روز در سراسر کشور بدست عناصر ارتجاعی و تحریک شده و ناآگاه انجام می‌گیرد تحت هریوشی و هر مستمکی، شدیداً محکوم ساخته و چنین اعمالی را تنها به نفع ایادی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته می‌دانیم

### توضیح درباره کار شماره ۱۷

باپوزش از خوانندگان:

در کار شماره ۱۷، تیترو مقاله صفحه ۱۱-۱۰ روبروی نیم و سوسپال امپریالیسم اشتباه‌های یکدیگر چاپ شده است.

### رفقا و هموطنان مبارز

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمک مالی نیاز دارد

کمک هایتان را می‌توانید به حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

بانک ملی شعبه دانشگاه واریز نموده و یا به کمیته مالی

ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.

امور مالی سازمان

# مستحکم باد وحدت کارگران، دهقانان و زحمتکشان

### کارگران شرکت فریم

### خواستار برکناری

### مدیر عامل توطئه گر شدند

مازندران - شرکت صنایع فریم فریه سنگد، یکی از دهات منطقه "تباقت" در ۲۴ کیلومتری پل سفید مازندران واقع شده است. در این کارخانه حدود ۵۵ نفر کاری کنند. این کارخانه وابسته به دولت است اما کارگران آن رسمی نیستند. کارگران در هنگام قیام به فکر بدست آوردن حقوق حقه خود افتادند و تقاضای حق مسکن کردند که "عابدی" یکی از اعضای هیئت مدیره با آنان مخالفت کرد. ولی کارگران با یکبار چکی و اتحاد توانستند توطئه این عامل ضد کارگر را خنثی کنند و موفق به دریافت حق مسکن شدند. بعد از این جریان کارگران خواستار اخراج عابدی شدند ولی این خواست آنها عملی نشد و عابدی با بیشرمی تمام با صدور بخشنامه‌ای حق مسکن قانونی کارگران را که بملغ ۵۰۰ تومان بود به ۲۳۰ تومان تقلیل داد و بدهی همین علت کارگران با صدور قطعنامه زیر دست به

### کارگران ایران دوجرخ

### عامل کارفرما را از شورا اخراج کردند

قزوین - کارگران کارخانه ایران دوجرخ واقع در قزوین با مطرح کردن شعار "دست عوام را از فرما از شوراها کوتاه کنیم" تصمیم به تصفیه شورا و اخراج یکی از اعضا شورا که ماهیت ضد کارگری دارد، گرفته‌اند. این شخص با عوام فریبی موفق شده بود توجه کارگران را جلب کرده و بعنوان نماینده در کمیته شورا کارخانه انتخاب شود. او که نمایندگی کارگران را بعهده داشت در عمل با خوش خدمتی در مقابل کارفرما علیه منافع کارگران عمل کرده و هنگامی که برای تقسیم خانه‌های مسکونی خالی بین کارگران جلسه‌ای تشکیل شده بود به تقسیم این خانه‌ها اعتراض کرد. سایر اعضا شورا نیز که متوجه طرفداری وی از منافع کارفرما شده بودند خواستار

### خواسته‌های

### کارگران ایران سرعت

تهران - دومین تحصن کارگران و کارمندان شرکت ایران سرعت از تاریخ ۳۱ خرداد ۵۸ در محل دفتر شرکت آغاز شد. کارکنان شرکت مزبور برای مزایای خویش از جمله حق مسکن، خواربار، بیمه اضافه کاری، نخست در محل کارگاه واقع در جاده ساوه با دستگیری کاشانی مدیر عامل شرکت به عنوان اعتراض و رجوع به وزارت کار نتوانستند خواسته‌های خویش را بدست آورند. بدین منظور کارگران جمعا به دفتر شرکت آمدند تا بتوانند با پیگیری مداوم تر در تهران خواسته‌های خود را بدست آورند. شرکت ایران سرعت هم اکنون تعداد معتنابهی ماشین در اختیار دارد و شغل کارگران، صافکاری-نقاشی و پنجره گیری می باشد که غالبا سه تا چهار سال سابقه خدمت داشته و در بدترین شرایط محیط کار به سر می برند. با مراجعات مکرر کارگران به وزارت کار و کمیته، روز شنبه (۵۸/۴/۲) نماینده کارگران به دادگاه انقلاب اسلامی رفتند تا در مورد خواسته‌های مزبور مذاکراتی به عمل آورند.

### اعتراض به عوارض شهرداری

قم - ۵۰ تن از رانندگان کامیونهای قم که از ۱۸۰ کیلومتری این شهرشروماسبه می آورند به تصمیم شهرداری مبنی بر دریافت عوارض اعتراض کردند. این رانندگان ضمن تماس با مسئولان شهرداری گفتند مادر زمان رژیم گذشته عوارض نمی دادیم و تعجب آوراست که پس از انقلاب می خواهند عوارض بگیرند. یکی از رانندگان گفت: "چهارمور مسلح برای گرفتن عوارض مانع کار ما شدند و وقتی مقاومت کردیم شروع به تیراندازی هوایی کردند."

### تحصن کارگران شرکت

### اس - پی - باتنیول

روز شنبه ۲ تیر، ۸۰ تن از کارگران شرکت اس - پی - باتنیول مرفا کوسو پیمانکار شرکت نفت - برای رسیدن به خواسته‌های صغی خود در دفتر مرکزی شرکت در تهران متحصن شدند. این عده خواستار بازگشت تمام کارگران به سرکار و دریافت کلیه حقوق ها و مزایای عقب افتاده خود هستند. آنها اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان به تحصن ادامه خواهند داد. یکی از نمایندگان کارگران متحصن در این باره گفت: در پی متوقف شدن فعالیت‌های شرکت، کارگران نیز بدون کارفرما اخراج شدند. وی اضافه کرد: "ما اکنون سه ماه است که به دنبال خواسته‌های خود هستیم و تاکنون چند جلسه با نمایندگان کارفرما در اداره کار داشته ایم که نتیجه‌ای نداشته است. ما تقاضا کردیم این پرونده را به دادستانی انقلاب ارجاع کنند، اما تا این لحظه به ما جوابی داده نشده است. نماینده کارگران افزود: "کارفرمای این شرکت فرانسوی است و با اینکه کمیته‌ی شماره ۳ که در جریان کارما قرار دارد، خواسته‌های ما را به حق و طبق قانون کار دانسته است ولی کارفرما از برآورده کردن خواسته‌های ما شانه خالی می کند و می گوید قانون کار شما به دردم نمی خورد. از طرفی عوامل فرانسوی که در شرکت زیاد هستند هر کدام به نوعی در کارما مداخله و کارشکنی می کنند."

### خواسته‌های

کارگران کارخانه ریسندگی سر آسیاب فرسنگی کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سر آسیاب فرسنگی خواسته‌های خود را به این شرح اعلام کرده‌اند:

- ۱- ۸ ساعت کار در روز
- ۲- ۴۰ ساعت کار در هفته
- ۳- افزایش دستمزد
- ۴- ایجاد شرکت تعاونی و سلف - سرویس
- ۵- برکنار شدن کارفرما

کارفرما تاکنون به دومورد از خواسته‌های دیگر کارگران یعنی پرداخت سه ماهه حقوق عقب افتاده و عیدی سال گذشته عمل کرده تا عدم رسیدگی به خواسته‌های قانونی کارگران را موجه نشان دهد. کارفرما در مورد تعیین ۸ ساعت کار روزانه و تعطیل کار در روزهای تعطیلی رای گیری به عمل آورد و این در حالی بود که وی قبلا عده‌ای از کارگران ناآگاه را به ده ساعت کار در روز و در روز تعطیل در ماه راضی کرده بود. کارگران ضمن اعتراض به این شیوه غیر انسانی خواهان اجرای همه خواسته‌های خود هستند.

### تشکیل شورای کوره پزخانه در مهاباد

مهاباد - کارگران کوره پزخانه پاشائی شورای خود را انتخاب کردند و به جای نماینده فرمایشی سابق به نام "رحمان کاکه رشی" که عامل کارفرما است، مسئولیت امور کارگران را به عهده شورا گذاشتند. کارگران در بیانیه‌ای خواهان افزایش حقوق و فراهم آوردن امکانات رفاهی و بهداشتی شدند.

تهران - کارگران کارخانه بلوجین که بیشتر زن هستند از قبیل از قیام بهمین تاکنون به سر کار نرفته‌اند. نمایندگان کارگران تاکنون چند جلسه با نماینده وزارت کار و کارفرما داشته‌اند ولی خواسته‌های کارگران مورد توجه قرار نگرفته است. کارگران خواهان بازگشت به کار و پرداخت حقوق ماههای گذشته خود هستند.

### به بهانه بیکاری حقوق کارگران را کم کردند

بوکان - کارگران قسمت پخش مواد نفتی جایگاه کمربندی پخش نفت بلوار در بوکان اعلام کردند که اگر به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. در قطعنامه‌ای که کارگران قسمت پخش صادر کرده اند آمده است: "پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران که سنگینی آن بردوش کارگران و زحمتکشان بود ماکارگران انتظار داشتیم که وضعیت بهتر شود و قوانین انسانی تدوین گردد و از استعمار و رورگویی نجات پیدا کنیم ولی اکنون شاهد هستیم که نه تنها میزان بهره‌دهی و استثمار و ظلم کم نشده است بلکه روربه روز به آن اضافه جایگاه کمربندی هر کدام با شش نفر عائله با حقوق ماهیانه حدود هزار تومان بطور مداوم کاری کنیم و فقط پس از چهارشنبه روز می توانیم ده ساعت به کارهای خانوادگی بپردازیم. و اگر فرزندانمان مریض شوند ممکن است بی‌ساز و روز بتوانیم اورا به دکتر نشان دهیم. با وجود این همه

### تاکسی رانان پیشرو تهران

تهران - تاکسی رانان پیشرو تهران ضمن صدور اعلامیه‌ای انتخابات اتحادیه فلابی تاکسی رانان را تحریم کردند و اعلام داشتند از میان همکاران مبارز و صدیق خود نمایندگانی را برای هیئت مدیره انتخاب خواهند کرد. متن اعلامیه بدین شرح است: "برادران عزیز، اخیرا شرکت به اصطلاح تعاونی که همه ما به خوبی ماهیتش را می شناسیم رنگ عوض کرده و از دردیگری یوار شده است و اعلام انتخابات هیئت مدیره را می نماید و می خواهد عناصری را در راس این شرکت منحل قرار دهد که به هیچ وجه ناهز در دست ما آنگاه هستند و نه ماهیت ضد انقلابیشان اجازه چنین همدردی را می دهد. ماضن تحریم این انتخابات معتقدیم که تنها اتحادیه‌ای واقعی متشکل از رانندگان زحمتکش تاکسی که مشکلات و محرومیت‌های ما را بپوست و گوشت خود لمس می کنند می تواند مورد اعتماد

### ۱۲ هزار پرونده کارگران را از

### خانه کارگرا صفهان بیرون آوردند

بر اساس خبر رسیده، روز جمعه ۲۵ خرداد چند تن از مسئولان استانداری اصفهان همراه با یکی از روحانیون به خانه کارگرا صفهان می روند و به اتفاق ۱۰ نفر پاسدار کلیه پرونده‌های کارگران را که بالغ بر ۱۲۰۰۰ پرونده می شد همراه می برند. گروهی از کارگران به این عمل غیر اصولی اعتراض می کنند و داخل شدن به خانه کارگر را بدون اجازه و موافقت کارگران و یا حتی اطلاع قبلی مسئولان خانه کارگر تجاوز به حریم آزادی و حقوق

### اجتماع کارگران شرکت سد سازی

### درو وزارت کار

تهران - صدتن از کارگران آب بند شرکت سد سازی سیسر در تاریخ ۳۰ خرداد به نمایندگی از کلیه کارکنان این شرکت کطی ماههای بعد از انقلاب بیکار شده‌اند. با مراجعه به وزارت کار خواستار بازگشت به کار و یا حداقل پرداخت مزایای بازنشستگی شدند. سرمایه شرکت مزبور فرانسوی است و تاکنون عهدی در ساختمان سد های منجیل - لتیان و شهباز (واقع در اصفهان) بوده و هم اکنون پروژه سد رضاشاه واقع در مسجد سلیمان را در دست دارد. اخراج کارگران که بایر پرداخت پول

# پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## به مناسبت سومین سالگرد

## شهادت هشت تیر



رفیق کیسیر "حمید اشرف" از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اگر امروز عمیقاً درک کرده ایم که وظیفه اساسی پیشرو در شرایط فقدان حزب، کوشش در جهت آن یعنی کار تبلیغی و ترویجی و گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر است، و سایر اشکال مبارزه باید در خدمت آن گرفته شود.

اگر امروز پذیرفته ایم که محور فعالیت‌های ما باید در آن جهت سمت داده شود، بدین علت است که باید قادر باشیم، همواره همیشه با هر نوع انحرافی در سازمان و در سطح جنبش به ستیز برخیزیم و قاطعانه با آن به جنگیم و آنرا به دور افکنیم و بدینسان صفوف نیروهای پیشرو و طبقه کارگر را مستحکم تر سازیم.

کج اندیشی طرفداران ثنوری سه جهان و سوسیال امپریالیسم و تسلیم طلبی مزرانه و مایوسانه روبرویونیست‌های توده‌ای نه تنها هیچ باری از دوش جنبش بر نداشتند بلکه خود به عنوان یکی از موانع رشد آن بوده‌اند.

این سیاست‌های محافظه کارانه و ناپیکیر امروز خود را در چگونگی تدوین قانون اساسی و سایر سیاست‌هایی که تا بحال عملی شده‌اند به خوبی نشان می‌دهند.

حاکمیت سیاسی موجود از همان آغاز قیام، نسبت به توده‌های مسلح قیام کننده که پادگانهای رژیم منغور را فتح کردند، سیاستی دوگانه در پیش گرفت و به محض پیروزی قیام با تشکیل کمیته‌ها، تلاش نمود سلاح را از دست مردم خارج نماید.

در حالیکه انقلاب باید در درجه اول به توده‌های مسلح قیام کننده تکیه نموده و جهت حفظ دستاوردهای خود، با درهم شکستن ارتش ضد خلقی، ارتش انقلابی و خلقی را از توده‌های شرکت کننده در قیام و نظامیان جزئی که به قیام پیوسته‌اند، بوجود آورد.

درسی‌های ارزنده تمام انقلاب‌های پیروز مند نشان می‌دهد که تنها و تنها خلق سازمان یافته و مسلح می‌تواند انقلاب را تا پیروزی نهایی به پیش راند.

سابق می‌نمایند و عناصری چون فرید، فلاحی، مدنی و رحیمی... را در رأس آن می‌گمارند از پشت به انقلاب خنجر زده و آن را به شکست می‌کشند.

اگر ما در این جهت، سیاست، اهداف، قوانین و آئین نامه‌های آن همچنان دست نخورده باقی مانده‌اند، اعتماد نخواهیم کرد مردم نباید در این مورد خیال خام به خود راه دهند.

خلق قهرمان ایران امروز در اینجا گرد آمده‌ایم تا یاد تلاش قهرمانانه‌ی رفقای فدائی شهید را گرامی داریم. گذشته مظهر اراده انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقهای ستمدیده میهن بودند.

آمدیم تا از رفقای یاد کنیم که آشتی ناپذیری و شهادت انقلابیشان، همه انقلابیون و مبارزین راه آزادی را توان می بخشید و راه سرخ رهائی کارگران و زحمتکشان را ترسیم می نماید.

حمید اشرف، محمد حسین حقنواز، یوسف قانع، طاهره خرم غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد رضا پیرایی، غلامعلی خراط پور، قتی اکبر وزیری، محمود عظیمی بلوریان، مارتیک قازاریان، پدال الله زارع کاربزی، تزئمت السادات روحی آهنگران، محمد مهدی فوقانی، گلرخ مهدوی، ناد علی پورنغمه، ابراهیم خیری، نسترن آل اقا، مریم شاهی، عبدالله سعیدی بیدختی، احمد خرم آبادی، کاظم سلاحی، حسین موسی دوست، عسکر حسینی، بهزاد امیری دوان حمید آریان، نادره احمد هاشمی، علی رحیمی علی آبادی، افسر السادات حسینی، سیمین تولکی، حمید رضا هزارخانی، کاظم غبرائی و حمید زبیر کرمانی، گرامی باد.

اکنون قیام دلاورانه خلقهای ستمدیده ایران رژیم سیاه دیکتاتوری را به گور سپرده و امپریالیسم را از بسیاری مواضع گذشته اش وادار به عقب نشینی نموده است. در تاریخ مبارزات آزادیبخش مردم ما قیام مهمی که به سقوط رژیم ضد خلقی شاه انجامید، نقطه عطفی بسیار مهم به شمار می رود که در نتیجه آن دوره جدیدی از انقلاب رهائی بخش مردم ما آغاز می شود و از ویژگی‌های دیگری برخوردار است.

همه ما آن سالها برجای مانده‌اند، یاد تلخ آن را با خود به همراه دارند. سالهای که طبقات و گروههای وابسته و سرسپرده حاکم میهن مارا تبدیل به گورستان انقلابیون و مبارزین نموده و می اندیشیدند که در مقابل زور و زر آنها و اربابانشان قیام امری محال است و این خلق محروم و ستمدیده محکوم است برای همیشه بندهای پوسیده بندگی را همچنان برای نسلهای آینده برجای گذارد.

بالبهایی بود که وفاداری به خلق و انقلابی ماندن، رسالتی بس گران بود. چه بسیار کسانی که در این راه جان باختند و چه کسانی که در نیمه راه باز ماندند. ویا آنکه به خلق پشت کردند و با آنها که وحشت و هراس خویش را از مبارزه در زیر پوششی از نظریات خود ساخته پنهان نموده و به نشخوار اندیشه‌های باطل خویش مشغول بودند.

در آن سالها چه کسانی انقلابی بودند؟ چه کسانی پرچم خونین مبارزات انقلابی مردم را بردوش کشیدند؟ چه کسانی جوهر دست‌یابی به ثنوری و عمل انقلابی را در خود پرورش دادند؟

اگر امروز تأکیدی کنیم که ایجاد حزب طبقه کارگر یک ضرورت گریز ناپذیر برای تحقق انقلاب دموکراتیک خلق است، و واقعا بدون تشکیل حزب طبقه کارگر رهبری این طبقه در انقلاب تحقق نخواهد یافت و اگر امروز دریافته ایم که تأکید بر نقش محوری مبارزه مسلحانه و تعمیم آن در تمام طول پروسه انقلاب، تأکیدی در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر نیست.

اختیار آنها، مسامحه قطع نفوذ چپا و لگران و بقایای فئودالهای مرتجع و احیاء مجدد کشاورزی ما خواهد انجام میدود درین حال یکی از زمینه‌های مهم وابستگی به امپریالیسم در زمینه نیاز به مواد کشاورزی را مرتفع خواهد نمود.

شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری، باید بعنوان ارکان اصلی اعمال حاکمیت خلق، در تمام زمینه‌ها به رسمیت شناخته شده و آنها باید حق شرکت در تمام ارکان‌های حکومتی را داشته باشند.

تمام قراردادهای اسارت بار اقتصادی - نظامی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی باید فوراً لغو شوند.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی‌شان تأمین خواهد شد.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی‌شان تأمین خواهد شد.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی‌شان تأمین خواهد شد.

تضمین حقوق اقلیت‌های مذهبی، تضمین حق برابری زن و مرد، حق اشتغال، حق استفاده از حقوق در هنگام بیکاری، حق داشتن مسکن و استفاده رایگان از آموزش و بهداشت، حق اعتصاب، حق آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سندیکا و اتحادیه و عضویت در جمعیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و سایر حقوق دموکراتیک مردم تنها و تنها در شرایط نابودی سلطه امپریالیسم و وابستگی‌شان تأمین خواهد شد.

# تحصن فارغ التحصیلان بیکار بانک

فارغ التحصیلان بیکار شهرستان بانه با انتشار قطعنامه‌ای ضمن اعلام پشتیبانی از تحصن بیکاران درسراسر ایران، پشتیبانی از تحصن خانواده ها که بعنوان اعتراض به دستگیری حماد شیبانی از اعضای سازمان صورت گرفته بود همچنین برای اعتراض نسبت به بمباران مناطق مرزی کردنشین توسط دولت نسبت به توطئه های عوامل وابسته به رژیم سابق تحت عنوان عوامفریبانه اتحادیه عشایر و تأیید دولت از کنفرانس ضد خلقی سنجند از تاریخ ۲۱ خرداد بعلت بی اعتنائی نسبت به خواسته های خود در فرمانداری بانه متحصن شده و اعلام کرده اند که در صورت ادامه بی اعتنائی، تحصن خود را به سایر ادارات منتقل خواهند کرد.

۱- به کارگاردن فارغ التحصیلان بیکار  
۲- پرداخت حقوق ایام بیکاری و ایجاد بیمه بیکاری تا تحقق خواسته ها.  
۳- رعایت حق تقدم افراد بومی در استخدام.  
۴- تصفیه ادارات از عناصر مرتجع

۵- ایجاد کارخانه در همه نقاط کشور و مخصوصا کردستان و بیکارگماردن کارگران بیکار.  
۶- ایجاد مدرسه، جاده، لوله کشی آب و تأمین برق در سراسر روستاها و فراهم نمودن امکانات رفاهی از جمله وام، بذر، کود، ماشین آلات برای دهقانان و لغو کلیه دیون آنها.  
۷- تشکیل هر چه سریعتر شورای شهر بعنوان تنها مرجع تصمیم گیری در امور شهر.  
۸- لغو کامل سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آزادی فعالیت برای تمام سازمانها و گروههای سیاسی.  
در این میان استاندار دوبار غیر مستقیم با متحصنین تماس گرفته و خواستار ۱۵ روز مهلت شده است که متحصنین این وعده را قبول نکرده و خواستار تماس مستقیم با استاندار و نماینده هی شده اند. گروههای سیاسی موجود در بانه و سندیکای شهرداری بانه به همراه سندیکای رانندگان و همچنین امام جمعه از این تحصن اعلام پشتیبانی نموده اند.

# بیکاری

## همچنان مشکل بزرگ جامعه است

از آنجائیکه دولت موقت بنا به ماهیت طبقاتی خود و در نظر گرفتن منافع سرمایه داران وابسته بطور جدی در جهت حل مشکل بیکاری قدم بر نمی دارد، عده زیادی از کارگران و زحمتکشان به دلیل بیکاری برای تأمین معاش خود و خانواده با مشکلات زیادی مواجه هستند.

اراک - فارغ التحصیلان بیکار اراک در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ در یک گردهمایی به دعوت کانون تحصیل کرده های بیکار شرکت کرده و قطعنامه ای خطاب به خواسته هایشان در مورد تأمین کار و ایجاد واحدهای فنی و آموزشی و رفع تبعیض در امور استخدامی و ... صادر کردند.

میان دو آب - کانون فارغ التحصیلان بیکار میان دو آب در یک گردهمایی در تاریخ ۱۲/۳/۵۸ با هدف حل مشکلات کارایی و جلوگیری از تبعیض تشکیل شده است و مورد تأیید فرمانداری هم قرار گرفته است.

این کانون در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ اعلامیه ای صادر کرده و به تبلیغات سوء عناصری اشاره کرده که چون خودشان بدلیل وابستگی شان به سرمایه داران و ارتجاع زندگی شان تأمین است و مشکلی به اسم بیکاری ندارند و کانون را مانعی در جهت تحقق منافع شخصیشان می بینند، در جهت فعالیتهای کانون کار شکنی می کنند.

سنندج - در حدود ۱۰۰ نفر از فارغ التحصیلان سنجندج در تاریخ ۲۶/۳/۵۸ برای اعتراض به بیکاری در خیابانهای شهر راهپیمایی کرده در جلو استانداری جمع می شوند. بعد از خواندن قطعنامه و گفتگو با مسئولان استانداری تا تاریخ ۴/۳/۵۸ برای رسیدگی به خواسته هایشان مهلت تعیین می کنند و بعد از راهپیمایی مجدداً در میدان آزادی متفرق می شوند.

# دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا

## تالار دانشکده را به نام فدائی شهید فرامرز شریفی نامگذاری کردند

روز سه شنبه ۲۹ خرداد دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به مناسبت پایان سالی که در انقلاب گذشت "مراسمی برای گرامی داشت یاد فرامرز شریفی فدائی شهید در دانشکده هنرهای زیبا برپا کردند." رفیق فرامرز در یک درگیری در سال ۱۳۵۱ در کنار رفقای هم رزمش

مهدی فضیلت کلام، فرخ سپهری به شهادت رسید) در این مراسم پس از سخنرانی یکی از دانشجویان رفیق پددر (عباس فضیلت کلام) پدر فدائی شهید مهدی فضیلت کلام و شیرین وانوشه و خانم سپهری خواهر چهار فدائی شهید و همچنین خانم شریفی مادر فرامرز

سخنرانی کردند. خانم شریفی در سخنان خود به یادداشت چریک فدائی حماد شیبانی شدیداً اعتراض کرد. در پایان تالار دانشکده هنرهای زیبا به نام فرامرز شریفی نامگذاری شد.

### نامه يك دانش آموز ملایری

# اگر کسی خواست حق خود را بگیرد ضد انقلاب است؟

بعد از سلام و آرزوی موفقیت در کار و هدف خود، من دانش آموز سال اول دبیرستان هفده شهریور ملایر هستم. من با شناسایی اوضاع زندگی کارگران و زحمتکشان شهرمان به یک حقیقت مهم، آگاه شدم شاید خیلی دیر ولی به هر حال دانستم که این تمامی انقلابی نبود که می خواستیم و خلاصه به این نتیجه رسیدیم که تا وقتی که جامعه طبقاتی وجود داشته باشد، انقلاب نیز هست.

مثلاً دیروز یعنی شنبه ۱۳ خرداد جمعی از کارگران مبارز بخش شهرداری ملایر (تقریباً ۲۵۰ بنا) به خواسته هایی که دارند در سالن شهرداری اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیتشان شدند. این تحصن در ساعت ۱۰ صبح شکل بهتری به خود گرفت و رئیس شهرداری را مجبور به گفتگو با کارگران زحمتکش در زمینه خواسته های به حق خود کرد. ولی باز مثل همیشه همانند سابق بعد از کمی کلنجار رفتن با کارگران، حاشیه رفتن، از کارگران خواستند که صبر انقلابی داشته باشند و برآستی این کلمه مد روز سخره - ترین و مضحکترین کلمات سخنوران است. سرانجام وقتی رئیس شهرداری به ما پافشاری کارگران رو بر سر می شود از میدان بدر رفته و کارها را به دست فرماندار ملایر آقای روشن ضمیر (فرماندار به اصطلاح اسبابی مردم می سپارد)، ایشان نیز کارگران شهرداری را تهدید به اخراج کرده و می گویند در حدود ۱۰۰۰ کارگر بیکار داریم و در حقیقت کار ما برای ما ارزشی

ندارد. واهمیتی نیز ندارد. اگر پیش از این در امور بی نظمی کنید، هر چه بدهید از چشم خودتان دیده اما کارگران زیر بار حرف زور نرفتند و در حالیکه فریاد می زدند (جمالی در سال گذشته رئیس امور مالی در شهرداری ملایر بوده) به طرف محل کار جمالی رفته و او را از محل دفتر خود بیرون کشیده و موفق شدند یک هفته مهلت برای اجرای خواسته های خود که یکی همین اخراج آقای جمالی رئیس حسابداری، پرداخت ۲۵۰۰ تومانی که بر اساس بخشنامه جدید باید پرداخت گردد، بر خودداری کلیه مزایا و حقوق بیمه و بازنشستگی، کار در بیرون، فضای سبز و پشتیبانی از حقوق و آزادی کارگران با ایجاد محیطی کاملاً دموکراتیک، انتخاب نماینده واقعی و تعیین انجمنهای کارگری در ملایر بگیرند.

ولی لازم است یاد آوری کنم قبل از اینکه کارگران موفق به گرفتن مهلت برای انجام خواسته های خود شوند رئیس شهرداری به کمیته محل خیر داده بود که جمعی ضد انقلاب و از خدایی خیر در امور شهرداری بی نظمی به وجود آورده اند و بلافاصله یک عده مامور به داخل کارگران ریخته و از آنجا می خواستند که محل را ترک کنند. اینجا یک سؤال برای من پیش می آید. آیا اگر کسی خواست حق خود را بگیرد اخراج و یا ضد انقلاب است؟

# کارآموزان کانون کارآموزی مهاباد چه می خواهند

کانون کارآموزی مهاباد با ظرفیت ۳۵۰ کارآموز که در آن ۵۰ نفر کارآموز در رشته های مختلف تولیدی از قبیل قالی بافی، نجاری، جوشکاری، خیاطی و ... اشتغال دارند و تحت عنوان "آموزش" درآمد کلانی به جیب دولت سرازیر می کنند ولی از تولید خود هیچگونه بهره ای نداشته و حتی قادر به رفع نیازهای ابتدائی خود نمی باشند.

کارآموزان هنوز هم با وجود سرنگونی رژیم شاه خائن مثل سابق تحت شرایط انضباط سخت و فشار قرار دارند. این کارآموزان برای رسیدن به خواسته هایشان در جهت اصلاح وضعیت کانون از تاریخ پانزدهم خرداد دست به تحصن زدند. کارآموزان بدینال این تحصن یکسری امتیازات جزئی گرفتند. ولی به خواست اصلی شان یعنی پرداخت حقوق ماهیانه هنوز جواب قطعی داده نشده است. آنها برای مطرح کردن خواسته های برحق خود با مقامات مسئول استان، دو نفر نماینده انتخاب کرده و به ارومیه فرستادند. کارآموزان می گویند: "اگر جواب مثبت به خواسته اصلی ما داده نشود اعتصاب خود را ادامه خواهیم داد، چون این حق مسلم ما است. کانون علاوه بر درآمد ناشی از تولید ما بودجه هنگفتی دارد. ما باید حقوق ماهیانه ما در بودجه منظور گردد یا درآمد تولید در اختیار خودمان گذاشته شود.

# برای روستائی در روستا هیچ امکانی وجود ندارد

نامهای تحت عنوان بالا را که از طرف یک دانش آموز روستائی در کردستان غرب مطرح شده، که گوشه هایی از آنرا بچاپ می رسانیم.

... یک روستائی خیلی درددار که با حرف زدن دوا نمی شود، یک روستائی که وضع مادیش خوب نباشد نمی تواند بچه اش را بفرستد مدرسه ... یک روستائی که می خواهد در یک سخنرانی با یک بحث یا در تظاهرات و راهپیمایی یا در جشنهای کارگری شرکت کند، نمی تواند چون هنوز آن امکان را ندارد که بتواند شرکت کند من که این را می نویسم می خواستم در جشن روز کارگر شرکت کنم ولی نتوانستم.

... دولت انقلابی دولتی است که سانسور را از بین ببرد و حقیقت را بگوید، درد مردم را بگوید، بعد از انقلاب برای افراد محروم جامعه وضع همانطور است، بجای اینکه بهتر شود. آیا روزی فرا خواهد رسید که تفاوت بین مردم شهری و روستا دیگر امکان پذیر نباشد؟

# بینائی يك کارگر در خطر است

پزشکان بیمارستان اورادون معالجه قطعی مرخص می کنند. روز بروز چشم کارگر مزبور بدتر می شود تا اینکه پسرش اورابه بیمارستان فارابی تهران می آورد و در تهران پزشکان به او می گویند چون دیر شده باید برای معالجه کامل به خارج بروی.

وزیر کشاورزی در حرف قبول می کند خرج سفر و معالجه اورا تأمین کند ولی هیچگاه به این وعده خود عمل نمی کند. قضیه به همین جا خاتمه نمی باید بلکه حقوق این کارگر را به علت اینکه مرسی نبوده قطع می کنند و شکایتهای مکرر به وزارت کار هم به جایی نمی رسد. بعد از انقلاب همسر او به کمیته شکایت می کند اما کمیته چی ها هم به خواسته های او جواب رد می دهند. در حال حاضر غضنفر بخشی، در وضع خطرناکی به سر می برد و خانواده او نیز در تنگنا و ناراحتی هستند.

عدم وجود شرایط سالم و بهداشتی و ناامنی محیط کار که ناشی از حرص و طمع سرمایه داران برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر است تا کثرت خسارات جانی زیادی به کارگران وارد آورده است. نبودن شرایط بهداشتی و ایمنی کامل در محیط کار، گاهی فجایعی به بار می آورد که به قتل یا نقص عضو کارگران می انجامد و کارگری که به این مصیبت گرفتار می شود همچون ماشینی فرسوده و ناقص از نظر کارفرما غیر قابل استفاده می شود. هم اکنون یکی از کارگران اداره کشاورزی گنبد کاووس به علت نبودن شرایط ایمنی و تجهیزات لازم در آستانه نابینایی قرار گرفته و هیچ کس هم خود را مسئول نجات او نمی داند. "غضنفر بخشی" کارگر اداره کشاورزی هنگام کار دچار حادثه می شود و سم به سر صورتش می پاشد. بعد از حادثه کارگر مزبور را به بیمارستان شیروخورشیدی می برند. اما

# خواسته های مردم افسریه و شاه آباد شرق

" ما مردم افسریه و شاه آباد شرق نامه سرگشاده ای که به دولت میهنده مهدی بازرگان نوشته اند ضمن تأکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اچاقافات و دستمتهای که از جانب رژیم سابق و بوسیله عناصر ارتجاعی به استناد قانون ضد مردمی "خارج از محدوده" به آنها شده خواسته های را مطرح کرده اند. آنها بعد از ذکر مبارزاتشان در راه گرفتن حقوق اهالی مخصوصاً حمله شان به ساختمان شهرداری در سال ۵۶۵۲ نوشته اند:

سبز، کتابخانه عمومی، سالن ورزش، جدول و آسفالت و پهل خیابانها و یک چراغ راهنمایی در نقاط بیست متری اتوبان برای جلوگیری از تصادفات، تلفن عمومی، بیمارستان و زایشگاه ملی (راهبان) مهد کودک برای زنانی که کار می کنند، کلاسهای رایگان خیاطی (برای زنان) فروشگاه مواد غذایی، اتوبوس شرکت واحد از شاه آباد تا خیابان پیروزی (فرج آباد سابق) نصب و تعمیر چراغ خیابانها.

است از حل احتیاجات و خواسته های عملی و به حق مردم افسریه و شاه آباد شرق. تأمین آب، برق، رختشویخانه، کلاسهای بیکار باهی سواد، پارک و ایجاد فضای





# اظهارات يك روستائی كه در واقعه روستای سیلاب دستگیر و شکنجه شده است

یکی از روستائیان سیلاب که پس از گذشت ه روز هنوز آثار کبودی های ناشی از شکنجه در نقاط مختلف بدنش باقی مانده است، جریان دستگیری خود را چنین تعریف می کند:

"صبح روز حادثه (۱۲/۳/۵۸) ما در قهوه خانه نشسته بودیم که خبر آوردند مجاهدین کمیته شاهپور، شوریکرا اشغال کرده اند. نیم ساعت بعد خبر آوردند که مجاهدین از شوریکر بطرف سیلاب حرکت کرده اند. بعد گفتند که مجاهدین وارد سیلاب شده اند. ما هنوز در قهوه خانه بودیم که بمن گفتند بیایم بیرون. وقتی بیرون آمدیم مراد دستگیر کرده بود قهوه خانه دیگری که جلوس مسجد بود بردند. وقتی وارد قهوه خانه شدم، از دیدن یک سرهنگ یک سرگرد، یک سروان (سروان قدوسی) فرمانده گروهان شاهپور) ۳ نفر از ما را خوی و تعدادی مجاهد خوی تعجب کردم. در مدت کوتاهی که مراد آن قهوه خانه نگهداشته بودند ۹ نفر دیگر را دستگیر کرده به آنجا آوردند. بعد ما را اسوار وانت بار کردند و همراه دو ماشین اسکوورت پرا افراد مسلح یکی در پشت و دیگری در جلو، به بلماس، به شهر بانی بردند. بمحض ورود به شهر بانی ما را به یاد فحشهای رکیک گرفتند. ده دقیقه ای از آوردن ما

## بیداری کشاورزان در اتحاد آنهاست

قروم در تاریخ ۱۶ خرداد ماه روستائیان آوانگان طی نامه ای خواستهای خود را در دولت اعلام داشته و اخطار کرده اند تا چنانچه به خواسته های سرخو آن جواب مثبت داده نشود در استناداری کردستان متحصن شده و تا موافقت مسئولین در انجام حقوق پایمال شده شان همچنان به تلاش خود ادامه خواهند داد.

خواستهای عمده کشاورزان و سایر زحمتکشان محروم و ستمدیده روستای آوانگان بدین شرح است:

- ۱- رسیدگی کامل به اشخاص شناخته شده ای که عامل اصلی فاجعه جنایتکارانه قروه بوده اند که منجر به قتل ۱۸ نفر کرد و ویرانی مسجد جامع کردها گردیدند.
- ۲- اصلاحات ارضی واقعی برای دهقانان بی زمین.
- ۳- تامین برق روستا محل تامین اعتباری که فلات تصویب شده.
- ۴- دادن وام بدون بهره به کشاورزان و فلوجا را به فئودالهایی که از کشاورزان می گیرند.

## حضور وسیع قیاده موقت در مناطق مرزی کردستان

اخیرا افراد زیادی از قیاده موقت به منطقه پیرانشهر و اشنویه آمده و در روستاهای اطراف پخش شده اند. این افراد گویا از عراق و سوریه آمده اند و تا به است که تعداد بازم بیشتر (جمعاً ۲۵۰۰ نفر) منهای زن و بچه هایشان به ایران خواهند آمد. در روستای درب که نزدیک کارخانه قند حدود ۸ نفر از این افراد هستند. روستائیان می گویند هر چه از اینها سوال می کنیم از کجاست آمده اید جواب درستی نمی دهند. قیاده ای های خانه های روستائیان می روند و روستائیان می گویند وضع زندگی ما طوری نیست که هم خرج اینها را بدهیم و هم بتوانیم خودمان را اداره کنیم. یکی از کارگران قند پیرانشهر می گفت: در حالی که دولت صندوق گداشی برای خانه سازی بدست گرفته، چطور اینها را به ایران می آورد و خرجشان را می دهد؟ قیاده ای هادر کوههای اطراف پیرانشهر در نزدیکی مرز مستقر هستند.

## سیل زدگان تبریز:

### دولت و مسئولین امور...

از دست رفته شان بی تابانه می کوشیدند نه از حضور ارتش و نه از استناداری و شور و خورشید و شهرداری و سایر عوامل کمک دهنده دولتی در کمک به مردم مصیبت زده اثری پیدا نشد. برای

### فرمانده پادگان در جواب اعتراض یک سرباز نسبت به دادن گزارش دروغ از کمک ارتش گفت: "به خدامن گزارش ندادم"

نمونه سربازی می گفت: "من نگهبان جلودر بودم ولی تا ساعتها هیچ کامیونی برای کمک از پادگان خارج نشد. پیش فرمانده رفته و گفتم کدام کامیون و کد ام گروه امداد ارتش به باری سیل زده کمان رفته است؟ چرا گزارش دروغ می دهید؟ شهاب دروغ تان بقیه مردم راکه صمیمانه می خواهند کمک کنند فریب می دهید مردم خیال می کنند که ارتش همه کارها را انجام می دهد و در نتیجه کمی خیالشان راحت می شود در حالیکه سیل زدگان همچنان بار سختی سیل را منتها به دوش می کشند."

### روستائیان بی زمین روستای کلانتر خواستار تقسیم زمین های مالکین هستند

بجنورد - ۵۸ خانوار از روستای کلانتر از بخش بانه در نامه ای که به عنوان رئیس دولت نوشته اند ضمن تشریح وضع و مشکلاتشان در مورد داشتن زمین و کنار دریا سخ به گفته یکی از وزرا که گفته است به روستاها برگردند و کشاورزی کنند نوشته اند:

"آقای وزیر، اینان که در شهر کار می کنند نیروهای فعال کشاورزی هستند اما مسافانه اینان در روستا یک مقال زمین هم ندارند و اینک ما روستائیان از جناب عالی سؤال داریم تحت چه روابط و ضوابطی به روستا برگشته و فعالیت کشاورزی داشته باشیم. آیا زمین در اختیار ما قرار خواهد گرفت یا دوباره به دست استعمارگران سپرده می شویم تا از ما کار بکشند..."

در انتهای نامه خواستهای زیر را مطرح کرده و نوشته اند:

- ۱- بایگه به ماروستائیان به دلیل مطرح کردن خواستهایمان برچسب کمونیستی می زنند، باینهمه ما آنها را مطرح می کنیم:
- ۱- تهیه کردن زمین برای کشاورزی
- ۲- آب آشامیدنی
- ۳- حمام
- ۴- بهداشتی
- ۵- زدن چاه برای آبیاری
- ۶- برق منطقه
- ۷- راه سازی بابل

وزیر نامه امضا و اثر انگشت بیش از شصت نفر به اضافه اسامی ۶ نفر از مالکین روستا با مقدار زمینهایشان آورده شده است.

### ماهان - اهالی روستای سه کنج خواستار جرفه عمیق برای زمینهای مزروعی خود شده اند.

در حال حاضر زمین های این روستا هر ۱۲ روز تنها ۲۴ ساعت از آب چشمه ای مشروب می شوند که قسمت اعظم آب آن صرف آبیاری زمینهای خود ماها می شود.

روستائیان سه کنج علاوه بر این، خواهان پرداخت وام طویل المدت بدون بهره و تامین برق روستا شده اند.

### سنندج - روستائیان الکوصار - آباد در قطعه نامه خود ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزاد بخواهی مردم زحمتکش، خواهان محاکمه والی خان سنندجی، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین تحویل درآمدهای زمینهای خود که والی خان غصب کرده، از بعد از اصلاحات ارضی تاکنون شده اند.

روستائیان همچنین خواستار از نو ساخته شدن آبادیهای صرام آباد و سید اسماعیل که به وسیله همین فئودال ویران گردیده شده اند و از دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای الکو را بدهد.

می گفتند "باید گلوی این بی شرفها را گرفت و ول نکرد، چرا ما را فریب می دهند؟ آنها فقط سه سرباز فرستادند که آمدند، اسم خانه هارانشند و رفتند. آیا اینکار هیچ مشکلی از ما راحل کرد؟ رئیس کمیته مارالان همان کسی است که این خانه را به ما فروخته و فقط موقعی به طرف ما می آید که نفعی در کار باشد. در احمد آباد کارگری که خانه اش ویران شده بود می گفت: "ما اصلاً از کمیته ها امید کم نداریم. رفتیم کمیته، ملایبی که آن بالا نشسته بود گفت: پول نداریم. پس این همه پول نقد کجا می رود؟" اینها همه حقایق است از زبان اهالی تبریز که به خوبی نشان می دهد دولت و کمیته ها برخلاف تبلیغات وسیع و عوام فریبانه ای که به راه انداخته اند هیچگونه کمک موثری به سیل زدگان نکرده اند. در مقابل این بی توجهی مقامات مسئول از همان نخستین ساعات حادثه کمیته امداد پیشگام تبریز متشکل از دانش آموزان و دانشجویان و معلمین برای انتقال مجروحین به بیمارستان، ایجاد کانال و جمع آوری وسایل به مناطق سیل زده شتافتند و با ایجاد و تشکیک کمیته های فوری امداد در مناطق کوناگون مثل بهمین آباد، منبع و مارالان کمکهای راکه از جانب مردم سرازیر شده بود بلافاصله به سیل زدگان می رسانند.

## قدرت شوراهای...

عوامل زمینداران ایفا کند. بر طرف کردن روحیه فردی در بین روستائیان از طریق تشویق و ترغیب روستائیان به انجام کارهای جمعی (ساختن مدرسه، پل، حمام و غیره) که برای استفاده همه اهالی است و تشکیل اجتماعات عمومی در روستا و بحث و گفتگو در زمینه مسائل و مشکلات مشترک روستائیان طرح پاره ای از تجربیات سایر روستاها و نقاط مثبت و منفی آن و بررسی و تالیف و اخبار جاری در زمین، نقش مهمی را در بر طرف کردن چنین روحیه ای خواهد داشت. لازم به تذکر است که رسیدگی به امور جاری روستا تنها از عهده اعضای شورای بر نمی آید. بلکه کمک و یاری افرادی که می بایست در کنار شوراهای مسئولیتها را بعهده بگیرند، میتواند برای حل مسائل ضروری باشد.

### با اتحاد و همبستگی

### کشاورزان زمین های خود را

### از ارباب پس گرفتند

اهالی روستاهای بالاسالدر و کلا و پائین سالدر و کلا و جرنه کی کلا (در اطراف قائم شهر) پس از تشکیل جلسه و بحث های زیاد، روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ تصمیم به تصرف ۱۰۵۲ هکتار از زمینهای خود که در زمان رژیم ضد مردمی پهلوی از بهرور بوسیله اربابان عبدالهی از مشهورترین رباخواران بابل غصب شده بود گرفتند. بعد از تصرف زمینها تصمیم می گیرند آنها را بطور جمعی کشت کنند و عواید امسالش را هم بین خود (افراد بی زمین و کم زمین) تقسیم کنند. در نزدیکی روستاهای فوق قرار دارد تحت تاثیر این حرکت تصمیم به تقسیم زمین همین اربابان درده خود می گیرند. اما عمال عبدالهی پیش دستی کرده و خواستند خودشان زمینها را بین اهالی تقسیم کنند تا بتوانند قسمت زیادی از زمینهای اربابان را حفظ کنند. این نقشه برای مردم فاش شد. روستائیان روز بعد زمین ها را تصرف کردند. باین حرکت روستائیان کدخدا ی مزدور این ده دست به اجیر کردن چند چماقدار و آتش زدن خانه یکی از روستائیان زد. کشاورزان خشمگین از این توطئه بسازن و بجه خود به دادگستری قائم شهر رفته و به این امر اعتراض می کنند و از دولت می خواهند که دست این خانها را از روستاها کوتاه کند.

## کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

تشکیل اتحادیه دهقانان

# گام دیگری است در جهت وحدت روستائیان

تشکیل شوراهای دهقانی در روستاهای کشور ما، گام مهمی است در جهت اتحاد و همبستگی روستائیان برای احقاق حقوق و مقابله با مقاومت در برابر غاصبین و متجاوزین. اکنون این شوراهای بسیاری از نقاط ایران تشکیل شده است. اما قدم مهم بعدی برای اتحاد بهتر و وسیع تر و کسب موفقیت‌های بیشتر و مطمئن تر، تشکیل اتحادیه‌های دهقانی است. این اتحادیه‌ها که خود را به هم پیوستن چند شورا به وجود می‌آید، برای انجام خواسته‌های مشترک روستائیان و شرکت آنان در تعیین سرنوشت خود و مقابله با تجاوز مالکین و غاصبین و احقاق حقوق آنان، از توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. مادر اینجاست که تشکیل یک اتحادیه دهقانی را در منطقه ای از کردستان و کوشش دهقانان و خوش‌نشینان منطقه دیگری از همین استان را جهت تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌آوریم.

بوکان - اهالی روستای "جامی‌کند" ۱۸ روستای دیگر واقع در غرب بوکان، روز ۱۶ خرداد ماه طی اجتماع باشکوهی در همین روستا، اتحادیه دهقانی جامی‌کند (روستاهای اطراف آن) را تشکیل دادند. در این اجتماع حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند که اکثر آنها نمایندگان از طرف روستائیان آمده بودند. البته تشکیل این اتحادیه بدون مشکلات انجام نگرفت. روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه که چند تن از اهالی روستای جامی‌کند به روستای "سه‌درآباد" می‌روند و در مسجد، مسئله تشکیل یک اتحادیه دهقانی بین روستای آن منطقه را مطرح می‌کنند، پس از مدتی، ارباب روستای نام جعفر آقا پهلخانی زاده مزدورانش را به مسجد می‌فرستد و با تهدید از مردم می‌خواهد که مسجد را ترک کنند و برای انجام خواستشان در مقابل مردم سنگر می‌گیرند. ارباب به مردم می‌گوید:

" شما حق ندارید بدون من‌تصمیم بگریید و با دیگران مشورت کنید. کسی هم حق ندارد به ده من بیاید. " این ارباب چند ماه پیش نیز از تجمع مردم در مسجد جلوگیری کرده و در مسجد رابسته بود. اما فردای آن روز چند نفر از اعضاء اتحادیه "اطمین" وعده‌ای هم از روستاهای اطراف، عازم "جامی‌کند" شدند تا از روستائیان پشتیبانی کرده و از درگیری جلوگیری کنند. سرانجام ارباب مشاهده اتحاد و مقاومت روستائیان حرف‌های روز پیش خود را پس گرفت و روستائیان توانستند درباره اتحادیه خود در مسجد صحبت کنند و مردم رابسته روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ۵۸ برای تشکیل اتحادیه دعوت نمایند. در طی این جلسه چند نفر سخنرانی کردند. این اجتماع که نشان دهنده آگاهی دهقانان به ضرورت اتحاد هر چه بیشتر خود در برابر فئودالها و عوامل مرتجع و اختناق، حقوق‌زد دست رفته خویش بوده با تکیه بر رهبری شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی و ملی خلق کردانه یافت و در پایان روستائیان در حالیکه سرود "کرد زندو" را می‌خواندند به طرف ده برافزاندند.

کشاورزان و خوش‌نشینان نمایندگان شوراهای دهقانی روستاهای دربند، دالان باغچه، غیاث‌آباد، نازه آباد و زربین و پیش از سه روستای منطقه "قزاق‌توره" از توابع سنندج نیز در یک گردهمایی به منظور اتحاد بیشتر و نزدیکتر قطعنامه‌ای صادر کردند که قسمتهایی از آن را در زیر می‌آوریم:

" ما دهقانان این بخش، با توجه به پیروزی مردم زحمتکش ایران... حق وظیفه خود می‌دانیم که برای بدست آوردن حقوق خود که توسط اربابهای غارتگر منطقه و به کمک زاندار مری ساواک پایمال شد، متحد شده و اختلافات و

در قطعنامه "اخراج زحمتکش روستاهای اطراف ارومیه و منطقه "سارال" و دیگر مناطق و تشکیل اتحادیه‌های ارتجاعی فئودالها" محکوم شده است. روستائیان همچنین حزب بعث عراق و تجاوز هواپیماهای عراقی به مرزهای ایران در "سردشت"، "پایمال" و "خوزستان" را محکوم کرده‌اند. حق تعیین سرنوشت خود و خود مختاری کردستان به رهبری شیخ عزالدین حسینی، یکی دیگر از خواسته‌های آنان است. در پایان اضافه شده است که "شوراهای اتحادیه‌های دهقانی" به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارد.

سیل زدگان تبریز:

# دولت و مسئولین امور برخلاف ادعایشان کمکی به ما نکردند

در سیل تبریز از کمک ارتش و سایر عوامل دولتی خبری نبود

کارگری در احمدآباد: رفتم کمیته به ما گفتند پول نداریم. پس اینهمه پول نقد به کجای رود.



دره قربانی در منطقه منبع - عروسک برجاست اما از کودک خبری نیست. به چشم های کارگر بنگرید...

"ساری زمی و خیابان ثقة الاسلام و خیابان طالقانی تعداد بسیار زیادی از خانه ها را سیل منهدم کرده و با اطراف خانه ها و داخل آنها را آب فراگرفته است.

### باز هم رادیو تلویزیون در گزارشات خود عوامفریبی کرد

برخلاف گزارشات رادیو تلویزیون که مثل همیشه با تحریف و واقعیات به عوام فریبی می پردازد در واقع سیل تبریز هم خبر از کمکهای ارتش و سایر نیروهای دولتی می دهد ولی در حالی که مردم بی خانمان در جستجوی عزیزان و زندگی بقیه در صفحه

شدت معترض بودند. نزدیک "سد" و احمدآباد در حدود ۱۲ خانه ویران شد و آب تا ارتفاع ۱/۵ متری خانه های خشت و گلی این محله را فراگرفته بود. در این منطقه هم از کمک دولت اثری به چشم نمی خورد و مردم محل و سایر مناطق بودند که بادل و جان در کمک به آسیب دیدگان از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند.

در حوالی "منبع" ویرانی بسیار زیاد و چندین خانه از جا کنده شده بود. که تلفات ناشی از آن چهار یا پنج نفر کودک بود. و اهالی خانه خراب این محله در مدرسه موجود در آنجا سکونت کرده‌اند. در مناطق بهمن آباد و بالاتر از آن وانتهای مارالان، همچنین در شهر آرا

بار دیگر حادثه‌ای طبیعی در گوشه‌ای از میهن فاجعه آفرید و مثل همیشه خسارات اصلی آن به کارگران و زحمتکشان وارد آمد. روز سه شنبه به دنبال بارندگی شدیدی که از حدود ظهر شروع شده بود در ساعتی از بعد از ظهر به سیلی بنیان کن تبدیل شده در نواحی مختلف تبریز مثل عینالی، نواحی مرکزی شهر، جنوب شهردریش قبرستان مارالان و در جاده مرند بالاتر از کشتارگاه بهمن آباد - جاری شد. در منطقه عینالی و اطراف آن حدود ۲۵ خانه به کلی ویران شد و تعداد زیادی از خانه‌ها آسیب دید. بنا به گفته اهالی در این منطقه چهار نفر کشته و بیش از ۱۰ نفر زخمی شدند. اهالی این محله نسبت به عدم کمک کمیته ها و ارتش به

## آوارگان کرد نطقه

### از لاعلاجی می‌خواهند مهاجرت کنند

اخیرا نامه‌ای به امضای گروهی از آوارگان کرد نطقه به نخست وزیر فرستاده شده متن آن به شرح زیر است. " نزدیک به دو ماه است که بیش از ۱۱ هزار نفر کرد نطقه با کامل مشقت به



معمول ننماید، ناچار از ترک تابعیت بوده و به یکی از کشورهای همجوار که پناهنده‌گی ما را بپذیرد، عزیمت خواهیم نمود. " بی توجهی هیئت حاکمه نسبت به وضع آوارگان کرد نطقه، از همان آغاز آشکار بود. آوارگاه چندین بار طی نامه و تلگرافهایی که به مسئولین فرستادند خواستار رسیدگی به مسئله آوارگان و کمک به بازگشتشان به خانه و کاشانه خود گشته‌اند. به این درخواستها ترتیب اثری داده نشد و فقط چندی پیش آیت الله ربانی شیرازی که بطور اخص برای رسیدگی به واقعه نطقه و مسئله آوارگان به منطقه آمده بود، وارد مهاباد شد و در خانه جوانان، آوارگان را برای بازگشت به خانه و زندگیشان امیندوار ساخت ولی علاوه بر اینکه گامی عملی در این جهت برداشته نشد، مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ایشان هم پس از بازگشتشان در شیراز روشن ساخت که برخورد نامبرده با آوارگان و کسلا با خلق کرد، همان برخورد مفرضانه‌ای است که عناصری مثل ملا حسینی و دیگران داشتند مثل بستن اتهام تجزیه طلبی به خلق کرد و اینکه کردها می‌خواستند نطقه را تصرف کنند و غیره. اقدام آوارگان به مهاجرت، که مسلما بدبختی‌های بیشتری را برایشان نه دنبال خواهد آورد، از همین بی توجهی ها و برخورد های مفرضانه و لاعلاجی آنان ناشی می‌شود.